

بسمه تعالی

اربعین

چیستی؟

چرایی؟

چگونگی؟

محمد رضایی آدریانی

۰۹۱۲۶۵۱۵۳۷۳

سخنی با خوانندگان:

حماسه عظیم اربعین حسینی امروزه شناخته ترین و شگفت ترین نشان شیعی است که با مشارکت انبوه شیعیان برگزار می گردد. این پدیده در یک دهه اخیر شاهد سریعترین رشد از جهت توسعه کمی و کیفی بوده که حتی رشد آن سریعتر از پیشرفت های تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی می باشد. به گونه ای که ظرف یک دهه جمعیت شرکت کننده در این حماسه در یک سیر تصاعدی از یک میلیون به سرعت به فراتر از ۲۰ میلیون رسیده است. در حالی که محل برگزاری این تجمع از جهت امنیتی و بهداشتی دارای وضعیت مناسبی نیست.

از جهت فرهنگی هم با وجود حاکمیت ۳۰ ساله بعثی ها و تلاش های گسترده آنان برای سرکوبی و نابودی تشیع، باور پذیری این رخداد و حماسه با میزبانی جامعه شیعه عراقی برای بسیاری غیر قابل قبول است. خصوصا که در مجاورت این حماسه جغرافیای شیعه ایرانی قرار دارد و ...

امروزه این تجمع با وجود این که عظیم ترین تجمع مسالمت امیز بشری است ولی از دو جهت مورد بی مهری قرار گرفته، اول از سوی جوامع و رسانه های بین المللی و حتی اسلامی (غیر شیعی) که خوش ندارند سیمایی زیبا از اسلام و تشیع به جهان مخابره کنند.

و دوم از سوی حاکمیت و جامعه علمی/فرهنگی داخلی، به این دلیل که چنین حماسه ای در بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران رخ داده و سرعت رشد آن فراتر از تصور بود، در مواجهه با آن تا مدتی در داخل ساز بی تفاوتی و ناهمسویی با این تجمع مردمی وجود داشت اما وقتی این رخداد عظمت خود را به جهانیان نشان داد، در داخل کشور هم این واقعیت پذیرفته و تلاش برای مشارکت شایسته در این حماسه در دستور کار قرار گرفت.

در دوسه سال اخیر با تدبیر شایسته مسئولین و حضور میلیونی مردمی، شیعه ایرانی دومین جمعیت آماری حاضر در اربعین و با آماری نزدیک به ۷ میلیون است که به سرعت به عدد ۱۰ میلیون نزدیک می گردد. این جمعیت آماری از جهت درصد، یک هفتم از جمعیت ایران زمین را شامل می گردد. همانگونه که پیش بینی

جمعیت نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ میلیون زائر در اربعین سال ۱۳۹۵-۱۴۳۸ تقریباً یک دهم از جمعیت شیعیان جهان را شامل می‌گردد.

از این رو شایسته است که این حماسه عظیم و بی سابقه در تاریخ بشری، به سرعت مورد مطالعات علمی و فرهنگی قرار گرفته و از سوی جامعه فرهیخته شیعه ایرانی مورد راهبری علمی و فرهنگی قرار گیرد تا از آسیب‌های احتمالی در بلند مدت در امان بماند.

در این پژوهش که تقریباً از اولین‌ها در این زمینه است، تلاش می‌گردد چرایی و چگونگی اربعین از دو زاویه مورد مطالعه قرار گیرد.

اول: کنکاشی اولیه در چرایی و چرایی اربعین. ضرورت این امر از آنجا ناشی می‌شود که در یک نظر سنجی میدانی حتی از طلاب ایرانی حاضر در پیاده روی‌های اربعینی سال‌های گذشته، بسیاری ضمن شگفت‌زدگی از این حماسه، از چرایی آن (ان‌هم در کشور عراق) بی‌خبر بودند. و اصولاً یکی از دلایل این شگفت‌زدگی هم ناآشنایی آنان با واقعیت و ظرفیت شیعه عراقی بود. پس در این مرحله و رویکرد از پژوهش به پاسخ‌دهی به پرسش‌های ذهنی بسیاری از زائران و مشاهده‌گران این حماسه که اربعین چیست و چرا، می‌پردازیم.

دوم: تلاشی برای پویا سازی و تعمیق حضور در این حماسه عظیم، از رهیافت تزریق نگاه‌های آینده‌گرایانه شیعی است. چرا که حضور در حماسه اربعین در مقایسه با حضور در مراسم حج، اگر چه با زمینه‌های عاطفی و احساسی بیشتر و قوی‌تری همراه است ولی می‌تواند مانند حج به آسیب‌ماندگاری در درون خود و عدم ظرفیت برای تاثیرگذاری پساویدادی منجر شود. بدین معنا که انبوه زائران با حضور در تجمع و فضای اربعین، تجربه خوش و معنوی کسب کنند اما این تجمع و حضور در زمان تجربه‌ورزی چندان عمیق نباشد (با توجه به فاصله زبانی بین شیعه ایرانی و عراقی) (در حد عاطفه و احساس بماند) پس از جدایی از آن، در حد خاطره‌ها متوقف می‌گردد. این در حالی است که با کمی تغییر بینش و تعریف رفتارها و تلاش برای همگرایی بیشتر از رهیافت زبان‌آموزی عربی و تقویت پیوندهای ایمانی، می‌توان حس و حال و ارزش‌های این حضور را تا سال بعد، حفظ کرد و بر اساس این حضور و همگرایی، اربعین را به پایگاهی عظیم برای جامعه‌سازی نوین جهان شیعی و بستری مناسب برای جهانی‌سازی شعائر

شیعی تبدیل کرد. این بخش از ماموریت ها و رسالت ها در بستر اربعین را کلید واژه دوم عنوان «انتظار و آینده گرایی» عهده دار است.

پس پژوهش «اربعین شناسی» پژوهشی توصیفی/کاربردی است. که ضمن توصیف حقیقت و واقعیت اربعین حسینی، به معرفی راهبردهای پویا سازی آن به صورت کاربردی و عملیاتی می پردازد.

و از این جهت با دیگر نوشتارها در موضوع اربعین که رویکرد توصیفی/اخلاقی داشته و از مطالعه پیشینه و چشم اندازهای آینده این رویداد فاصله می گیرند (و گرفتار آسیب لحظه نگری و موعظه گری می شوند) تفاوت دارد. البته نگاه مهدویت گرایانه در بیشتر محصولات فرهنگی اربعینی به چشم می خورد. ولی با این تفاوت که در آن آثار قرب به حضرت و تجدید عهد با ان حضرت مورد توجه است. ولی در این اثر جامعه شیعه اربعینی به عنوان بزرگترین تجمع منتظران موعود مورد توجه و مطالعه قرار می گیرد و زائر و مشاهده گر اربعین را مبتنی به ظرفیت های جامعه منتظر حاضر در اربعین به راهبردهای انتظار زیستی در متن واقعیت ها دعوت می کند.

فهرست مطالب:

Contents

۲	سخنی با خوانندگان:
۵	فهرست مطالب:
۷	درآمد
۱۰	بخش اول:
۱۰	اربعین پژوهی؛
۱۰	چرایی؟، چیستی؟، چگونگی؟
۱۱	چرا عدد ۴۰:
۱۷	نقش عدد ۴۰ در اربعین حسینی:
۲۱	چرایی و چیستی اربعین حسینی:
۲۱	زیارت اربعینیه جابر:
۲۹	زیارت اربعینیه اهل بیت:
۳۴	فرهنگ سازی اهل بیت برای زیارت:
۳۸	چیستی زیارت اربعین:
۴۰	چگونگی زیارت اربعین:
۴۷	و نکته پایانی:
۴۹	بخش دوم:
۴۹	اربعین در تاریخ تشیع
۵۱	از زیارت پیاده حسینی تا زیارت اربعینیه:
۵۲	گاه شمار فرهنگ سازی پیاده روی اربعین:
۵۴	تساوی تاریخی از دوره اول پیاده روی اربعین:
۵۶	عکس علمای موثر در فرهنگ سازی پیاده روی اربعین در حوزه علمیه نجف:
۵۷	دشمنان اربعین در قرن بیستم میلادی:
۶۰	عراق جدید و حماسه عظیم اربعین
۶۶	اربعین های جهان شیعی:
۶۸	سخن پایانی:
۷۰	بخش سوم:
۷۰	چشم انداز اربعین در افق انتظار
۷۱	درآمد:
۷۱	بازخوانی پیام های آینده گرایانه زیارت اربعین:
۷۴	چیستی مهدویت و انتظار و چگونگی پیوندهایش با اربعین

۷۴ مهدی شناسی لغوی و اصطلاحی:
۷۶ آینده گرایی یا سلفی گرایی:
۷۸ پیوندها بین حسین و مهدی:
۸۱ پیوندها در یآوری
۸۵ پیوندهای آسیب شناسانه:
۹۰ پیوندها در زیارتنامه ها : و پیشنهاد یک پژوهش علمی در طول سفر زیارتی اربعین:
۹۳ سخن پایانی:
۹۴ بخش چهارم:
۹۴ فرصت های اربعین برای فراگیرسازی پیام عاشورا
۹۵ تحلیل و آنالیز اجتماعی/رفتاری حماسه اربعین:
۱۰۵ در جامعه شیعه:
۱۰۹ اربعین در جهان اسلام
۱۱۴ اربعین در جهان بشریت:
۱۱۵ سخن پایانی:
۱۱۶ بخش پایانی:
۱۱۶ زیارتنامه اربعین
۱۱۹ ایده های و موضوع های مطالعاتی:

درآمد

چرا اربعین؟

این اربعین چیست که به سرعت به شناسنامه ارزنده شیعه تبدیل شده؟

و چگونه این اربعین به وجود آمده است؟ و چرا و چگونه می توان به آن پیوست؟

این انبوه خادمان و میزبانان شیعی عراقی و غیر عراقی در اربعین کیستند؟ و چرا بزرگترین ایثار بشری را رقم می زنند؟

این ها پرسش هایی هستند که امروزه پیش روی مشاهده گران و حتی جمع بسیاری از زائران داخل کشور نسبت به اربعین وجود دارد!!!

آنان می خواهند بدانند که این جمعیت چند ده میلیونی زائر شیعه از جغرافیای تشیع در گستره جهانی (و با محوریت شیعه عراق و ایران) چرا و چگونه به کربلا آنهم در قالب مراسم پیاده روی گرد هم جمع می گردند؟

و حتی شاهد حضور پراکنده اما قابل توجه از زائر غیر شیعه و غیر مسلمان هستیم!!!

و انبوه جهانیانی که از این تجمع عظیم با خبر می گردند و در جستجوی دانستن آن هستند.

و در یک کلام اربعین حسینی در ظرف زمانی یک ماهه حماسه عظیم اجتماعی/اخلاقی را شکل می دهد و گروه های بسیاری از شیعه و غیر شیعه را متوجه خود می گرداند. و این یعنی، اربعین در امتداد عاشورا قرار دارد. چرا این اتفاق در عاشورایی که تمامی جهان شیعه و بعضا غیر شیعه را به سوگ می نشاند رخ نمی دهد؟ ولی امروزه تجمع و حماسه اربعین می رود که از جهت نمادین از عاشورا هم جلو بزند ولی شگفت این که در این پیشروی، در حقیقت تمام هویت و داشته های اربعین همان عاشوراست و انتقال پیام

ها و ارزش های عاشورایی هدف اربعین قرار می گیرد که از طریق اجتماعی سازی ، امتداد بخشی و پویا سازی به عاشورا به آن دست می یابد!!

پس چیستی و چرایی نگارش این اثر، بر سه امر استوار است:

- وجود پرسش های طبیعی در زمینه ابیین شناسی
 - فقدان اثری که نگاهی جامع به اربعین داشته و این اهداف را تامین کند: تبیین ریشه های معرفتی ، پیشینه های تاریخی، توصیف فرایند و روند رویداد مبتنی بر واقعیت ها ، تحلیل آنالیز روابط و ارتباطات اجتماعی، لایه های پنهان و آشکار ارزش های اخلاقی اربعین، بازتاب های سلوک در پیاده روی اربعین بر زائر و خادم و
 - و از شعار زدگی و احساس گرایی و یا توصیه های صرفا اخلاقی (با رویکرد فردی) فاصله گرفته و مبتنی بر واقعیت ها مخاطب خود را در متن واقعه با عمق رویداد مواجه سازد.
- بنابراین این اثر قصد مطالعه نسبتا جامع و فراگیر اربعین را دارد. و چون هدفش هم دانستن به قصد دانستن نیست(علم برای علم) بلکه دانستن به قصد، حضوری آگاهانه تر است، بدین جهت در این اثر به واقعیت های اربعین در جامعه شیعه عراقی و ارزش های آن که نقطه پیدایی و عامل پویایی این حماسه عظیم است، می پردازد و بر اساس آن به تحلیل رابطه زائر و خادم صورت می گیرد. و آنگاه مبتنی بر واقعیات جامعه شیعه ایرانی و با توجه به حضور گسترده اش در حماسه اربعین در کنار شیعیان عراقی و انبوه شیعیان دنیا، به بیان راهبردهای پویا سازی اربعین در بستر ظرفیت های آخرالزمانی اربعین در جامعه جهانی می پردازد. و به جای این که مانند برخی از آثار زائر را تنها دعوت به سلوک اخلاقی بنمایاند، مبتنی بر همان سلوک و تحول اخلاقی/معرفتی، توصیه ای بزرگ را مد نظر قرار می دهد که:

«امام زمان خودش را به واسطه امام حسین(ع) به همه عالم معرفی می کنند ... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین(ع) را شناخته باشند... اما الان هنوز همه مردم عالم، حسین(ع) را نمی شناسند و این تصویر ماست، چون ما برای سیدالشهدا(ع) طوری فریاد زدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین(ع) به عالم است.»¹

¹ . آیت الله بهجت رحمت الله علیه

بدین جهت این اثر در مقام پس از معرفی از چیستی و چرایی اربعین، برای پویا سازی حماسه اربعین و با هدف جهانی سازی پیام های عاشورایی بر بستر حماسه اربعین از فرهنگ انتظار کمک می گیرد و مبتنی بر ظرفیت های سه گانه جهان شیعی، جهان اسلامی و جهان بشری به راهبردهای عملیاتی حضور در اربعین می پردازد. تا رسالت اربعین که پویا سازی شعارهای عاشورایی با رویکرد آینده گرایانه و جهانشمول است به صورت کاربردی و مبتنی بر واقعیت ها جامعه عمل به خود بگیرد.

و این اهداف در سیر محتوایی زیر به انجام می رسد:

- بخش اول: اربعین پژوهی (از عاشورا تا اربعین)
چرایی، ، چیستی ، چگونگی
 - بخش دوم: اربعین در تاریخ تشیع (از اربعین اهل بیت تا اربعین شیفتگان اهل بیت)
 - بخش سوم: چشم انداز اربعین در افق انتظار
 - بخش چهارم: فرصت های اربعین برای فراگیرسازی پیام عاشورا
تحلیل و آنالیز حماسه اربعین
- ظرفیت های و راهبردهای فراگیر سازی بر بنیان انتظار ورزی:
- در جامعه شیعه،
 - در جامعه اسلامی
 - در جامعه جهانی

بخش اول:

اربعین پژوهی؛

(از عاشورا تا اربعین)

چرایی؟ ، چیستی؟ ، چگونگی؟

درآمد:

اربعین مانند عاشورا نامی برآمده از اعداد است. و دلالت بر نقش و جایگاه زمان در یک رویداد مقدس دارد. به گمان برخی این عددها می تواند حکایتی از رویدادهای تاریخی به صورت اتفاقی باشد. ولی وقتی دینی مبتنی بر حکمت بوده و همچنین دارای راهبران معصومی باشد که گفتار و رفتار و رضایت آنان حجت باشد در این صورت تعریف رویدادهای مبتنی بر اعداد خاص مانند عاشورا و اربعین دیگر اتفاقی و تصادفی نخواهد بود. و گرنه معنا نداشت که عاشورای تاریخی چنان تقدس یابد که با زمان ظهور پیوند بخورد. پس اگر عاشورا در فرهنگ شیعی هم رمز هویت تاریخی ما (عاشورای دیروز) و هم چشم انداز آینده ما (عاشورای فردا) است، رویداد اربعین در میانه این دو، رویدادی نمادین با مأموریت های فرهنگی بسیار خواهد بود که باید به کنکاش و مطالعه آنها پرداخت تا حضور در حماسه اربعین سالیانه هم، تبدیل به موثر ترین اجتماع بشری از جهت فرهنگ سازی جهانی بگردد.

چرا عدد ۴۰:

اربعین در لغت، به معنای چهل، چهار دهه^۲ و در اصطلاح، سپری شدن چهل روز از مرگ کسی و بر پای داشتن مراسمی برای بزرگداشت اوست. این واژه در اصطلاح شیعه، به طور خاص بر روز بیستم ماه صفر یعنی چهل روز پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش اطلاق می گردد (همان) و اربعین حسینی نامیده می شود.

عدد ۴۰ یکی از اعداد نمادین و مقدس در فرهنگ اسلامی و خصوصا شیعی است. در فرهنگ دینی اعداد نه تنها در زندگی مادی بلکه در زندگی معنوی نیز حائز اهمیت فراوانند. خصوصا در دین اسلام و مکتب تشیع که به شریعت و فقه و مناسک توجه ویژه شده است مسئله عدد و اهمیت برخی اعداد بیشتر به چشم می آید. مثلا، تعداد رکعات نماز، تعداد تسبیحات اربعه، تعداد تسبیحات حضرت فاطمه (س) و امثال این

^۲. لغت نامه دهخدا، ۱۶۴/۵

موارد نشان می دهند که زندگی معنوی جدا از اعداد نیست . و البته برای تقدس یابی هر یک از اعداد می توان استنادهایی یافت که ریشه در رویدادهای تکوینی طبیعی و یا عوالم ملکوتی و یا پیوند با تاریخ مقدس اولیای الهی دارند. مانند:

اعداد و ریشه ارزش یابی دینی هر یک	
عدد	ریشهها و هویت ها
۵	۵ تن پیامبر اولوالعزم و ۵ تن آل عبا،
۷	۷ آسمان و ۷ زمین و ۷ دور طواف خانه خدا.
۱۲	۱۲ معصوم و ۱۲ چشمه ی معجزه حضرت موسی ، ۱۲ ماه
۱۴	۱۴ معصوم تقدس یافته اند.

و یکی از مهمترین این اعداد عدد چهل است. در فرهنگ دینی عدد چهل جایگاهی ویژه در سیر و سلوک، فرایند رشد و بلوغ و یا نهادینه سازی یک رفتار یا سجیه اخلاقی دارد. بدین جهت عدد ۴۰ در فرهنگ اسلامی/شیعی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. علامه سید بحرالعلوم یکی از علمای بزرگ و عارف شیعه در زمینه جایگاه عدد چهل فرموده است:

«خود به عیان دیده ام و به بیان دانسته ام که این مرحله شریفه ، از مراحل عدد را خاصیتی خاص و تاثیری مخصوص است ، در ظهور استعداد(ها) و تتمیم ملکات ، در طی منازل و قطع مراحل»^۳

بنابراین حکمت توجه به عدد چهل در فرهنگ دینی/عرفانی اسلامی، بر خاصیت اربعین در ظهور فعلیت و بروز استعداد و حصول صفات ملکه، امری است که در آیات و اخبار بر آن تصریح شده است ، و در سلوک و خودسازی ، برای جلب فیوضات و انوارالهی به آن توجه شده است. شاهد این مدعا گستردگی استفاده از عدد ۴۰ در تعالیم و آموزه های دینی و حتی در رویدادهای تاریخی است که نوعی پیوند با سیر و سلوک دارد. مهمترین موارد نمادین عدد چهل در فرهنگ دینی چنین است:

چرایی و چیستی و گونه شناسی اربعین
کارکردهای عدد ۴۰ در فرهنگ دینی، حوزه های متعددی را شامل می شود. حوزه هایی که از بسترهای طبیعی پیدایش انسانی شروع شده و انگاه به رویدادهای تاریخ ساز سرایت یافته و بعد به حوزه های سیر و سلوک اخلاقی و یا توصیه های تربیتی دینی و بازتاب شناسی آثار نیک و بد

^۳ . آشتیانی ، محسن ، اسرار عدد چهل در قرآن و روایات.

اعمال از جهت تکوینی کشیده می شود.	
و این گونه های متعدد بیانگر نقش عدد چهل در تمامی این حوزه ها است. بنابراین شاهد استفاده نمادین از عدد چهل در ظرفیت های گوناگونی هستیم که عبارتند از:	
از جهت زمانی (۴۰ روز یا سال)، از جهت کمی و مصداقی (۴۰ فرد و ۴۰ عدد)، از مکانی و مساحتی (۴۰ ذراع یا منزل)، از جهت کیفی و مرتبه ای (۴۰ برابر)	
موارد و مصداق عدد ۴۰ در فرهنگ اسلامی ^۴	
اربعین در آفرینش انسان (اربعین در فرایند کمال و تکامل انسان شناختی)	پیکره آدم پس از آماده سازی ۴۰ روز ماند تا آماده دمیدن روح بگردد ^۵ هر انسان (۴۰ روز علقه و ۴۰ روز ..) ^۶ نطفه امام پس از ۴۰ روز در شکم مادر توانایی شنیدن می یابد ۴۰ سالگی سن رشد عقلانی ۴۰ سالگی و سخت گرفتن خدا بر بنده در حساب و کتاب ^۷ دل بستن شیطان به گناهکاران بالای ۴۰ سال ^۸
اربعین در عوالم وجود	در فاصله بین دمیدن اسرافیل در صور در استانه قیامت ^۹
اربعین در تاریخ نبوت	حضرت ادم پس از هبوط ۴۰ روز در کوه صفا به عبادت و توبه ۴۰ روز گریه آدم برای هابیل ^{۱۰} بعثت بیشتر انبیا در ۴۰ سالگی ^{۱۱} ۴۰ سال قطع تولد در قوم نوح پیش از طوفان ^{۱۲}

^۴ . در این زمینه نک: خصال شیخ صدوق عدد ۴۰ و سفینه البحار عدد چهل و جستجوی عدد چهل در نرم افزارهای اسلامی کامپیوتر نور مانند: گنجینه روایات نور، سیره معصومان

^۵ . در احادیث نقل شده است در جریان آفرینش حضرت آدم(ع)، سرشت طینت او به دست خداوند، به مدت چهل روز ادامه یافت [۱۲] یا پیکر شریف آن حضرت، چهل سال باقی ماند، سپس روح در آن دمیده شد («خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحاً»). عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسانی، ج ۴، ص ۹

^۶ . نطفه در رحم ۴۰ روز می ماند تا آنکه علقه می شود و بعد از ۴۰ روز مُضغه می شود و بعد از ۴۰ روز دیگر وارد مرحله دیگر می شود

^۷ . ابوبصیر گوید امام صادق(ع) فرمود: هر بنده تا ۴۰ سال در فسحه و گشایش است، چون سنش به ۴۰ رسید پروردگار به آن دو فرشته ای که نگهبانش هستند وحی کند: من بنده خود را عمری(طولانی) دادم بر او سخت گیرید اعمالش را به دقت ثبت کنید، کم و زیاد و کوچک و بزرگ عملش را بنویسید.

و از رسول گرامی اسلام نقل است که «خداوند فرشته ای را مامور کرده است تا در هر شب صدا بزند: «یا ابناء الاربعةین ماذا اعدتکم للقاء ربکم» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۶؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۵) ای کسانی که چهلمین بهار عمر خود را سپری می کنید! برای ملاقات با پروردگارتان چه چیزی آماده کرده اید [و چه پاسخی دارید]؟!»

^۸ . إذا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ لَمْ يَتُبَّ مَسْحَ الشَّيْطَانِ وَجْهَهُ بِيَدِهِ وَ قَالَ: يَا بَنِي وَجْهٍ مَنْ لَا يُفْلِحُ! [مشكاة الانوار، ص ۲۹۵]

«چنانچه شخصی به سن چهل برسد و بسوی خدا بازگشت ننماید، شیطان پیشانی او را مسح نماید و گوید: پدرم فدای تو باد که دیگر رستگار نخواهی شد!»

^۹ . از نفخه اول تا نفخه دوم اسرافیل ۴۰ سال طول می کشد.

^{۱۰} . هابیل کشته شد، پدر در غم پسر چهل شبانه روز گریست و این اولین عزاداری و اولین اربعین بود که تاریخ ثبت کرد.

^{۱۱} . بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۵۰

<p>۴۰ روز گریه یونس در شکم ماهی</p> <p>۴۰ روز گریه بنی اسرائیل برای ظهور حضرت موسی^{۱۳}</p> <p>سرگردانی ۴۰ ساله قوم موسی</p> <p>۴۰ روز گریه داوود ...^{۱۴}</p>	
<p>بعثت در ۴۰ سالگی^{۱۵}</p> <p>۴۰ روز عبادت در غار حرا در آستانه بعثت</p> <p>۴۰ روز عبادت برای ... حضرت زهرا</p> <p>۴۰ مهمان از بنی هاشم و دعوت آنها به اسلام و اعلان اولین مرتبه ولایت (یوم الانزار)</p> <p>پیامبر و علنی سازی اسلام پس از اسلام آوردن ۴۰ نفر</p> <p>پیامبر و ۴۰ صبح بعد نزول آیه تطهیر بر درب خانه اهل بیت</p>	<p>اربعین در تاریخ پیامبر اسلام</p>
<p>۴۰ شب عروج حضرت موسی به کوه طور^{۱۶}</p> <p>چهل سال سرگردانی بنی اسرائیل^{۱۷}</p> <p>۴۰ سالگی سن رشد جامع و عقلی آدمی^{۱۸}</p>	<p>اربعین در قرآن</p>
<p>امام علی و ۴۰ شب استنصار پس از سقیفه^{۱۹}</p>	<p>اربعین در</p>

^{۱۲} . در گزارش های اهل کتاب و اهل سنت از طوفان نوح، عذاب طوفان شامل حال همه حتی کودکان هم شد. ولی در گزارش اهل بیت از واقعه طوفان خداوند به مدت ۴۰ سال مردها را عقیم و زنان را نازا نمود تا در آستانه طوفان فردی زیر ۴۰ سال نباشد و حجت بر همگان تمام گردد. و کسی به ناحق عذاب ننگردد.

^{۱۳} . بنی اسرائیل بعد از اینکه ۲۳۰ سال گرفتاری کشیدند و قرار بود ۱۷۰ سال دیگر ادامه پیدا کند، ۴۰ روز گریه کردند تا خدا از آنها رفع گرفتاری کرد.

^{۱۴} . مولای متقیان علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود وحی کرد: «انك نعم العبد لولا انك تاكل من بيت المال ولا تعمل بيك شيئا» ؛ «ای داوود! اگر از بیت المال تغذیه نمی کردی و از دست رنج خودت امرار معاش می نمودی، چقدر بنده خوبی بودی!» حضرت داوود چهل صبح با ناله و زاری به درگاه احدیت استغاثه کرد و از خداوند خواست تا مشکل او را رفع نماید . خداوند متعال نیز مقدمات آهنگری را در اختیار او گذاشت . به این ترتیب، حضرت داوود، به کار زرمسازي پرداخت . او هر روز يك زره می ساخت و به هزار درهم می فروخت تا اینکه با ساختن سیصد و شصت زره که به مبلغ سیصد و شصت هزار درهم فروخت، سرمایه ای به دست آورد و از بیت المال بی نیاز شد . «(وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷)

^{۱۵} . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲ و : کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴ .

^{۱۶} . «واذ واعدنا موسی اربعین لیلۃ» ؛ (بقره/۵۱) «[به یاد آورید] آن هنگامی را که با موسی علیه السلام (برای یافتن پیامهای آسمانی) چهل شب وعده قرار گذاشتیم .»

نیز می فرماید: «وواعدنا موسی ثلاثین لیلۃ واتمناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلۃ» ؛ (اعراف/۱۴۱) «و ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب دیگر تکمیل نمودیم . به این ترتیب، میعاد پروردگارش با چهل شب تمام شد .»

^{۱۷} . «فانها محرمة علیهم اربعین سنة یتیهون فی الارض فلا تاس علی القوم الفاسقین» (مانده/۲۶) ؛ «این سرزمین مقدس تا چهل سال بر آنها ممنوع خواهد بود و آنان همواره در مدت چهل سال در این بیابان سرگردان هستند، پس تو درباره سرنوشت این جمعیت گناهکار ناراحت نباش!»

^{۱۸} . «... حتی اذا بلغ اشدّه وبلغ اربعین سنة قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک الّتی انعمت علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضیه واصلح لی فی ذریّتی انی تبت الیک وانی من المسلمین» ؛ (احقاف/۱۵) «تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد، می گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی، به جا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان! من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم و از مسلمانان می باشم .»

^{۱۹} . علی علیه السلام نیز با شکایت از مظلومیت و غربت خویش فرمود: «من بارها از مردم یاری خواستم اما به غیر از چهار نفر - زبیر، سلمان، ابوذر و مقداد - کسی جواب مثبت به من نداد.» سپس افزود: «لو کنت وجدت یوم بویع (اخرتیم) اربعین رجلا مطیعین لجاهدتکم؛ اگر من در روز بیعت چهل یاور گوش به فرمان و راستین داشتم، با آنان مقابله و مجاهده می کردم.»

المفید فی المجالس: ۱۴۵ - ۱۴۹: المجلس الثامن عشر: ۶، و جاءت فی نهج البلاغة فی آخر خطبة ۳۴

تاریخ امامت	امام حسن و نداشتن ۴۰ یار خالص هنگام صلح ^{۲۰}
اربعین در سلوک ایمانی مومن	دعا برای ۴۰ مومن در نماز شب ^{۲۱} ۴۰ روز زندگی خالصانه و ... ^{۲۲} اگر کسی ۴۰ حدیث کابردی حفظ کند... ^{۲۳} اگر کسی برای ۴۰ نفر از برادران ایمانی خود دعا کند آنگاه دعا کند دعایش در حق خود و آنها مستجاب می شود ^{۲۴}
در تغذیه و بدن	کسی که ۴۰ روز گوشت نخورد و یا ۴۰ روز پشت سر هم گوشت بخورد بد اخلاق می شود ^{۲۵} اگر کسی ۴۰ روز غذای حلال بخورد خداوند قلبش را نورانی می کند بازتاب خوردن انار در ۴۰ صبح جمعه در ثبات ایمان
اربعین در گناهان	۴۰ روز قبول نشدن نماز شارب خمر ^{۲۶} عبادت زن و شوهری که همدیگر را آزار می دهند تا چهل روز پذیرفته نیست اگر وضع مردم خوب باشد یک کسی بیش از چهل روز چیزی را انبار کند، محترک است ^{۲۷} ۴۰ روز بی تفاوتی مرد خانواده در برابر انحراف خانواده موجب بی غیرتی او و ... ^{۲۸}

^{۲۰} . زمانی که برخی از یاران امام حسن مجتبی علیه السلام از وی درخواست کردند که در مقابل ظلم و ستم زمامداران جور به ویژه معاویه قیام و مبارزه نماید، امام حسن علیه السلام فرمود: «لی اسوة بجدی رسول الله حین عبدالله سرا و هو یومئذ فی تسعة و ثلاثین رجلا فلما اکمل الله له الاربعین صاروا فی عدة و اظهروا امر الله فلو کان معی عدتهم جاهدت فی الله حق جهاده؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۷۷) الگوی من در رهبری امت، قدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آن حضرت تا زمانی که تعداد یارانش به سی و نه نفر رسیده بود، مخفیانه و غیر علنی خدا را عبادت می کرد [و به مبارزه و تبلیغ علنی روی نیاورد]؛ اما از موقعی که خداوند متعال تعداد مسلمانان را به چهل نفر رساند، [تبلیغ] دین خدا را آشکار کردند و اگر با من هم به تعداد آنها باشد، در راه خدا به جهاد و مبارزه شایسته دست می زنم.»^{۲۱} . آن حضرت تاکید می فرماید که اگر این گونه دعا کردن در نماز شب و بعد از آن باشد، تاثیر بیشتری خواهد داشت . (بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۸۹) . همچنین دعا کردن چهل مؤمن در قنوت نماز وتر در دل شبهای تار اجابت دعا را نزدیک تر و سریع تر می نماید (کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۴۶)

^{۲۲} . امام رضا علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود: «ما اخلص عبد الله عزوجل اربعین صباحا الا جرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه؛ (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۲۱) هیچ بنده ای چهل روز اعمال خود را خالصانه به درگاه حضرت حق انجام نمی دهد، مگر اینکه خداوند متعال چشمه سارهای حکمت را از قلب او به زبانش جاری می سازد.»^{۲۳} . «من حفظ من امتی اربعین حدیثا مما یحتاجون الیه من امر دینهم بعنه الله یوم القیامة فقیها عالما؛ (الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۱۵) هر کس از امت من چهل حدیث از احادیث دینی مورد نیاز جامعه را حفظ کند خداوند متعال او را در روز قیامت به عنوان فقیه و دانشمند محشور خواهد کرد.»

^{۲۴} . «من قدم اربعین من المؤمنین ثم دعا استجیب له؛ (الکافی، ج ۲، ص ۵۰۹، ح ۵) هر کس چهل نفر از مؤمنین را در دعا کردن بر خود مقدم بدارد، سپس حاجات خود را بطلبد، دعای او به اجابت خواهد رسید.»

^{۲۵} . مستدرک الوسائل : ج ۱۶، ص ۳۰۵
^{۲۶} . «لا تقبل صلاة شارب الخمر اربعین یوما الا ان یتوب؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۷) کسی که از شراب و مسکرات حرام استفاده کند تا چهل روز نمازش پذیرفته نمی شود، مگر اینکه حقیقتاً توبه کند.»

^{۲۷} . «الحکرة فی الخصب اربعون یوما و فی الشدة و البلاء ثلاثة ایام فمازاد علی الاربعین یوما فی الخصب فصاحبه ملعون و مازاد علی ثلاثة ایام فی العسرة فصاحبه ملعون؛ (الکافی، ج ۵، ص ۱۶۵) مدت احتکار جنسهای مورد نیاز مردم در روزگار فراوانی، چهل روز است و در روزهای سخت فقط سه روز . اگر بازرگانی در ایام فراوانی جنس، بیش از چهل روز و در هنگام دشواری بیش از سه روز انبار کند، لعنت خدا بر او باد.»

^{۲۸} . رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه مردی در محیط خانواده خود عمل ناپسند و زشتی را مشاهده کند و در مورد آن حساسیت و غیرت دینی از خود نشان ندهد و اعضاء خانواده اش را از ارتکاب گناه و معصیت باز ندارد و در صدد اصلاح برنیاید، خداوند متعال

اربعین در نظام اجتماعی	حدود همسایگی تا ۴۰ منزل ^{۲۹} حریم مسجد ۴۰ ذراع ارزش دعای ۴۰ نفر مومن با همدیگر خصوصاً در رفع شدائد ^{۳۰} شهادت ۴۰ مومن بر میت و رفع عذاب از او ^{۳۱} صبر مسلمان در جهاد، ارزشش از چهل سال عبادت بیشتر است نفع یک روز رهبر عادل از چهل روز بارندگی بیشتر است ^{۳۲} دانش آموزی برای دفاع از دین ارزشش بیشتر از ۴۰ سال عبادت
اربعین در عزاداری	اربعین ادم برای هابیل اربعین عالم برای رحلت مومن ^{۳۳}
اربعین های علمی/فرهنگی	چهل حدیث نویسی (شرح و تفسیر ۴۰ حدیث برگزیده) علمای بزرگ مانند کتاب: ۴۰ حدیث نوشته امام خمینی (ره)
اربعین مهدوی	پنهان شدن امام مهدی پس از تولد ۴۰ روز ^{۳۴} ۴۰ روز دعای عهد توان یاران حضرت ۴۰ برابر ^{۳۵} سن امام هنگام ظهور

در تکمیل جدول بالا این که در برخی برنامه های توسل و استغاثه به درگاه حق تعالی به کمک تلاوت برخی سوره های قران یا خواندن برخی ادعیه هم بر عدد ۴۰ تاکید شده است.^{۳۶} و یا در مسیر توسل و

پرنده ای سفید را مامور می کند که چهل صبح بر در خانه وی پرهایش را بگسترد و هنگام ورود و خروج آن مرد مسامحه کار، بگوید: اصلاح کن! اصلاح کن! غیرت داشته باش! غیرت داشته باش! اگر خانواده اش را اصلاح کرد که چه بهتر وگرنه آن پرنده سفید بالهایش را به چشمهای او می کشد و بعد از آن او وارونه می بیند؛ یعنی خوبیها را خوب نمی بیند و بدیها را بد نمی بیند. « (الجعفریات، شیخ صدوق، ص ۸۹)

^{۲۹} . «کل اربعین دارا جیران من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله؛ (وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۳۲) تا چهل خانه از چهار سوی منزل یک مسلمان، از رویه رو، پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ، همسایه یک مسلمان به شمار می آید. «
^{۳۰} . «اگر گروهی چهل نفره جمع شوند و خدای خویش را بخوانند، مطمئناً دعای آنان مستجاب خواهد شد و اگر چهل نفر نبودند گروه چهار نفره، ده بار خدا را بخوانند که همین اثر را دارد و اگر بیش از یک نفر نباشد و چهل بار خدا را صدا بزنند، خدای عزیز و جبار خواسته او را برآورده خواهد کرد. « الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷ .

^{۳۱} . اذا مات المؤمن فحضر جنازته اربعون رجلاً من المؤمنین وقالوا: اللهم انا لانعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا، قال الله تبارک وتعالی: قد اجزت شهادتکم وغفرت له ما علمت مما لا تعلمون؛ (۱) هرگاه یکی از اهل ایمان بمیرد و بر جنازه او چهل نفر از مؤمنین حضور یابند و گواهی دهند که پروردگارا! ما به جز خوبی و نیکی از این شخص ندیده ایم و تو از ما داناتر هستی، خداوند متعال می فرماید: من نیز شهادت شما را پذیرفتم و آنچه [از بدیها و گناهان] از او می دانستم که شما بی اطلاع بودید، همه را بخشیدم .
من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۴۷۲؛ مستدرک سفینة البحار، ج ۴، ص ۶۴ . و: مکارم الاخلاق، ص ۴۶۵
^{۳۲} . تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۴۶

^{۳۳} . المناقب لابن شهر آشوب أحادیث علی بن الجعد عن شعبة عن قتادة و مجاهد عن ابن عباس قال قال رسول الله ص إن السماء والأرض لتنبی علی المؤمن إذا مات أربعین صباحاً (سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۰۴ - ۵۰۵).

^{۳۴} . امام حسن عسکری (ع) حضرت مهدی (ع) را به روح القدس سپرد و امر فرمود بعد از ۴۰ روز او را برگرداند.
^{۳۵} . «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة وجعل قلوبهم کزبر الحديد وجعل قوة الرجل منهم قوة اربعین رجلاً؛ (الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۱۴) هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند متعال از شیعیان ما آفت، بلا و سستی را دور خواهد کرد و دلهای آنان را همانند پاره های آهن قوی و محکم می نماید و نیروی هر یک از آنان را معادل نیروی چهل مرد قرار خواهد داد. «
^{۳۶} . مواردی مانند: چهل بار خواندن سوره حشر و برآورده شدن حاجت:

تقرب جوئی به امام غائب شیعه، برنامه حضور ۴۰ شب چهارشنبه در مسجد سهله (و به تبع آن در مسجد جمکران) از سیره علمای بزرگ و صلحا و عرفا بوده است.^{۳۷} و جمع بسیاری با این سلوک به برکات فراوانی رسیده اند. و یا عدد ۴۰ که در انقلاب اسلامی هم نقش های بسزایی را داشته است.^{۳۸}

از مجموعه این موارد که مستند به احادیث و یا گزارش های معتبر است معلوم می گردد که کارکرد عدد چهل در شکوفا سازی و یا نهادینه سازی یک اثر و صفت است. و در حقیقت بر بستر سلوک در عدد چهل است که یک پدیده به کمال خود و بلکه به بالاترین مرتبه وجودی و یا اثر گذاری خود می رسد. پس عدد چهل عدد کمال و بلوغ و شکوفایی و فعلیت یک پدیده است. چه این پدیده در امور معنوی باشد و چه در عالم تکوین.

نقش عدد ۴۰ در اربعین حسینی:

ارزش عدد چهل در به کمال رساندن ارزش ها یا تطهیر از ضد ارزش ها، باعث شده که در فرهنگ حسینی هم، مورد توجه قرار گرفته و بهره گیری از آن هم در لایه ها و سطوح مختلف باشد. بدین معنا که در جدول پیشین مشاهده شد دامنه قابلیت های عدد ۴۰ هم در عوالم ملکوتی و تکوینی بود و هم در عالم انسانی. از این رو عدد ۴۰ در فرهنگ حسینی در همه سطوح اثر گذاری خود را نشان می دهد. و برای تاکید بر اهمیت این بهره گیری از کارکرد عدد ۴۰ است که از جهت مرتبه و رتبه اولین پیشگام در

از امام ششم علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر کس سوره «حشر» را جهت قضاء حوائج و مهمات عظیمه چهل روز و روزی يك بار بخواند حاجت او بر آورده شود و اگر يك روز فوت شود باید از سر گیرد. و نوشته اند هر کس چهل روز مداومت کند مستجاب الدعوه گردد و حاجت ش برآورده میشود و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی! هر شب سوره «حشر» را بخوان تا شر دنیا و آخرت از تو دفع گردد.»

وسعت رزق در ظرف مدت چهل روز با سوره مزمل:

هر کس سوره «مزمل» را تا چهل روز و هر روز يك بار بخواند وسعت رزق برایش پیدا می شود.

چهل مرتبه خواندن سوره شمس

هر که تا چهل شب و هر شبی چهل مرتبه سوره «شمس» را بخواند و به آیه شریفه «لَا حِزْبَ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى» که رسید سه مرتبه تکرار کند جهت فتح و پیروزی مفید است.

خواندن چهل مرتبه سوره حمد جهت بهبود درد شدید:

هر که درد شدیدی دارد بر ظرف آبی چهل مرتبه «سوره حمد» را بخواند، سپس آن آب را بر خود بریزد و بعد از آن، در نزد خود زنبیلی که در آن گندم باشد بگذارد و با دست خود از آن گندم از سائل و فقیر بخواهد که برای او دعا کند تا شفا یابد.

^{۳۷} در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه مدرکی از ناحیه اهل بیت علیه السلام به دست ما نرسیده است جز این که سید بن طاووس فرمود: اگر خواستی به مسجد سهله بروی آن را در میان مغرب و عشاء شب چهارشنبه قرار بده که این وقت از دیگر وقت ها برتر است. (مصباح الزائر، ص ۱۰۵) محدث نوری در این مورد می گوید: اما مستند چهل شب همان عمومات است. (النجم الثاقب، ص ۸۴۵) مقصود ایشان از عمومات روایاتی است که بر عدد چهل و عمل چله گیری آثار مترتب کرده است. (موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی

اصغر رضوانی)

^{۳۸} - اربعین های انقلاب:

۱۹ / ۱۰ / ۵۶ قم

۲۹ / ۱۱ / ۵۶ تبریز

۱۰ / ۱ / ۵۷ یزد

دیگر شهرها

بهره گیری از عدد نمادین ۴۰ برای انتقال مظلومیت حسینی، عالم ملکوت و ساحت های ماورائی جهان طبیعت هستند. بدینگونه که:

ابن قولویه با سند خود از عبدالله بن هلال نقل می کند:

« امام صادق علیه السلام می فرمود: آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا گریست و بر کسی جز آن دو گریه نکرده است. گفتم: گریه ی آسمان چگونه است؟ فرمود: چهل روز خورشید هنگام طلوع و غروب، گویا سرخ بود و گداخته، همچون پاره ی آتش. گفتم: آیا گریه ی آسمان همین است؟ فرمود: آری»^{۳۹}

این تحول ملکوتی در طبیعت که به نشان غضب بود، چنان گسترده است که از کربلا تا شام و بیت المقدس^{۴۰} (و بلکه در برخی روایات سراسر جهان را) شامل شده است.

و البته این حزن اگر چه ناشی از حزن درونی و ملکوتی طبیعت است ولی دارای کارکردهای انسانی گوناگونی هم است که این بازتاب ها ناظر به نوع گرایش و کنش افرادی تواند متفاوت باشد. بدینگونه که:

- در جبهه باطل؛ کارکرد این خشم (که یک تا سه روز و در نهایت تا چهل روز است)، پس از واقعه عاشورا ایجاد ترس و وحشت نمود و برنامه های آنان را که نیم قرن برای آن نقشه کشیده بودند را بر هم زد.^{۴۱}

^{۳۹} . کامل الزیارات، ص ۱۸۱

^{۴۰} . به قرینه روایاتی که حتی در منابع اهل سنت است که در روز قتل حسین در شام و یا در بیت المقدس از زیر سنگ ها خون می جوشید: ابن عساکر با سندش از عمر بن علی نقل می کند:

قال أرسل عبد الملك إلى ابن رأس الجالوت فقال: هل كان في قتل الحسين علامة؟ قال ابن رأس الجالوت: ما كشف يومئذ حجر إلا وجد تحته دم عبيط؛ عبد الملك مروان از ابن رأس الجالوت پرسید. آیا در قتل حسین نشانه ای بود؟ گفت: در آن روز هیچ سنگی برداشته نشد، مگر اینکه زیرش خون تازه یافت می شد. (بن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۱۶)

و: عن ابن شهاب قال: ما رفع بالثمام حجر يوم قتل الحسين بن علي إلا عن دم؛ ابن شهاب می گوید: روز شهادت حسین بن علی (علیه السلام)، هیچ سنگی در شام برداشته نشد، مگر از خون. (طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۳؛ هبثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۶)

و: عن الزهري قال: لما قتل الحسين بن علي (رضي الله عنه) لم يرفع حجر ببیت المقدس إلا وجد تحته دم عبيط، زهري می گوید: زمانی که حسین (علیه السلام) شهید شد، هیچ سنگی در بیت المقدس برداشته نشد، مگر اینکه زیر آن خون تازه یافت می شد. (طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ مزی، یوسف، تهذيب الكمال، ج ۶، ص ۴۳۴؛ مقریزی، تقی الدین، امتاع الاسماع، ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ هبثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۶؛ ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۱۴؛ عسقلانی، ابن حجر، تهذيب الكمال، ج ۲، ص ۳۰۵؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوه، ج ۶، ص ۴۷۱)

^{۴۱} . صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

إن آل أمية عليهم لعنة الله ومن أعانهم على قتل الحسين من أهل الشام، نذروا نذرا إن قتل الحسين عليه السلام وسلم من خرج إلى الحسين عليه السلام وصارت الخلافة في آل أبي سفيان، أن يتخذوا ذلك اليوم عيدا لهم، وأن يصوموا فيه شكرا. (شيخ طوسی امالی، ص ۶۷۷)

بنی امیه لعنة الله عليهم و آن افرادی از اهل شام که آنان را در کشتن حسین اعانت نمودند، نذر کردند اگر حسین کشته شود و مقام خلافت، نصیب آل ابو سفیان شود روز عاشورا را برای خود عید قرار دهند و آن روز را برای به شکرانه قتل حسین، روزه بگیرند.

مقریزی در «الخطط» و ابوریحان بیرونی در «الانوار الباقیه»، تصریح نموده اند که بنی امیه در این روز لباس جدید می پوشیدند و خود را آراسته و سرمه به چشم می کشیدند و به یکدیگر تبریک می گفتند... (الخطط، ج ۲، ص ۳۸۵؛ الکنی والالقباب، ج ۱، ص ۴۳۱؛ الحضارة الإسلامية، ج ۱، ص ۱۳۷؛ دائرة المعارف بستانی)

- در افراد غافل و بی تفاوت؛ کارکردش ایجاد وحشت و فراهم کردن زمینه های پرسش گری و بازگشت احتمالی به حق است.

- در جبهه حق^{۴۲}؛ کارکرد این حزن مقدس بستری برای پیام رسانی در شرایطی است که آنان در نهایت استضعاف و غربت هستند.

پس نقطه شروع اربعین حسینی از حزن طبیعت (ناشی از جنایت عاشورا) آغاز می گردد که آن هم ریشه در حکمت غیبی خداوند دارد. و این حزن ملکوتی همراه و همگام است با جریان اسارت اهلبیت امام حسین (ع) تا زمانه غربت و استضعاف فراگیر آنان، که تنها یاری رسان و مدد آنان در مسیر پیام رسانی باشد. بدین جهت نقطه پایان این حزن مقدس زمانی است که کاروان اسارت در اربعین به کربلا می رسند. و در اینجا حزن به ظاهر به پایان رسیده و بار تحمل این حزن عظیم از ان پس از مسیر زیارت جابر به شیعیان تفویض می گردد.^{۴۳}

و در تحلیلی دیگر چون اربعین (به قول مشهور) زمان بازگرداندن سر مطهر امام حسین (ع) و شهدا به کربلا و الحاق به پیکرهای مطهر است، پس دلیلی دیگر برای پایان این حزن طبیعت از نگاه عرفانی شاید الحاق سرها به پیکرها باشد.

و این اولین ظرفیت عدد چهل در فرهنگ حسینی است که بتدریج دامنه ای از ظرفیت های دیگر برای آن ایجاد می گردد تا عاشورا با کمک عدد چهل برای کمال رسانی و رسیدن به نهایت پویایی خود، دست به دامان اربعین می گردد.

جدول اربعین های حسینی در یک نگاه جامع و فراگیر به شرح زیر است:

اربعین های حسینی	ملکوتی: ^{۴۴} آسمان چهل روز خون بارید و زمین چهل روز سیاهپوش گردید و خورشید چهل روز روی در پوشید و خونرنج شد و فرشتگان چهل روز بر حسین گریستند
------------------	---

^{۴۲} . جبهه حقی که در آن تاریخ منحصر در کاروان اسارت است.

^{۴۳} . همانگونه که در قرآن (احزاب ۷۲) تاکید دارد که تحمل برخی مقام ها مشترک بین انسان و طبیعت است.

^{۴۴} . «یا زراره! ان السماء بکت علی الحسین علیه السلام اربعین صباحا بالدم وان الارض بکت اربعین صباحا بالسواد و ان الشمس بکت اربعین صباحا بالكسوف والحرمة ... وان الملائكة بکت اربعین صباحا علی الحسین علیه السلام؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۴) ای زراره! آسمان چهل روز بر حسین علیه السلام خون گریه کرد و زمین چهل روز برای عزای آن حضرت گریست به تیره و تار شدن و خورشید با کسوف و سرخی خود چهل روز گریست ... و ملائکه الهی برای آن حضرت چهل روز گریستند.»

<p><u>تاریخی:</u></p> <p>زیارت جابر و عطیه</p> <p>بازگشت کاروان اسارت^{۴۵}</p> <p>الحاق سرهای مبارک به پیکرهای پاک^{۴۶}</p> <p><u>فرهنگی:</u></p> <p>توصیه امام صادق به خواندن زیارت اربعین به صفوان جمال^{۴۷}</p> <p>توصیه امام عسکری به رفتن برای زیارت اربعین^{۴۸}</p>	<p><u>و اربعین حسینی، یعنی حماسه عظیم اربعین:</u></p> <p>این یعنی شیعه چونان کاروان اسارت، از عاشورا تا اربعین در سوگ باشد. و آنگاه که سوگ و حزنش فردی و یا گروهی و منطقه ای نهادینه گردید، در استانه اربعین تبدیل به یک اراده (پیاده روی) بزرگ و فریاد عظیم همه سوگواران در کانون حماسه و ایثار تجمع بگردد. تا بتواند با عظیم ترین حزن جمعی رشد یافته، جهانیان را از حزن خود متاثر سازد.</p> <p>و با حضور انبوه سوگواران در کنار مزار سیدالشهدا، در امتداد اصحاب الحسین و در ارزوی اصحاب المهدی، جامعه شیعه را به بالاترین همگرایی و همنوایی برای جهانی سازی عاشورا آماده کند تا در نهایت از معبر اربعین، بستر ساز عاشورای ظهور گردد.</p>
---	--

^{۴۵} . درباره اصل آمدن کاروان اسارت به کربلا و زمان آن از قرن هفتم بدینسو برخی از بزرگان خدشه هایی وارد کرده اند. ولی در این زمینه باید دانست که به ورود کاروان اهلبیت به کربلا در اربعین اول در منابع متقدم شیعی اشارات و یا تأکیدی وجود دارد. ضمن اینکه مشهور درباره سر مطهر شهدا الحاق آنها به پیکرها است که جز در این سفر نمی توانسته محقق شود. و مشکل کمبود زمان برای مجموعه سفر اهلبیت به شام و سپس به کربلا، یک جواب اصلی دارد و آن شدت خشونت و قساوت قافله داران اسارت مانند جانین کربلا است که اسیران را به سرعت در این مسیرهای طولانی سیر داده اند و موجب آزار و اذیت شدید قرار داده اند. ضمن اینکه درباره یکی از همسران امام حسین (رباب مادر علی اصغر و سکینه) نقل شده است که پس از بازگشت به کربلا تا یکسال در آنجا مقیم شد (ابن کثیر، الکامل، ج ۴، ص ۸۸). و ... (برای مطالعه بیشتر در این زمینه نگاه کنید کتاب: تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء (ع)، سید محمد علی قاضی طباطبائی، و: کتاب «ثار الله» عندلیب همدانی)

^{۴۶} . «بر این که سرهای مطهر به کربلا آورده شدند، تصریح وجود دارد و این تصریح در کتابهای شیعه و سنی از جمله: شیخ صدوق در الامالی ص ۲۳۲ و سید مرتضی در الرسائل ج ۳ ص ۱۳۰ و در روضة الواعظین قتال نیشابوری، ص ۱۶۵، و در مثير الاحزان ابن نما حلی، ص ۵۸، و در لهوف سید بن طاوس، ص ۱۱۲ و در اعلام الوری طبرسی، ص ۱۵۱ و در مقتل العوالم، ص ۱۵۴ و در مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۰ و در عجایب المخلوقات قزوینی، ص ۶۷ و در الاتحاف بحب الاشراف شیرازی، ص ۱۲ و ۲۳ و در تذکرة الخواص سبط ابن الجوزی، ص ۱۵۰ و در الکواکب الدریة شیخ مناوی، ج ۱، ص ۵۷ و قرطبی نیز این مطلب را ترجیح داده است، ۱۲ و همچنین در نورالابصار نوشته شبلیجی، ص ۱۱۵ چاپ مصر و نیز اسعاف الراغبین علامه شیخ محمد صبان از علمای اهل سنت در حاشیه نورالابصار، ص ۱۶۰. و ضمن اینکه اولین کتاب از کتب معتبر و قدیمی که در دسترس است، کتاب «الآثار الباقیة عن القرون الخالیة»، نوشته ابوریحان بیرونی است و در آن تصریح شده که سر مطهر، در بیستم صفر در کربلا، به جسد اطیب ملحق شده است و عبارت او چنین است: «در بیستم صفر سر امام حسین (ع) به جثه اش برگردانده شده و با آن دفن گردیده است و در این روز زیارت اربعین وارد شده. کسانی که سر ایشان را برگرداندند حرم آن حضرت بودند که بعد از انصراف از شام به کربلا وارد شدند.» آثار الباقیة عن القرون الخالیة، ص ۳۹۲

^{۴۷} . تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳

^{۴۸} . امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «علامات المؤمنین خمس: صلاة الاحدی والخمسین وزيارة الاربعین والتختم فی الیمین وتعفیر الجبین والجهر ببسم الله الرحمن الرحیم» (مصباح المتهدد، ص ۷۸۷) نشانه های مؤمنان (شیعیان) پنج چیز است: خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در هر روز (۱۷ رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله)، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، داشتن انگشتر در دست راست، و ساییدن پیشانی به خاک، و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نمازها .»

چرایی و چیستی اربعین حسینی:

در زمینه چرایی و چیستی اربعین حسینی شناسی، باید به سه رویداد تاریخی توجه کرد و انگاه بر اساس آن ها به کشف و فهم حقیقت اربعین پرداخت.

زیارت اربعینیه جابر:

اولین رویدادی که تاریخ ساز اربعین حسینی است زیارت تاریخی جابر بن عبدالله انصاری^{۴۹} در روز اربعین است.

جابر از صحابه پیامبر بود که در سال ۶۱ هجری که حادثه عاشورا رخ داد، ۷۶ ساله و نابینا و ساکن مدینه بود. او رویداد عاشورا را ابتدا از خبر غیبی ام سلمه مطلع شد. ام سلمه هم از طریق خاکی که پیامبر به او از قتلگاه سیدالشهدا داده بود و در روز عاشورا خون گردیده بود از عاشورا خبر دار شد و آن را به اطلاع خواص رسانید. کمی بعد خبر حادثه عاشورا با آمدن پیک ابن زیاد نزد والی مدینه، در شهر منتشر شد. که این ایام مصادف است با اوایل ماه صفر که جابر عازم عراق و به قصد زیارت امام حسین به سوی کربلا می رود.^{۵۰}

عطیه نامی، همواره در کنار نام جابر بن عبدالله انصاری مطرح است که هر دو پس از شهادت امام حسین علیه السلام در اربعین همان سال ۶۱ هجری قمری به زیارت قبر سیدالشهدا آمدند و چون جابر نابینا شده بود، عطیه او را در این زیارت همراهی می کرد. البته درباره زمان و مکان ملحق شدن عطیه کوفی^{۵۱} به جابر تاریخ ساکت است. ولی از مسلمات است که او در کربلا حاضر بوده است. پس او یا از مدینه با جابر همراه

^{۴۹} . جابر پانزده سال پیش از هجرت، در مدینه به دنیا آمد. او و پدرش «عبدالله» از پیشتازان اسلام بودند؛ پدرش در جنگ اُحد به شهادت رسید. جابر از یاران با وفای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود که در ۱۹ غزوه شرکت کرد. وی از صحابه شیعی پیامبر بود و همواره از مدافعان اهل بیت علیهم السلام به شمار می آمد. جابر، راوی احادیث متعددی از پیامبر است که از جمله آنها احادیثی در مورد امامت و فضیلت اهلبیت است و مانند حدیث لوح - که در بردارنده نام امامان شیعه از زبان پیامبر (ص) است - او همچنین در سلسله راویان احادیث مشهور شیعی مانند حدیث غدیر، حدیث ثقلین و حدیث شهر علم قرار دارد.

جابر را از اصحاب پنج امام (از امام علی (ع) تا امام باقر (ع)) دانسته‌اند. او در زمان حکومت امام علی (ع) از آن حضرت حمایت کرد و پس از واقعه عاشورا، نخستین زائر امام حسین (ع) بود که در روز اربعین به کربلا رسید و آن امام را زیارت کرد. همچنین بنا بر روایات، او سلام پیامبر (ص) را به امام باقر (ع) رساند. جابر سرانجام در سال ۷۸ (۷۴ یا ۷۹) هجری از دنیا می رود و پیکرش در «قبرستان بقیع» دفن می شود (به عنوان نمونه رک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل جابر)

^{۵۰} . سفر امام حسین از مکه به کربلا ۲۲ روز طول کشید. این در حالی بود که مسافت مدینه تا کوفه و کربلا کمتر است و بین ۱۲ تا ۱۵ روز بیشتر طول نمی کشد.

^{۵۱} . عطیه بن سعد جناده عوفی کوفی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. عطیه از راویان فضایل امام علی علیه السلام و از مفسران قرآن به شمار می رود. کنیه اش «ابوالحسن» بود و بین سال‌های ۳۶ تا ۴۰ هجری، در کوفه به دنیا آمد. او از اصحاب حضرت علی علیه السلام و امامان بعد از او تا امام محمدباقر علیه السلام به شمار می آید (علی اصغر بابانیا، عطیه عوفی الگوی مقاومت، فرهنگ کوثر، خرداد ۱۳۷۸، شماره ۲۷)

بوده و یا از کوفه به او ملحق شده است. اگرچه حضور جابر در این سفر در کوفه به علت اختناق شدید ابن زیاد بعید است. به ویژه که پس از زیارت اربعین هم جابر مستقیماً به مدینه باز می‌گردد.

پس زیارت اربعینیه جابر سفری است که در حدود ۳۰ تا ۴۰ روز طول می‌کشد (رفت و برگشت) و تنها مقصدش کربلا است. و به احتمال زیاد او پس از استقبال از اهل بیت در کربلا (و پس از سه روز اقامه ماتم در کربلا)، همراه آنان به مدینه باز می‌گردد.

برای فهم ارزش این مجاهدت عظیم جابر در آن شرایط خوفناک و با تحمل دشواری‌های فراوان باید این رفتار جابر را با رفتار سلمان فارسی برجسته‌ترین صحابه شیعی پیامبر در دوران پسا سقیفه مقایسه کرد:

«سلمان فارسی می‌گوید: ده روز پس از رحلت رسول خدا(ص) از منزل خود خارج و با حضرت علی(ع) مواجه شدم، حضرت به من گفت: ای سلمان! تو بعد از پیامبر خدا بر ما جفا کردی. گفتم: حبیب من ای ابو الحسن! درباره شما جفا نشده است، بلکه حزن و اندوه شدید من در رحلت رسول خدا(ص) مانع زیارت شما شد. حضرت علی به من گفت: ای سلمان! بیا به منزل فاطمه دختر رسول خدا برویم؛ زیرا او به تو لطف دارد و مشتاق دیدار تو است سلمان می‌گوید: من به سوی خانه فاطمه حرکت کردم، پس از ورودم به خانه دیدم که فاطمه نشسته و یک قطعه عبا در بر دارد وقتی چشم وی به من افتاد ... گفت: ای سلمان! تو بعد از رحلت پدرم به ما جفا کردی؟ گفتم: ای دختر رسول خدا! آیا امکان دارد که من بتوانم به شما جفا کنم؟ فاطمه(س) فرمود: پس بنشین و در باره آنچه که به تو می‌گویم خوب بیندیش ...»^{۵۲}

سلمان کسی است که پس از رحلت پیامبر بیشترین دفاع‌ها را از امام علی کرد ولی با این حال وقتی از شدت غم چند روزی خانه نشین می‌گردد مورد سرزنش امام زمانش قرار می‌گیرد که چرا در اوج هجوم‌ها و بحران‌ها و مصیبت‌ها، همراهی پیوسته با ولی زمانش نداشته است. و سلمان در مقام جبران این کوتاهی و بر طرف کردن سنگینی مصائب از اهل بیت به سرعت به منزل دختر پیامبر می‌رود. و بنا بر آنچه در تاریخ ثبت شده رفت و آمدهای مکررش به منزل اهل بیت تا وقتی که حضرت زهرا زنده است تنها مایه دلگرمی برای اهل بیت می‌گردد.

^{۵۲} . مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۶ - ۷؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، محقق و مصحح: علوان، نبیل رضا، ص ۲۹۷ - ۲۹۸، انتشارات انصاریان، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۶ - ۶۷، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

پس سفر اربعینیه جابر هم مانند حضور و انس سلمان فارسی با اهل بیت در آن فضای مهجور و غربت اهل بیت و مظلومیت شدید آنان، تنها مایه دلگرمی بوده و نشانی برای ابراز همراهی و یآوری برای کاروان اسارت پس از پایان ماموریت سخت آنان است.

البته زیارت اربعینیه جابر و یآوری سلمان برای اهل بیت در شرایط سخت و بحرانی صدر اسلام را می توان زیر مجموعه یک ماموریت و مسئولیت پذیری خاص دید با عنوان:

«پیشگویی های پیامبر برای صحابه شیعی و ماموریت دهی به آنان در شرایط سخت و دشوار آینده»^{۵۳}

برای درک عظمت زیارت جابر می بایست به اجمال به وضعیت شناسی صحابه در بستر عاشورا تا اربعین پرداخت. چرا که صحابه^{۵۴} در زمان عاشورا اگرچه اندک بودند ولی در مواجهه با قیام امام حسین و عاشورا دارای سه وضعیت بودند:



^{۵۳} . در میان سخنان معصومانه پیامبر، برخی از خبرها به پیشگویی رویدادهای آینده و عمدتاً با رویکر آسیب شناسی و هشدار دهی بود. و بر اساس این پیشگویی ها بعضاً پیامبر برخی از صحابه را برای برخی از صحنه های تاریخی خاص ماموریت می داد. مانند نقشی که آن حضرت برای عمار یاسر در جنگ صفین تعریف فرموده بودند..

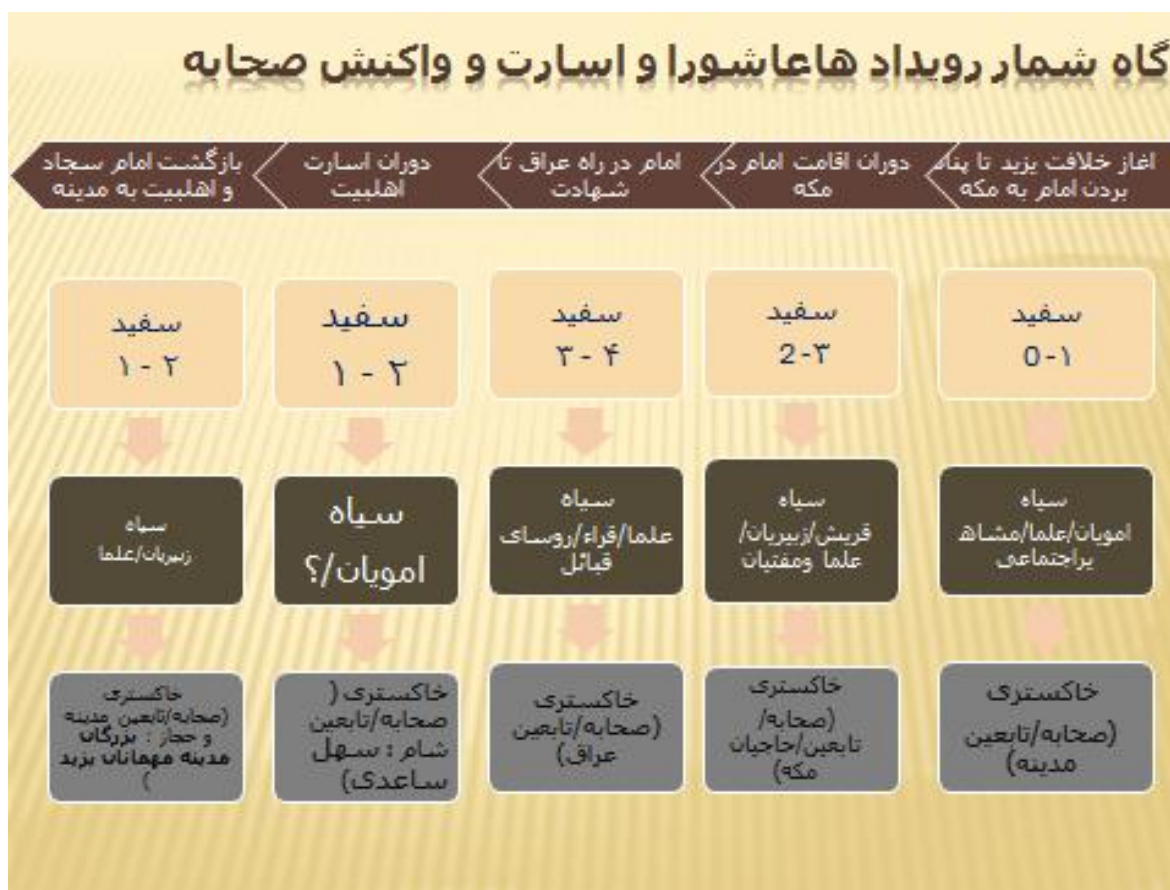
^{۵۴} . «الصحابه» کلمه ای عربی و جمع «الصاحب» از ماده «ص - ح - ب» است و این ماده در معنای همنشینی، رفاقت، دوستی و یاری به کار می رود. الصاحب به معنای یار، همنشین و دوست است. و در معنای اصطلاحی: صحابی کسی است که با پیامبر اسلام(ص) ملاقات کرده و هنگامی که از دنیا رفته، همچنان بدو ایمان داشته و مسلمان بوده است منظور از ملاقات، اعم از دیدار، همنشینی، همراهی، و رسیدن یکی به دیگری است، هر چند با هم سخن نگفته باشند و مثلاً به واسطه نابینایی، پیامبر(ص) را ندیده باشد (هدایت پناه، دانش صحابه نگاری، ص ۵).

صحابه سفید: جابر بن عبدالله انصاری

صحابه سیاه: نعمان بن بشیر انصاری

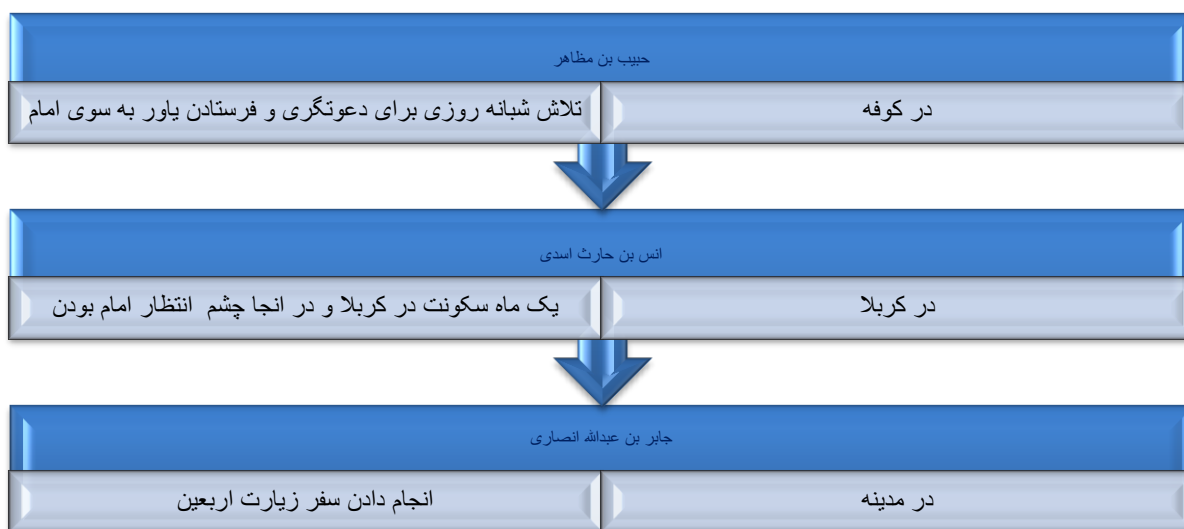
صحابه خاکستری^{۵۵}: سهل بن سعد انصاری ، ابوسعید خدری

و این دسته بندی ناشی از نوع واکنش ها و مواضع سیاسی/اجتماعی آنان در مواجهه با حق و باطل است. و جالب است بدانیم که در فرایند قیام تاریخی امام حسین که نیم قرن از رحلت پیامبر گذشته است و جهان اسلام شاهد حیات نسل های دوم و سوم اسلامی است، هنوز جمع اندکی از صحابه پیامبر (آخرین نسل و بازماندگان از آنها) در جامعه وجود دارند که در فرایند قیام بتدریج چهره باطنی خود را در قالب یکی از این سه وضعیت نشان دادند. بدینگونه که:



^{۵۵} . کسانی که جبهه باطل را یاری نکردند ولی با سکوتشان هم باعث تضعیف جبهه حق شدند.

و صحابه سفیدی که در فرایند حادثه عاشورا خوش درخشیدند، و نوع یآوری آنان نسبت به اهل بیت عبارت است از:^{۵۶}



و در این میان ماموریت جابر، از گونه ماموریت های پیشگویانه پیامبر بود که باید در شرایط سخت انجام می شد. درست مانند ماموریت های پیشگویانه پیامبر برای دیگر صحابه مانند:

مسئولیت	صحابی	دوره تاریخی
نیرو سازی غیرمستقیم برای آینده خلافت امیرالمومنین	سلمان / حذیفه و ...	سقیفه و ۲۵ سال خلافت
\\نشانه حقانیت امام بودن در برابر صحابه فتنه گر در جنگ	عمار	خلافت امیرالمومنین

^{۵۶} . انس بن حارث اسدی :

او از صحابیان کهنسال بود که از پیامبر (ص) و آنگاه از امیر المؤمنین (ع) شنیده بود (که به زودی روزی خواهد رسید که فرزندان حسین(ع) قیام خواهد نمود و در عراق به شهادت خواهد رسید) او همچنین در رکاب امیر المؤمنین(ع) به هنگام نبرد صفین که لشکر کوفه از مسیر کربلا گذشت و حضرت در کربلا به حزن و ماتم نشست را دیده بود . سالها گذشت تا سرانجام در سال ۶۰ ه ق امام حسین(ع) در آغازین مرحله قیام از مدینه به مکه پناه برد او دانست این همان قیام موعود است . پس قصد یاری امام را نمود ولی چون در کوفه بود با سنی بالا که نه حوصله و توان فعالیتی همانند حبیب بن مظاهر را داشت و نه امیدی به کوفیان داشت و نه مثل بریر بن خضیر و یا قیس بن مسهر توان ۱۰۰۰ کیلو متر سفر از کوفه به مکه را داشت از آن سو هم میترسید اگر در کوفه بماند شاید به هنگام خطرناک شدن اوضاع کوفه زمین گیر شود پس با کمی اندیشه به راه حل جالبی رسید ، بار سفر را بست و راهی کربلا شد و در بیابان خشک کربلا به انتظار امام حسین بن علی (ع) نشست . حکایت انتظار یکی از یاران امام در کربلا پیش از ورود امام به کربلا را تنها در دو منبع معتبر اهل سنت به نام طبقات ابن سعد و تاریخ ابن عساکر آمده است که راوی آن پدر و پسری چوپان از عشایر بنی اسد در اطراف سرزمین کربلا هستند ، بدینگونه که آنها می بینند مدتی قبل از ورود امام به کربلا پیرمردی ساکن کربلا شده و چون با کنجکاوای از علت سکونتش در بخش بیابانی منطقه می پرسند : می گوید در آنجا به انتظار حسین نشست است که به فرموده پیامبر(ص) در اینجا شهید خواهد شد . طبقات ابن سعد ترجمه سیدالشهدا و تاریخ ابن عساکر ۲۱۱/۱۴

و از آنجا که تعداد شهدای کربلا محدود و مشخص است و در روایات بالا تصریح شده که آن مرد : پیرمرد + صحابی و از بنی اسد بوده است ، این خصوصیات در میان شهدای کربلا تنها با انس بن حارث اسدی مطابقت دارد . چون طبق منابع شیعی او در کنار حبیب بن مظاهر ، از معدود صحابیان شهید آن هم از بنی اسد و بلکه کهنسال ترین شهید کربلا است . هم چنین طبق گزارش کتاب اسد الغابه از متون اهل سنت و برخی متون شیعی او راوی حدیث نبوی پیشگویی شهادت سید الشهداء در عراق هم است (و هم چنین از راویان حدیث غدیر در کوفه) اسد الغابه ۱/۲۲۳ و الاصابه ۱/۲۷۰

صفین		
عاشورا	انس بن حارث اسدی	احیاگر پیام پیامبر برای عاشورا و انجام دادن آن
پس از عاشورا	جابر بن عبدالله انصاری	پایه گذاری فرهنگ زیارت

بر اساس این مأموریت های تاریخی جابر در مقام آخرین صحابه علوی و شیعی پیامبر پس از مشاهد خبرهای غیبی پیامبر درباره عاشورا، به انجام مأموریت تاریخی اش درباره سفر به کربلا می پردازد و این سفر را به گونه ای برنامه ریزی می کند که دقیقا روز اربعین به کربلا ختم شود:



و چون به کربلا می رسد بقرار یار است و طبق آدابی که آموخته، خود را آماده زیارت امام شهید می نماید. عطیه از چگونگی زیارت کردن جابر چنین گزارش می دهد:

« با جابر بن عبدالله به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) حرکت کردیم، چون به کربلا رسیدیم جابر به سوی فرات رفت و غسل کرد، سپس پارچه ای به کمر بست و پارچه ای به دوش انداخت و عطر زد، سپس ذکرگویان به سوی قبر امام (علیه السلام) رفت. وقتی نزدیک قبر شد، گفت: دستم را بگیر و روی قبر بگذار. من دستش را روی قبر گذاشتم. جابر خود را به روی قبر انداخت و آن قدر گریه کرد که بی هوش

شد. بر او آب پاشیدم تا به هوش آمد. آن گاه سه بار گفت: ای حسین! سپس گفت: دوست پاسخ دوستش را نمی دهد. بعد ادامه داد: تو چگونه جواب دهی در حالی که رگ های گردنت را بریدند و بین سر و بدنت جدایی انداختند. گواهی می دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و پسر سرور مؤمنان و هم پیمان تقوا و از نسل هدایت و پنجمین نفر از اصحاب کسایی؛ فرزند سرور نقیبان و پسر فاطمه (علیها السلام) سرور زنانی و چرا چنین نباشی که سالار پیامبران با دست خویش غذایت داده و در دامان متقین تربیت شده ای و از سینه ایمان، شیر خورده ای و از دامان اسلام برآمده ای. خوشا به حالت در حیات و ممات. اما دل مؤمنان در فراق تو ناخرسند است و شک ندارد که آن چه بر تو گذشت، خیر بوده است. سلام و خشنودی خدا بر تو باد. شهادت می دهم که تو همان راهی را رفتی که برادرت یحیی بن زکریا پیمود.

آن گاه نگاهی به اطراف قبر افکند و گفت: سلام بر شما ای جان های پاک که در آستان حسین (علیه السلام) فرود آمدید. گواهی می دهم که شما نماز را بر پا داشته و زکات پرداختید، امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آن که مرگ شما را فرا رسید. سوگند به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق فرستاد، ما در راهی که رفتید، شریک شماییم.

عطیه گفت: به جابر گفتم: چگونه با آنان شریکیم در حالی که نه [با آنان] دشتی پیمودیم و نه از بلندی و کوه بالا رفتیم و نه شمشیر زدیم، اما اینان سر از پیکرهای شان جدا شد، فرزندان شان یتیم گشتند و همسران شان بیوه شدند؟

جابر گفت: ای عطیه! از حبیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: هر کس گروهی را دوست دارد در عمل آنان شریک است. سوگند به آن که محمد (صلی الله علیه و آله) را به حق به پیامبری فرستاد نیت من و نیت یارانم همان است که حسین (علیه السلام) و اصحابش داشتند. مرا به سوی خانه های کوفیان ببر. چون مقداری راه رفتیم، به من گفت: ای عطیه! به تو وصیتی بکنم؟ گمان نکنم پس از این سفر، دیگر تو را ببینم. دوست دار خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) را دوست بدار تا وقتی در دوستی باقی است، دشمن خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) را تا زمانی که دشمن است، دشمن بدار، هر چند اهل نماز و روزه بسیار باشد. با دوست دار آل محمد (علیهم السلام) مدارا کن؛ او هر چند به سبب گناهانش بلغزد،

اما گام دیگرش با محبت این خاندان ثابت می ماند. دوست دار آل محمد(علیهم السلام) به بهشت می رود و دشمنان شان به دوزخ.^{۵۷}

در پایان یادآور می شود که ماموریت تاریخی جابر پس از عاشورا تنها به زیارت اربعینیه خلاصه نمی گردد. بلکه او مانند سلمان در دوران ۲۵ سال خانه نشینی امام علی که ماموریت تبلیغ تدریجی امامت امام علی (ع) و نیرو سازی برای ایشان را داشت، جابر هم تا زنده بود (در امتداد حماسه اربعینی خود) برای احیای امر اهل بیت و تثبیت امامتشان تلاش کرد:^{۵۸}



^{۵۷} . عماد الدین طبری، بشارة المصطفی

^{۵۸} . پس از آنکه جابر، پیام رسول خدا(ص) را به امام باقر(ع) رساند، امام باقر(ع) به جابر فرمود: وصیت خود را آماده کن؛ زیرا تودر مسیر حرکت به سوی خدایی! قطرات اشک از چشمان جابر سرازیر شد و به امام باقر(ع) عرض کرد: آقای من، این خبر را قبل از شما رسول خدا(ص) به من داد و فرمود: «چند روز پس از دیدار با محمد بن علی (امام باقر-ع-) از دنیایم روی.» امام باقر(ع) فرمود: «ای جابر، سوگند به خدا، خداوند علم گذشته و حال و آینده تا روز قیامت را به من عنایت فرموده است.» جابر وصیت کرد؛ آماده سفر شد. و سر انجام در ۷۳ یا ۷۴ یا ۷۸ قمری در ۹۴ سالگی در مدینه از دنیا رفت. طبق بعضی از روایات، امام صادق(ع) فرمود: جابر، آخرین نفر از اصحاب بود که باقی مانده بود.

در اهمیت این تلاش ها و اقدامات جابر همین بس که بدانیم اهلیت پیامبر در این سال ها در حجاز کمترین یار و یاور را نداشتند. و امام سجاد بشدت در مدینه غریب بودند:



و تنها این جابر بود که با وجود نابینایی در کوچه های مدینه راه می رفت و انصار را به یاری اهلیت فرا می خواند.

زیارت اربعینیه اهلیت:

دومین رویداد تاریخی که بستر ساز فرهنگ زیارت اربعین است بازگشت کاروان اسارت به کربلا در روز اربعین است. و اثبات و پذیرش این رویداد نیازمند مطالعه گاه شمار سفر اسارت است. البته باید دانست که درباره گاه شمار قیام امام حسین و گاه شمار سفر امام به کربلا و گاه شمار رویدادها تا عصر عاشورا، متون متعددی وجود دارد ولی درباره رویدادهای دوران اسارت (احتمالا تحت تأثیر جریان سانسور قوی امویان جهت تطهیر خود از حادثه عاشورا) گزارش های مستند فراوان و کافی وجود ندارد.

البته اصل سفر کاروان اسارت به شام و این که هدف سفر تخریب شخصیت بازماندگان کربلا و اعلان جشن نابودی اسلام بود قطعی است. و در این که در برابر نقشه های امویان، اهلیت امام حسین (ع) حماسه ای تاریخی افریده و با تحمل بیشترین ازارها سرانجام جبهه باطل را در کانون قدرت خودش رسوا می نمایند شکی نیست. ولی متأسفانه جزئیات این سفر در تاریخ به ما نرسیده است. و در این زمینه بتدریج

برخی پرسش ها و ابهام ها پدیدار شده تا بدان حد که امروزه برخی درباره زمان و مراحل و سیر سفر دچار تردید شده و حتی بازگشت اهلیت را به کربلا زیر سوال برده اند^{۵۹}. ولی آنچه که از جهت مسئله اربعین شناسی تقریباً امروزه مشهور بوده و پذیرفته شده است، مسئله بازگشت کاروان اسارت در واپسین ساعات روز اربعین به کربلا است. گزارش اجمالی گاه شمار سفر کاروان اسارت که تبیین می کند بازگشتن اهلیت به کربلا در اربعین ممکن بوده است چنین است:

گاه شمار سفر کاروان اسارت	
۱۱ محرم	حرکت از کربلا
۱۲	ورود به کوفه
۱۳	دفن پیکر شهدا توسط امام سجاده با همکاری بنی اسد
۱۵	قول اول برای ارسال اهلیت به شام
۱۸ - ۲۰	قول دوم برای ارسال اهلیت
	طی مسافت از کوفه به شام از مسیر حاشیه فرات تا دمشق در مدت ۱۰ تا ۱۵ روز ^{۶۰} (همراه با سرعت سیر سریع و همراه با خشونت)
اول صفر: یا هفته اول صفر:	ورود سر مقدس امام به شام و اعلان جشن عمومی در دمشق ورود اهلیت به شام و اقامت یک هفته ای اهلیت در شام
سه تا چهار روز اول ماه صفر	حضور در دربار یزید و مسجد اموی و خطبه های زینبی و سجادی اسکان در خرابه شهادت حضرت رقیه
نیمه دوم هفته اول	تحول فضای شام اسکان در قصر یزید و سه روز عزاداری اهلیت
اوائل هفته دوم صفر	حرکت جابر از مدینه به کربلا (۱۲ تا ۱۵ روز) (حرکت جابر از مدینه به کوفه و از کوفه با کمک عطیه جوان

^{۵۹} . این شبیه اولین مرتبه توسط سید بن طاووس مطرح شد. و بعدها مورد تایید و ترویج محدث نوری و شیخ عباس قمی و شهید مطهری و برخی از تاریخ پژوهان معاصر گردید.

^{۶۰} . مسافت بین کوفه و دمشق در حدود ۶۰۰ کیلومتر است. این مسافت را یک هفته ای تا ۱۰ روزه طی می کنند. امام حسین (ع)، فاصله ۴۷۰ کیلومتری مدینه و مکه را پنج روزه پیمودند (تقریباً روزانه ۹۰ کیلومتر) در نتیجه مسافت شام تا کربلا را که حدود ۵۷۰ کیلومتر است، طی هفت روز به راحتی می توان پیمود. و مسافت شام تا کوفه را به طور عادی هشت روزه ی توان طی کرد. خصوصاً که سرعت شتر در بیابان به دوازده کیلومتر و در شتر تندرو (جماز) حتی به ۲۴ کیلومتر در ساعت می رسد.

کوفی به کربلا) حرکت کاروان اهل بیت به کربلا (۸ یا ۱۰ صفر)	
ابتدا ورود جابر ^{۶۱} سپس ورود اهل بیت (رک به پاورقی ص قبل) سپس الحاق سرهای مقدس به پیکر شهدا توسط امام سجاد (ع) ^{۶۲} + روایات معتبر و مستفیضه از شیعه و سنی دال بر گریستن آسمان بر عزای امام به مدت چهل	۲۰ صفر
عزاداری ۳ روزه اهل بیت در کربلا	۲۰ تا ۲۲
حرکت به سوی مدینه	۲۲-۲۳ صفر
و رسیدن به مدینه و به سوگ نشستن مدینه دوران ۲۰ ساله گریه های پیوسته امام سجاد (ع)	آخر صفر و اوائل ربیع الاول

و برای مسیر رفتن اهل بیت دو حدس وجود دارد. یکی مطابق آنچه که در نقشه زیر است و در برخی منابع متاخر بدان اشاره شده است که راهی طولانی و پر حاشیه است. و دیگری راهی که می توانسته از حاشیه فرات به سوی دمشق برود که راه مرسوم آن روز کاروان ها به سوی شام بوده است.

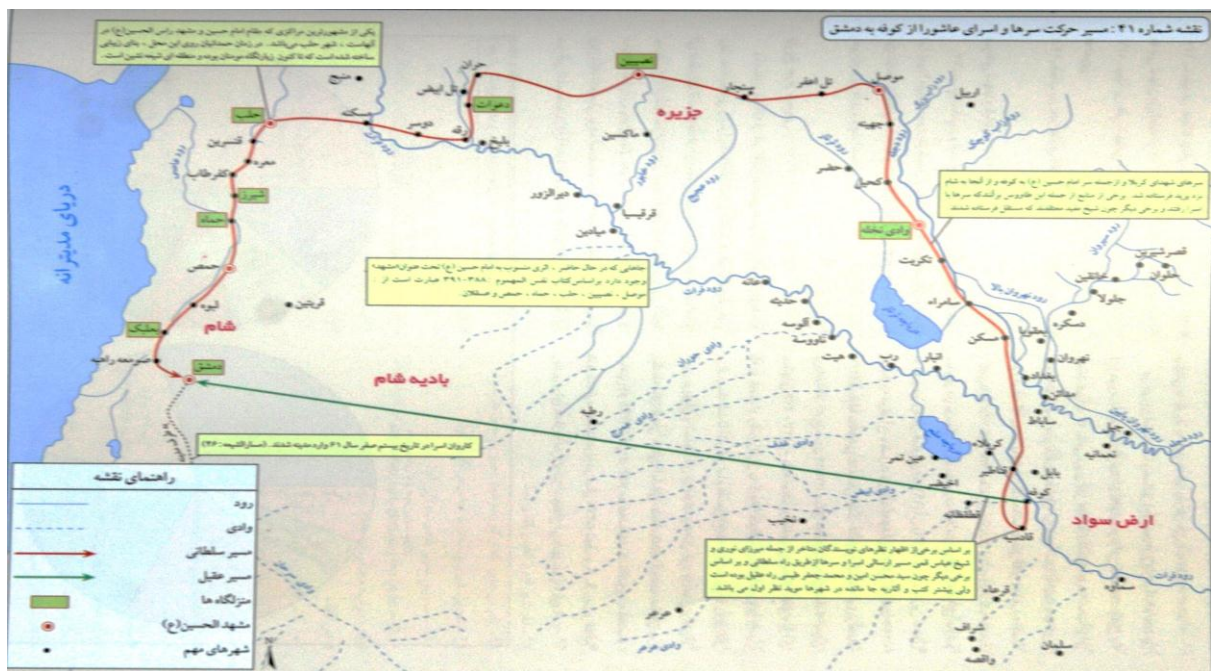
البته درباره مسیر بازگشت هیچ شکی نیست که اهل بیت از راه بیابانی مستقیم از دمشق به کربلا آمده اند:

^{۶۱} . آمدن جابر به کربلا در روز اربعین (جدا از دیدار با اهل بیت) توسط کسی قبل از سید بن طاووس نقل نشده است و تنها اسفرائینی که قبل از سید می زیست (متوفای ۴۰۶ ق.) در مقتل خود نقل نموده است که جابر در روز اربعین برای زیارت امام حسین (ع) به کربلا آمده و در آنجا با اهل بیت (ع) دیدار کرده است

^{۶۲} . اهمیت شهرت مسئله الحاق سرها به پیکرها از این جهت است که اثباتگر سفر کاروان اسارت به کربلا در همان روز اربعین است. چرا که برای سرها سرنوشتی دیگر در غیر کربلا و آن هم در غیر روز اربعین مشهور نیست. اقوال مشهور در این زمینه چنین است: شیخ صدوق، (متوفای سال ۳۸۱ ق.) : «امام سجاد (ع) با اهل بیت (ع) و سرهای مطهر شهیدان از دمشق خارج شد و سرهای مقدس را در کربلا دفن کرد». هر چند ایشان تصریح نکرده اند که ورود اهل بیت (ع) در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است اما از آنجا که هیچ کس زمان دیگری را در تاریخ، برای ورود اهل بیت (ع) به کربلا به ثبت نرسانده است، در نتیجه ورود امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت به کربلا، در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است. لذا علم الهدی سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق.) می نویسد: «ان راس الحسین (ع) اعيد الى بئنه فی کربلا» یعنی: همانا سر مطهر امام حسین (ع) در کربلا به پیکر مقدس آن حضرت، عودت داده شد. ۵- ابو ریحان بیرونی، محقق و ریاضیدان شهیر (متوفای ۴۴۰ ق.) در کتاب نفیس خود «الآثار الباقیه» چنین می گوید: «و فی العشرین رد راس الحسین (ع) الی جنته حتی دفن مع جنته و فیه زیاره الاربعین و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام»

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق.) علت سنت شدن زیارت امام حسین (ع) در اربعین را تنها انجام مراسم تدفین سرهای مطهر امام (ع) و سایر شهدا در کربلا می داند.

علامه شهیر و مورخ کبیر، سبط ابن جوزی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفای سال ۶۵۴ ق.) هم چنین می نویسد: «الاشهر انه رد الی کربلا دفن مع الجسد» یعنی: بنا بر نظر مشهورتر، سر امام حسین (ع) به کربلا بازگردانده و با پیکرش دفن گردید. در این زمینه نک: دو فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، محسن رنجبر، پژوهشی درباره فرجام و محل دفن سر مطهر امام حسین(ع) و سرهای دیگر شهدا



بنابراین با ترکیب پژوهش های گاهشماری تاریخی و دقت در واقعیات جغرافیایی، و با توجه به قضاوت و هتاک لشکری که همراه کاروان اسرا بودند و مانند جانیان کربلا با آزار رسانی به اهل بیت در انتظار جوائز بیشتر، می توان اصل آمدن اهل بیت را در روز اربعین به کربلا پذیرفت.

پس از تبیین اجمالی چستی و چگونگی سفر کاروان اسارت به کربلا نوبت به تحلیل تاریخی این سفر می رسد. باید توجه داشت که سفر کاروان اسارت دو مرحله داشته است:

- مرحله اول: سفر اجباری و زیر سیطره دشمن از کربلا به کوفه و از کوفه به شام
- مرحله دوم: سفر اختیاری و آزادانه از شام به مقصد کربلا.

در نگاه اولیه بر اساس تحلیل های غیر معصومانه (و نگاه انفعالی به سیره معصومین)^{۶۳} تصمیم گیری اهل بیت برای آمدن به کربلا تصمیمی است که تنها در مرحله دوم سفر گرفته شده است. ولی وقتی که از منظر عرفانی و مدیریت معصومانه به تحلیل رویدادهای کاروان اسارت پردازیم، می توان حدس زد که در یک برنامه ریزی غیر مستقیم این امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) هستند که در این ۴۰ روز به مدیریت سفر می پردازند. چرا که آنان به میزان ضرورت پیام رسانی در هر مرحله، برنامه تبلیغی خود و یا واکنش

^{۶۳} . مانند کسانی که رسیدن امام حسین به کربلا و رخداد جنگ در عاشورا را مانند اهل سنت همگی برآمده از اتفاق و تصادف می دانند. در شرایطی که امام حسین در وضعیت انفعالی و وادادگی قرار دارد. ولی در قرائت و نگاه شیعی از سیره معصومین که مبتنی بر عصمت و ولایت تکوینی و ... است رفتار امام حسین در سراسر مراحل قیام و حتی در اوج بحران ها و محاصره ها، رفتای و مدیریتی فعالانه و پویا است. و در تمامی مراحل قیام ابتکار عمل در دست امام است (در این زمینه نک: عاشورا، علی صفائی حائری و مجمعه آثار و سخنرانی های استاد میرباقری در دهه محرم دوسه سال اخیر)

هایشان به تبلیغات سوء باطل را شدت و ضعف داده و روند حوادث را به گونه ای مدیریت می کنند که پس از به بلوغ رساندن پیام های عاشورایی، در نهایت در روز اربعین خود را به کربلا برسانند. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

«اربعین نشانگر تدبیر خاندان پیامبر (ص) و احیاگر حقیقت شهادت است و در اربعین حسینی یاد شهادت حسین (ع) زنده شد.»^{۶۴}

برای فهم این تدبیر ها و با توجه به دشواری ها و سختی این دوران سخت بر کاروان اهل بیت، به عنوان نمونه گزارشی از فرایند دشواری ها و سختی ها بر امام سجاد از عاشورا تا اربعین ارائه می گردد:



و البته این دشواری و سختی تنها برای امام نبوده ، بلکه بانوان اهل بیت هم در این سفر کوتاه ۴۰ روزه (با وجود استواری و استقامت در برابر دشمن) بشدت صدمات جسمی و روحی فراوان دیدند به گونه ای که بسیاری از آنان در فاصله ای کوتاه پس از عاشورا جان به جان آفرین تسلیم کردند:

^{۶۴} . (سخنرانی ۲۲ آبان ۱۳۶۳)

بازتاب فاجعه عاشوراء بر باتوان اهلبیت



سخن پایانی درباره زیارت اربعینیه اهلبیت اینکه:

اهمیت اثبات این سفر با دوگانه حضور اهلبیت در اربعین در کربلا و الحاق سرهای مقدس از این جهت است که مسئله سفارش به زیارت اربعین از سوی امامان بعدی، نمی تواند تنها مستند به زیارت جابر در روز اربعین باشد. و برای استناد این سفر یا فعل معصوم (امام سجاد) و یا رخدادی مهم (الحاق سرها) باید وجود داشته باشد که باعث ارزشگذاری این زیارت بگردد.

بدین جهت حضور اهلبیت در اربعین در کربلا اگرچه علت انحصاری استحباب زیارت اربعین نیست ولی یکی از مستندات آن می تواند باشد.

فرهنگ سازی اهلبیت برای زیارت:

سومین رویداد تاریخی در زمینه اربعین حسینی، مسئله فرهنگ سازی امامان بعدی درباره اربعین است. زیرا پس از رخدادهای عاشورا، امویان در نابودی نام و یاد عاشورا و خط تشیع تلاش فراوان داشتند. آنان پس از رخدادهای قیام مختار، ۲۰ سال حجاج بن یوسف ثقفی را در عراق و حجاز به قدرت رساندند تا هم به نابودی شیعیان همت گمارد و هم از شکل گیری فرهنگ شیعی بر محوریت عاشورا جلوگیری کند. ولی در نهایت بساط این دودمان فاسد توسط عباسیان برافتاد.

در این مقطع زمانی با مدیریت امامان، جامعه شیعه بتدریج در حال بازپیدایش بود و در بلند مدت برای انسجام بیشتر نیازمند فرهنگ سازی بود. بدین جهت از این دوران مراحل مهم در تاریخ تشیع آغاز می گردد که برای شناخت بهتر آن باید با ادوراشناسی تاریخ امامت آشنا بود. گاه شمار تحلیلی دوران ۲۵۰ ساله به اجمال چنین است:^{۶۵}

دوره	زمانه	امامان	ویژگی
دوره تلاش برای احیای اسلام	از سال ۱۱ هـ ق تا سال ۶۱ هـ ق	امام علی (ع) امام حسن (ع) امام حسین (ع)	تلاش برای بازگرداندن اسلام به مسیر درست و کسب خلافت اسلامی برای هدایت و تعالی تمامی مسلمانان
دوره مکتب سازی	از سال ۶۱ هـ ق تا ۱۴۸ هـ ق	امام سجاد (ع) امام باقر (ع) امام صادق (ع)	نا امیدی از اصلاح جامعه و خلافت اسلامی و تلاش برای باز طراحی مستقل علمی - فکری مکتب تشیع خصوصاً بر بستر حماسه عاشورا
دوره جامعه سازی	۱۴۸ تا ۲۲۰ هـ ق	امام کاظم (ع) امام رضا (ع) امام جواد (ع)	تلاش برای طراحی جامعه شیعی بر مبنای اندیشه و ارزشهای شیعی و توسعه و گسترش جوامع شیعی در جهان اسلام
دوره آماده سازی برای غیبت	۲۲۰ تا ۲۶۰ هـ ق	امام هادی (ع) امام عسکری (ع)	تلاش برای آماده سازی جامعه شیعه برای زیستن طولانی مدت در دوران غیبت و بدور از امامان و تحت رهبری سیستم نائبان امام

و مسئله فرهنگ سازی برای اربعین، در دوران ۱۵۰ ساله امامت، از زمان امام صادق تا پایان دوران امامت امام عسکری و در قالب دو اقدام در راستای فرهنگ سازی برای اربعین صورت می گیرد که عبارتند از:

امام صادق و فرهنگ سازی برای زیارت خواندنی:

در زمانه در گیری های عباسی/اموی، امام صادق بر بستر فرصت های تاریخی به سرعت تلاش نمود تا زمینه های اولیه فرهنگ شیعی را پی ریزی کند. امام بر بستر نیرو سازی خود و پدرش و در استفاده از فرصت تاریخی حضورهای پراکنده خود در عراق، ابتدا به طراحی احیای زیارت عاشورا می پردازد و آن گاه که عاشورا در جامعه شیعه شناخته می گردد برای یکی از یاران جوانش به نام صفوان جمال به معرفی زیارت اربعین می پردازد. و زیارت اربعین را به او تعلیم می دهد.^{۶۶}

^{۶۵} . برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک به آثاری همانند: انسان ۲۵۰ ساله (سخنرانی های مقام معظم رهبری)، امام در عینیت جامعه (نوشته محمدرضا حکیمی)

^{۶۶} . التهذیب ج ۶ ص ۱۱۳. مصباح الزائر ص ۱۵۲-۱۵۴. مزار الشهید ص ۵۷-۵۸

و از آنجا که می دانیم در طراحی زیارت‌های مخصوص امام حسین (ع) از سوی امامان معصوم، فرهنگ سازی برای زیارت در شب‌ها و روزهای خاص معنوی و ملکوتی مانند شبهای جمعه و نیمه شعبان، لیالی قدر، عیدین و عرفه مورد سفارش قرار می‌گیرد، بنابراین اهتمام امام صادق برای فرهنگ سازی برای زیارت اربعین، نمی‌تواند بدون استناد بیرونی باشد. و تنها عاملی که می‌توانسته پشتوانه فرهنگ سازی امام صادق برای زیارت اربعین بگردد زیارت تاریخی امام سجاد و اهلیت اسارت در اربعین سال ۶۱ است.

امام عسکری و فرهنگ سازی اجتماعی برای زیارت اربعین:

امام عسکری آخرین امام دوران حضور امامان شیعه در جامعه است. و دومین اقدام برای فرهنگ سازی اربعین توسط ایشان صورت می‌گیرد. آن هم در پایان دوران امامت که جامعه شیعه شکل گرفته است و بسیاری از فرهنگ‌های عمومی زیارت تعریف شده است. و زیارت‌های گوناگونی برای امام حسین در مناسبت‌های گوناگون تعریف شده است. ولی ناگهان درست در آستانه غیبت، از سوی امام عسکری مسئله زیارت اربعین به عنوان علامت و نماد تشیع معرفی می‌گردد:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَوَاتُ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَ التَّخْتُمُ بِالْيَمِينِ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^{۶۷}

«نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز)^{۶۸}. دوم: زیارت اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام. سوم: انگشتر در دست راست نمودن^{۶۹}. چهارم: پیشانی بر خاک گذاردن^{۷۰}. پنجم: بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در نمازهای جهریه (صبح، مغرب و عشاء)^{۷۱}»

^{۶۷} تهذیب الأحکام: ۵۲/۶، ح ۱۲۲. وسائل الشیعة: ۸۱/۵، ح ۵۹۷۹: البتة دربارہ این روایت باید دانست که آنچه اعتبار این روایت را خدشه دار می‌کند، مرسل بودن آن است؛ زیرا در نقل هر دو عالم، روایت با تعبیر «رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» شروع شده و سلسله سندی به چشم نمی‌خورد. چنین سندی در علم حدیث، آسیبی جدی به اعتبار آن نقل زده و سبب می‌شود کارشناس حدیث توجه شایسته‌ای به آن نداشته باشند.

اما آنچه این ضعف را جبران کرده؛ اعتقاد ما را به صدور این روایت از امام عسکری علیه السلام تقویت می‌کند سه امر است: ۱. نقل این روایت از سوی دو دانشمند طراز اول امامیه یعنی شیخ مفید و شیخ طوسی رحهما الله ۲. توجه به این روایت و نقل آن از سوی حدیث پژوهان نامدار بعدی و انعکاس آن در منابع متعدد ۳. نقل سندی برای این روایت توسط مرحوم ابن مشهدی (م ۶۱۰ ق) در کتاب المزار الکبیر

^{۶۸} این نمازها ۱۷ رکعت نماز واجب و ۱۱ رکعت نماز شب و ۳۲ رکعت نمازهای نافله نمازهای واجب است. ولی اهل سنت تنها به نماز تراویح اهمیت می‌دهند که در شب‌های ماه رمضان به جماعت خوانده می‌شود.

^{۶۹} نویسنده کتاب هدایه که حنفی است می‌نویسد: انگشتر در دست راست سنت و مشروع است ولی چون رافضیان (شیعه) اینگونه استفاده می‌کنند، ما اهل سنت انگشتر را در دست چپ قرار می‌دهیم. (عن الصراط المستقیم ۲/ ۵۱۰، ومنهاج الکرامه، ص ۱۰۸، الغدير ۱۰/ ۲۱۰) و «صاحب ابان» می‌گوید انگشتر را به دست چپ کردن بهتر است، چرا که شیعیان انگشتر به دست راست می‌کنند، پس برای دوری از نسبت شیعه دادن، باید انگشتر را به دست چپ کرد» (محمی الدین النووی، المجموع، دار الفکر، بیروت، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۳۹۴) و اول کسی که این سنت را تغییر داد و با سنت مخالفت نمود معاویه بود. (ربیع الأبرار للزمخشری ۲۴/۴) و سر این که شیعه انگشتر در دست راست می‌کند این است که: ابن ابی عمیر گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم که به چه سبب علی (ع) انگشتر را به دست راست می‌کرده؟ فرمود: بدین سبب که آن حضرت پس از پیغمبر (ص) امام اصحاب یمین بوده و این یکی از نشانه‌های شیعه ما است.

البته در حدیثی دیگر از امام عسکری متناسب با شرایط تقیه برای همین دوران غیبت صادر شده است، چنین فرموده است: امام حسن عسکری (ع) در سال دویست و شصت قمری خطاب به شیعیان فرمودند: تاکنون امر ما این بود که انگشترتان را به دست راست بگذارید. این

و کارکرد نشانه بودن این ۵ مورد که به معنای نشانه های فرهنگی / رفتاری برای شناخت شیعیان در جهان اسلام (و البته در شرایط غیر تقیه) است با دقت در جدول زیر بیان می گردد:

نشانه های ۵ گانه	
شیعی	عامی
۵۱ رکعت نماز واجب و نافله . نماز شب	۲۰ رکعت نماز تراویح
زیارت اربعین	وهابیت و تحریم هر گونه زیارت
انگشتر در دست راست	بدعت انگشتر در دست چپ
سر بر خاک در سجده	سر بر خاک و غیر خاک
آشکار گفتن بسمله در نمازهای جهریه	عدم وجوب بسمله و لزوم اهسته خواندنش

مطابق این دستور امام عسکری، زیارت اربعین (و نه دیگر زیارت های حسینی) را نشانی برای شیعی بودن بر می شمارد و همطراز برخی شعائر واجب و مستحب قرار می دهد.

و در سرّ توجه به زیارت اربعین از میان زیارت های حسینی می توان به این دلیل هم اشاره کرد که زیارت امام حسین در مثل عاشورا به علت رخ دادن حادثه تاریخی عاشورا، زیارتی است به نشان ابراز مظلومیت که می تواند از سوی شیعه و غیر شیعه صورت بگیرد. مانند حضور فرقه های اسلامی و غیر اسلامی در عزاداری عاشورا.

ولی زیارت اربعین چون در خارج از رویداد تاریخی عاشورا صورت می گیرد و ناشی از عمل کردن به دستور امامی معصوم است پس نشان تشیع است. و این زیارت مخصوص و خاصه حتی اگر از سوی غیر شیعه صورت بگیرد دیگر زیارتی از روی احساس و عاطفه صرف نیست بلکه در لایه های پنهان خود نوعی از ابراز تمایل به مکتب و مذهب تشیع و ارزش های شیعی هم است.

در حالی بود که ما (اهل بیت) در میان شما حاضر بودیم ولی اکنون امر می کنیم انگشتری را به دست چپ کنید به جهت آنکه ما از میان شما غائب می شویم تا زمانی که پروردگار امر ما و امر شما را ظاهر کند همانا این بهترین دلیل برای شما در ولایت ما اهل بیت است. همان لحظه شیعیان در حضور امام انگشترهای خود را از دست بیرون کرده و در دست چپ شان قرار دادند و حضرت به آنان فرمودند: این قضیه را برای شیعیان ما نقل کنید. تحف العقول (سخنان امام حسن العسکری ع)

۷۰. اهل سنت در سجده گذاردن پیشنای را بر خاک و غیر خاک جایز می دانند.

۷۱. از نظر شیعه، بسم الله جزئی از سوره است و باید خوانده شود و خواندن سوره های قرآن بدون بسم الله در نماز سبب بطلان نماز است و ترك آن در نماز جایز نیست. و مستحب است که حتی در نمازهایی که اهسته خوانده شود، بسم الله در نماز بلند خوانده شود و این یکی از شعائر شیعه است.

اما از نظر اهل سنت:

ولی بسیاری از اهل سنت، بسم الله را جزء سوره نمی دانند، حنفی ها و حنبلی ها در عین حال که آن را جزء سوره نمی دانند و می گویند خواندن بسم الله در اول سوره در نماز واجب نیست و ترك آن جایز است. اما در عین حال خواندن آن را در آغاز حمد و سوره مستحب می دانند؛ ولی به نظر آنها اگرچه نماز جهری باشد مانند نمازهای مغرب و عشاء باید بسم الله اهسته خوانده شود. از نظر مذهب حنفی، حنبلی و مالکی: بسم الله در هر سوره، جزء سوره نمی باشد. اما از نظر شافعی بسم الله جزء هر سوره است و ترك آن در نماز جایز نیست.

بدین جهت جهانی سازی عاشورا ممکن است در برآیند نهایی خود ترکیبی از احساسات و عواطف عمومی را در جهانیان برانگیزد که در نهایت می تواند به تشیع منجر نگردد. مانند حضور قابل توجه هندوها در مراسم عاشورای هند^{۷۲} ولی بر عکس راه پیمایی عظیم اربعین می تواند ظرفیت دعوت جهانی را به دوگانه تشیع امام حسین (هویت و ریشه ها) و امام مهدی (امید و چشم اندازها) ایجاد کند.

چیستی زیارت اربعین:

از تحلیل عدد ۴۰ معلوم گردید که این عدد فرایندی برای به کمال رساندن یک شیء یا عمل است. در فرایند از عاشورا تا اربعین هم شاهد یک روند موازی جبهه حق و باطل هستیم که در فرایند ۴۰ روز به نهایت خود می رسند.

فرایندی حقی که از نهایت استضعاف و محدودیت و محرومیت و تهدیدها به اوج تاثیرگذاری می رسد. و فرایند باطلی که از اوج غرور و تکبر و خودپیروز بینی، به نهایت حقارت و شکست و عقب نشینی می رسد. تا بدان حدّ که حاضر است به جبهه حق امتیازهای موقت بزرگی بدهد تا بتواند خود را از عوارض وارونه شدن تحولات نجات داده و شکست خود را در جبهه جنگ نرم و مواجهه روانی جبران کند. گزارشی از این دو روند و فرایند موازی چنین است:

گاه شمار	عصر عاشورا	ورود به کوفه	اقامت در کوفه	مسیر شام	ورود به شام	اقامت در شام
جبهه باطل	ایجاد محاصره همراه با رعب و وحشت شدید	ایجاد اجتماعی عظیم از مردم شهر به قصد تحقیر کاروان اسارت	تلاش در توجیه چرایی رخ دادن عاشورا و متهم کردن امام حسین	اخراج سریع اهلیت از کوفه + تلاش برای نمایش قدرت خود در دیگر مناطق	اعلان جشن و عید رسمی و حضور انبوه جمعیت	تلاش برای تحقیر و محاکمه یکسویه + ولی رسوایی و درماندگی و ناچاری برای تکریم اهلیت و بازگرداندن

^{۷۲} . خصوصاً با توجه به این که عاشورا در هند تعطیل رسمی است.

سریع انان						
						خط زمان
افشاگری سیاسی و تحقیر شخصیت خلیفه و آگاه سازی عمومی	صبر ی عظیم	پیام رسانی مظلومیت اهلیت	دفاع همه جانبه از عاشورا و خثی سازی تبلیغات ابن زیاد	اولین سخنرانی و سرافکنده سازی مردم	وحشت از حمله و غارت گری و صبری عظیم	جبهه حق

با این تحلیل اربعین از سوی اهلیت یک برنامه هوشمند و هدفمند برای به کمال رساندن پیام های عاشورایی امام حسین است که توسط حضرت زینب و سپس امام سجاد در بستر مظلومیت مقدس رخ می دهد و در زمانه قدرت یزید و والیان، رسوایی انان را چنان آشکار و عیان می سازد که یزید در مرکز شام ناچار به برگزاری عزاداری می گردد و برای نجات خلافتش مجبور می شود ضمن براءت جویی از لشکریان کربلا، اهلیت را به سرعت به مدینه بازگرداند.

در فهم چیستی اربعین، نکته ای دیگر هم وجود دارد که بر کارکردهای تربیتی فرهنگ عزاداری بر عزاداران در دو ماه محرم و صفر استوار است. چرا که در دو ماه محرم و صفر شاهد دو مرحله و دو سیر برای عزاداری حسینی هستیم که برآمده از فرهنگ سازی اهلیت برای جامعه شیعه است. و در این فرهنگ سازی، عاشورا در میانه دو مرحله یا در حقیقت در میانه دو خط زمانی قرار می گیرد. از یک سو خط زمانی ده روزه دهه اول است که سلوکی سریع همراه با اصحاب الحسین است برای حسینی شدن. و نگاه سلوکی ۴۰ روزه از عاشورا تا اربعین است برای حسینی ماندن. حسینی ماندنی که اگر به حماسه عظیم اربعین کربلا ختم شود پیامدش حسینی سازی فرایند پیام در گستره جهانی و جهانی سازی ارزش های عاشورایی است:



این دو سیر را چنین می توان تبیین نمود:

دهه محرم	دهه گذار از روزمرگی زندگی و الگو گیری از اصحاب الحسین برای حسینی شدن
روز عاشورا	حضور نمادین در جبهه روزآمد حسینی: کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا
چله اربعینیه	تلاش برای حسینی ماندن و رشد حسینی زیستی و حسینی یآوری متناسب زمانه خود با نگاه به کاروان اسارت
اربعین	اجتماعی عظیم حسینی باوران هر دوران، برای جهانی سازی پیام عاشورا با چشم انداز رسیدن به عاشورای ظهور (و آرزوی قرار گرفتن در زمره اصحاب المهدی)

بدین جهت است که شیعه در دو ماه محرم و صفر به میزان توجه و التفات و حضورش در شعائر حسینی، پیوسته در سیر و سلوک است. سلوکی که نقطه شروعش از خودیابی عاشورایی و انقلاب فردی و اجتماعی شیعیان عاشورا است ولی در نهایت به انقلاب و حماسه عظیم اجتماعی منطقه ای با شعاع اثر گذاری فرهنگی جهانی می رسد.

چگونگی زیارت اربعین:

پس از فهم چستی زیارت اربعین و چرایی طراحی آن خصوصا از منظر آثار فردی و اجتماعی آن، نوبت به پرسش از چگونگی می رسد. بدین معنی که اگر اربعین روز زیارت امام حسین است، این زیارت چگونه صورت بگیرد شایسته است؟

در مقام پاسخ باید دانست که زیارت اربعین در فرهنگ سازی اهلیت و یاورانشان سه مرحله تاریخی را طی کرده است:

پیام ها	پیام رفتاری	پیام متنی	پیام فرهنگی/اجتماعی
خط زمان			
شخصیت	جابر بن عبدالله	امام صادق	امام عسکری
رفتار سازی	زیارت پیاده و آشفته حال	زیارت خواندنی	زیارت جمعی و نمادین

بنابراین اربعین در بستر یک دوران زمانی ۲۰۰ ساله (از زیارت جابر در سال ۶۱ هجری تا امامت ۶ ساله امام عسکری تا سال ۲۶۰ هجری قمری) تبدیل به یک سلوک جامع «زمان- مکان- رفتار- گفتار» می گردد. و

با جمع این عناصر، تبدیل به اسطوره و نماد و سمبل می‌گردد. یعنی عملی چونان منشور می‌شود که از هر زاویه به آن بنگری دارای ارزش و تقدس و پیام و معانی مقدس و متعالی است.

و البته یکی از ارکان امروزین زیارت اربعین مراسم پیاده روی آن است. برای پیاده روی در اربعین مهمترین استناد، عمل رفتاری جابر است.^{۷۳} ولی در این رابطه می‌توان به روایات مطلق استحباب پیاده روی برای زیارت کربلا هم تمسک کرد. وجود روایات فراوان عام و مطلق در سفارش به زیارت امام حسین به صورت پیاده و تاکید اهلیت بر آن، آشکار می‌سازد که اگر قرار باشد زیارتی به عنوان شعار و نماد و علامت شیعه باشد شایسته است که به صورت پیاده و به گونه ای باشد که جلب توجه دیگران را (در مقام ابراز نشانه و علامت) بنماید.

از این رو شایسته است گزارشی اجمالی از سنت زیارت حسینی به صورت پیاده و آداب و برکات آن در روایات ارائه گردد.

در زمینه زیارت شناسی از منظر احادیث معصومین ارزنده ترین اثر کتاب شریف کامل الزیارات است^{۷۴} که بخش اعظمی از آن درباره اسرار و آداب و آثار زیارت امام حسین است. فهرستی از توصیه های اهلیت به زیارت کربلا و تاکید بر پیاده بودن آن و برکاتش به صورت فهرست وار چنین است:

^{۷۳} . اگر چه در فرهنگ دینی پیاده روی در اعمال عبادی یک ارزش است:

۲. استحباب پیاده روی به سوی مساجد

۳. استحباب پیاده روی در تشییع جنازه

۴. استحباب پیاده روی امام هنگام رفتن به مصلا در نماز عید

۵. استحباب پیاده روی برای حج و عمره (و فراوانی سفرهای حج امامان معصوم که با پای پیاده صورت گرفته است)

۶. استحباب پیاده رفتن به رمی جمرات

۷. استحباب پیاده رفتن به زیارت مؤمن.

^{۷۴} . کامل الزیارات کتابی با موضوع زیارت، تالیف ابن قولویه قمی متوفای ۳۶۷ق، محدث و عالم نامدار شیعه. این کتاب از فضیلت و چگونگی زیارت پیامبر اکرم(ص)، اهل بیت و امامزادگان و مؤمنان سخن می‌گوید و مجموعه روایاتی را از اهل بیت(ع) در این باره نقل می‌کند. کامل الزیارات از مهمترین و معتبرترین منابع روایی و دعایی شیعه است که علما و فقهای شیعه پیوسته به آن مراجعه کرده‌اند. این کتاب شامل ۸۴۳ حدیث در ۱۰۸ باب می‌باشد. فهرست این کتاب به شرح زیر است:

ثواب زیارت پیامبر اسلام

آداب و ثواب زیارت علی بن ابی طالب

آداب و ثواب زیارت حسن بن علی

ثواب گریه و اقامه عزا بر حسین بن علی و چگونگی نماز و زیارت در حرم وی (بخش عظیم کتاب مربوط به این است)

شیوه زیارت حرم موسی بن جعفر و محمد بن علی (جوادی)

شیوه زیارت سایر اهل بیت

زیارت مؤمنین

زیارت امامزادگان

و در این میان بخش اعظم این کتاب درباره فضائل زیارت امام حسین است که فهرست باب های این مرحله چنین است:

باب ۴۰ دعاء رسول الله و علی و فاطمة و الأئمة لزوار قبر الحسين.

باب ۴۱ دعاء الملائكة لزوار قبر الحسين بن علي ع.

باب ۴۲ فضل صلاة الملائكة لزوار قبر الحسين بن علي ع.

باب ۴۳ أن زیارة الحسين ع فرض و عهد لازم له و لجميع الأئمة علی کل مؤمن و مؤمنة.

باب ۴۴ ثواب من زار الحسين ع بنفسه أو جهز إليه غیره.

آداب زیارت	پیاده یا سواره به زیارت رفتن
<p>شخص وقتی به زیارت قبر حضرت حسین علیه السلام می‌رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد</p> <p style="text-align: center;">+</p>	<p>ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلیش را حفظ کرده تا به خویشانش باز گردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.</p> <p style="text-align: center;">+</p>
<p>زائر قبر مطهر ابتداء غسل کن و کفش‌هایت را آویزان نما و پای برهنه راه برو و مانند بنده ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو سپس اندکی حرکت کن باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه</p>	<p>کسی که پیاده زیارت کند خداوند بهر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید و یک درجه مرتبه‌اش را بالا می‌برد و وقتی به زیارت رفت حق تعالی دو فرشته را موکل او می‌فرماید که آنچه خیر از دهان او خارج می‌شود را نوشته و آنچه شر و بد می‌باشد را ننویسند و وقتی برگشت با او وداع کرده و به وی می‌گویند:</p> <p>ای ولیّ خدا گناهایت آمرزیده شد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بیت رسولش می‌باشی و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بینا نمی‌کند و آتش نیز تو را ابدًا نخواهد دید و تو را طعمه خود نخواهد نمود.</p>

از دیگر آداب زیارت مسئله گریه و حالت حزن و اندوه است. در روایات متعددی بر فراگیر بودن پدیده

گریستن بر سداشهدا تصریح شده است:

- باب ۴۵ ثواب من زار الحسين بن علي ع علی خوف.
- باب ۴۶ ثواب ما للرجل في نفقته إلى زيارة الحسين ع.
- باب ۴۷ ما يكره اتخاذه لزيارة الحسين بن علي.
- باب ۴۸ كيف يجب أن يكون زائر الحسين بن علي ع.
- باب ۴۹ ثواب من زار الحسين ع راكباً أو ماشياً و مناجاة الله لزائره.
- باب ۵۰ كرامة الله تعالى لزوار الحسين بن علي ع.
- باب ۵۱ أن أيام زائري الحسين ع لا تعد من أعمارهم.
- باب ۵۲ أن زائري الحسين ع يكونون في جوار رسول الله و علي و فاطمة.
- باب ۵۳ أن زائري الحسين ع يدخلون الجنة قبل الناس.
- باب ۵۴ ثواب من زار الحسين بن علي ع عارفاً بحقه.
- باب ۵۵ من زار الحسين ع حياً لرسول الله و أمير المؤمنين و فاطمة.
- باب ۵۶ ثواب من زار الحسين بن علي ع شوقاً إليه.
- باب ۵۷ ثواب من زار الحسين ع احتساباً.
- باب ۵۸ أن زيارة الحسين ع أفضل ما يكون من الأعمال.
- باب ۵۹ من زار الحسين ع كان كمن زار الله في عرشه.
- كامل الزيارات، ابن قولويه، ص: ۸
- باب ۶۰ أن زيارة الحسين و الأئمة تعدل زيارة قبر رسول الله.
- باب ۶۱ أن زيارة الحسين ع تزيد في العمر و الرزق و تركها ينقصهما.
- باب ۶۲ أن زيارة الحسين ع تحط الذنوب.
- باب ۶۳ أن زيارة الحسين ع تعدل عمرة.
- باب ۶۴ أن زيارة الحسين ع تعدل حجة.
- باب ۶۵ أن زيارة الحسين ع تعدل حجة و عمرة.
- باب ۶۶ أن زيارة الحسين ع تعدل حججا.
- باب ۶۷ أن زيارة الحسين ع تعدل عتق الرقاب.
- باب ۶۸ أن زوار الحسين ع مشفعون.
- باب ۶۹ أن زيارة الحسين ع ينفس بها الكرب و يقضى بها الحوائج.
- باب ۷۷ أن زائري الحسين ع العارفين بحقه تشيعهم الملائكة و تستقبلهم و تودعهم و تعودهم إذا مرضوا و تشهدهم إذا ماتوا.

گریه های تاریخی پیامبران و پیامبر اسلام و اهلیتیش بر مظلومیت سیدالشهدا، پیش از شهادتش

گریه ملائک تا قیامت^{۷۵} یا تا ظهور^{۷۶}

گریه حضرت حجت تا ظهور^{۷۷}

گریه امام سجاد تا ۲۰ سال

گریه بخشی از ملائک تا زمان قتل ابن زیاد

گریه خونین طبیعت تا ۴۰ روز

بدین جهت در زیارت امام حسین تاکید شده که زائر از حالت های شاد و یا سیری شکم و آرامش و آسایش فاصله بگیرد. و بلکه در سفر پیاده کربلا را همانند سفر پیاده برای حج با همان ادب و اعمال به جا آورد.^{۷۸}

با این ادب و شرایط، روشن می گردد که در نگاه اهلیت سفر برای زیارت امام حسین، سفری باید باشد که با دل کندن از تعلقات و زندگی و شغل و خانواده شروع می شود. و در طی سفر زائر با تواضع و خشوعی تمام همراه با حالتی محزون (و گاه همراه با خوف و ترس) راهی کربلا می گردد. و در این رفتن هم عجله ای نیست. چرا که در پیاده روی برای زیارت حسین، خود پیاده روی موضوعیت داشته و دارای برکات و آثار فراوان است. به گونه ای که در این پیاده روی حتی برای هر قدم، قدمش ارزش و ثواب تعریف می گردد. فهرستی از آثار نورانی زیارت و زیارت پیاده در روایات اهلیت، ان چنین است:

^{۷۵} امام صادق (ع) فرمودند: چهار هزار فرشته به زمین فرود آمد تا با دشمنان حسین (ع) به قتال بپردازند. اما امام (ع) به ایشان اذن ندادند. پس بار دیگر به زمین فرود آمدند اما دیگر فرصت از دست رفته بود و حسین (ع) شهید شده بود. پس از آن فرشتگان بر سر مزار آن حضرت با حالتی ژولیده و گرفته باقی ماندند و تا روز قیامت بر حضرتش می گریند. رئیس ایشان هم فرشته ای است بنام منصور (کامل الزیارات ۲۶۵)

^{۷۶} در حدیثی دیگر حضرت فرمودند: از روزی که حسین (ع) شهید شد تا زمانی که خدا بخواهد قائم ما حضرت مهدی (ع) را ظاهر کند خدا هفتاد هزار فرشته را مبعوث فرمود تا با حالتی ژولیده و گرفته هر روز بر حضرتش صلوات فرستاده و طلب رحمت کنند (کامل الزیارات ۲۶۷)

^{۷۷} زیارت ناحیه مقدسه: لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الثُّمُوعِ دَمًا. هر صبح و شام بر تو گریه و شیون می کنم و در مصیبت تو به جای اشک، خون می گریم.

^{۷۸} مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ لَهُ إِذَا خَرَجْنَا إِلَى أَبِيكَ أَوْ فُكْنَا [أَوْ فُلْنَا] فِي حَجٍّ قَالَ بَلَى قُلْتُ فَيَلْزِمُنَا مَا يَلْزِمُ الْحَاجَّ قَالَ مِنْ مَا دَا قُلْتُ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْزِمُ الْحَاجَّ قَالَ يَلْزِمُكَ حُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ يَصْحَبُكَ وَ يَلْزِمُكَ قِلَّةُ الْكَلَامِ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ يَلْزِمُكَ كَثْرَةُ دُكْرِ اللَّهِ وَ يَلْزِمُكَ نَظَافَةُ الثِّيَابِ وَ يَلْزِمُكَ الْغُسْلُ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ الْحَائِرَ وَ يَلْزِمُكَ الْخُشُوعُ وَ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَلْزِمُكَ التَّقِيَّةَ الَّتِي قَوْمُ دِينِكَ بِهَا وَ الْوَرَعَ يَلْزِمُكَ أَنْ تَعْضَ بَصْرَكَ وَ يَلْزِمُكَ أَنْ تَعُودَ إِلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ إِخْوَانِكَ إِذَا رَأَيْتَ مُنْقَطِعاً وَ الْمَوَاسَاةَ وَ يَلْزِمُكَ التَّقِيَّةَ الَّتِي قَوْمُ دِينِكَ بِهَا وَ الْوَرَعَ عَمَّا نَهَيْتَ عَنْهُ وَ الْخُصُومَةَ وَ كَثْرَةَ الْأَيْمَانِ وَ الْجِدَالَ الَّذِي فِيهِ الْأَيْمَانُ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ تَمَّ حُجُّكَ وَ عُمُرَتُكَ وَ اسْتَوْجِبْتَ مِنَ الَّذِي طَلَبْتَ مَا عِنْدَهُ بِتَقَاتِكَ وَ اعْتِبَارِكَ عَنْ أَهْلِكَ وَ رَغْبَتِكَ فِيمَا رَغِبْتَ أَنْ تَنْصَرِفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرَّضْوَانِ (كامل الزیارات، ابن قولویه، ص: ۱۳۱)

برکات دنیوی زیارت سیدالشهدا	آثار اخروی زیارت سیدالشهدا
<p>مشایعت هزاران فرشته برای زائر امام حسین ع غم و اندوه را بر طرف کرده و به واسطه اش حوائج بر آورده می شود کسی که غصّه دار و اندوهگین و گناه کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت بیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرّب جوید بر خداست که حزن و اندوهش را بر طرف کرده و خواسته اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزیده و عمرش را طولانی نموده و روزی و رزقش را فراخ نماید فرشتگان به مشایعت و استقبالشان رفته و هنگام مرض عیادتشان نموده و در هنگام مرگ بر بالین آنها حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب مغفرت می کنند. خداوند منّان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوّار امام حسین علیه السلام نازل می فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند. حسین علیه السلام را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد، زیرا هر کس به</p>	<p>افضل اعمال است فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه اش را تشییع نمایند. خداوند متعال او را از رستگاران می نویسد و وقتی بر ابی عبد الله الحسین علیه السلام سلام دهد او را از فائزین قلمداد می کند و وقتی از نمازش فارغ شود فرشته ای نزد او آمده و به او می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به تو سلام می رساند و می فرماید: اما گناهانت تمام آمرزیده شد پس عمل را از ابتداء شروع کن. خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد. کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السلام را زیارت نماید مانند روزی است که مادر او را خالی از گناهان زائیده اگر چه مرتکب گناهان کبیره هم شده. کسی که به زیارت حسین بن علی علیهما السلام برود و وضوء گرفته و در فرات غسل نماید قدمی از زمین برنداشته و روی آن قدمی نمی گذارد مگر آنکه حق تعالی ثواب یک حج و یک عمره برایش منظور می فرماید. برای هر قدمی که برمی دارد و هر دستی که بالا می رود و اسبش را حرکت داده و می راند هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشته و هزار درجه مرتبه اش بالا می رود. مانند کسی است که سه حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم انجام داده باشد.</p>

بهر قدمی که برداشته ثواب یک حج به او داده و هر گاه گام و قدمش را از روی زمین بلند می‌کند ثواب یک عمره دارد.

حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می‌دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می‌فرماید.

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام معادل یک حج و یک عمره می‌باشند

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود

کسی که دوست دارد بر سفره‌های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوآر حضرت حسین بن علی علیهما السلام باشد.

کسی که بخاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه سلام الله علیها و حب به امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین حضرتش را زیارت کند خداوند او را بر سر سفره‌های بهشتی نشانده که با آن سروران هم غذا باشد در حالی که مردم در حساب می‌باشند.

زائرین امام حسین علیه السلام قبل از همه مردم وارد بهشت می‌شوند.

در روز قیامت برای زوآر حسین بن علی علیهما السلام بر سایر مردم

زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می‌کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه‌ای می‌دهند ...

امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیهما السلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می‌کنند دفع می‌نماید.

و ... پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد

این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه تمناً و آرزو می‌کند که کاش از زوآر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌بود.

<p>زیارت حضرت امام حسین علیه السلام عمر را طولانی و روزی را فراخ نموده و ترک آن عمر را کوتاه و روزی را تنگ می‌کند.</p> <p>کسی که از خانه‌اش خارج شده و قصدش زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین بن علی سلام الله علیهما باشد خداوند متعال فرشته‌ای را بر او می‌گمارد</p> <p>از حزب الله و حزب پیامبر و اهلبیتش شمرده می‌شود</p>	<p>فضیلت و برتری می‌باشد</p> <p>و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دربی به بهشت می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می‌شود که ...</p> <p>مقام شفاعت صد نفر در روز قیامت به زائر امام حسین (ع) داده می‌شود.</p> <p>زائر امام حسین علیه السلام همسایه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی و فاطمه علیهما السلام می‌باشند.</p> <p>کسی که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کند مثل کسی است که در عرش خدا را زیارت کرده و او را در اعلی‌ین قرار می‌دهند</p>
--	---

نظر به این همه برکت و خیری که برای زیارت امام حسین است در روایات به شیعیان توصیه شده است که در مسیر زیارت با همدیگر مسابقه گذاشته و سعی در پیشگامی داشته باشند^{۷۹}:

« اگر مردم می‌دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه فضل و ثوابی است حتما از شوق و ذوق قالب تهی می‌کردند و بخاطر حسرت‌ها نفس‌هایشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد»^{۸۰}

^{۷۹} . مبتنی بر کلید واژه های قرآنی «سار عوا» و «واستبقوا» که مومنان را در خیرات به مسابقه فرا می خواند.

^{۸۰} . ترجمه کامل الزیارات باب ۵۶ ص ۴۷۶

و بی شک حماسه عظیم اربعین حسینی در این سال ها در حقیقت تحقق همین پیش بینی معصومین است. که سرانجام روزی خواهد رسید که کربلا محل تجمع عظیم شیعیان و محل رفت و آمد آنان برای همیشه خواهد گردید.^{۸۱}

پس زیارت اربعین از جهت چگونگی در حقیقت ترکیبی از مجموعه روایات معصومین در باره چگونگی زیارت کربلا و مزار حسینی است. که در سیره اصحاب ائمه و علمای بزرگ دوران غیبت تبدیل به یک نظامواره گردیده است که مصداق روایات زیر است:

- امام صادق: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا^{۸۲}
- يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ وَ أَنَا حَاضِرٌ - اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً - مُنْحَاطِينَ فِي اللَّهِ مُتَوَاصِلِينَ مُتْرَاحِينَ - تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا وَ أَحْيُوا أَمْرَنَا^{۸۳}

درباره فرایند تاریخی نهادینه شدن پیاده روی اربعین، فصل بعد را مطالعه کنید.

و نکته پایانی:

پیاده روی برای زیارت کربلا ، پیاده روی ای زمینی و با پذیرش زحمت و رنج است که بدان توصیه و سفارش بسیار شده است و توسط زائران شیعه و غیر شیعه صورت می گیرد. ولی آنان در این پیاده روی تنها نیستند. و پیاده روی آنان ریشه در رفت و آمد های متعالی و مقدس دیگری دارد که یا تاریخی هستند و یا به صورت جریانی پیوسته و مستمر است:

- زیارت پیامبر و معصومین در عالم ملکوت از کربلا

^{۸۱} . امام سجاد (ع) می فرماید: در روز عاشورا، وقتی پدرم را کشته و به خون آغشته دیدم و مشاهده کردم که فرزندان آن حضرت با برادران و عموهای خود به شهادت رسیده اند و از سوی دیگر زنان و خواهران را مانند اسیران روم و ترک مشاهده کردم، فوق العاده نگران و ناراحت شدم و سینه ام تنگی کرد و نزدیک بود که روح از بنم جدا شود.

همین که عمه ام زینب مرا بدین حال دید، گفت: ما لی اراک تجود بنفسک یا بقیة جدی و ابی و اخوتی؛ ای یادگار جد و پدر و برادرانم! تو را چه شده است؟ می بینم که نزدیک است قالب تهی کنی! از مشاهده این منظره دلخراش بی تابی مکن. به خدا قسم این (شهادت) عهدی است که خدا با جد و پدرت کرده است. خدا از مردمی که ستمکاران آنان را نمی شناسد، ولی در آسمانها معروف هستند، تعهد گرفته است که ایشان این اعضای پاره پاره و جسدهای غرقه به خون را به خاک بسپارند. لهذا لطف علماً لقبی ابیک سید الشهداء لایدرس اثره و... در این سرزمین برای قبر پدرت بیرقی برافرازند که اثر آن از بین نخواهد رفت و به آمد و رفت و شب و روزها محو نخواهد شد. پیشوایان و رهبران کفر و پیروان گمراه آنان، برای از بین بردن آن قبر فعالیت ها می کنند، ولی تلاش آنها جز بر عظمت آن قبر نخواهد افزود (کامل الزیارات ص ۲۶۲)

^{۸۲} . شیخ مفید ، الاختصاص ص ۳۰

^{۸۳} . طوسی ، امالی ج ۱ ص ۵۳ : امام صادق علیه السلام فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید و امر ما را زنده کنید

- رفت و آمد و زیارت پیوسته فرشتگان آسمانی به کربلا و این که پس از زیارت تربت مزار امام حسین را برای اهل بهشت می برند.^{۸۴}

- روایاتی که به زیارت تاریخی پیامبران از کربلا و بعضا به زیارت پیاده انان اشاره دارد.^{۸۵} و مثل روز روشن است که این پیاده روی نشانی از آینده دارد. چرا که طبق پیشبینی های پیامبر و اهلبیت، ظهور امام زمان در روز عاشورا و در شهر مکه رخ می دهد. و پس از ظهور امام به تثبیت دولت خود در حجاز می پردازد^{۸۶} و پس از آن راهی عراق می گردد. و مقصدش کوفه و کربلا است.

بدین جهت پیاده روی اربعین سلوکی است در امتداد و در انتظار سلوک های عظیم و فرهنگ ساز:

سلوک های زمینه ساز پیاده روی	سلوک های اربعین ساز	سلوک های ملکوتی پیوسته	سلوک آینده ساز
زیارت های تاریخی پیامبران از کربلا	زیارت کاروان اسارت زیارت جابر و عطیه	زیارت پیامبر و معصومین ^{۸۷} زیارت پیوسته فرشتگان	حرکت امام مهدی همراه لشکریانش به سوی کربلا

^{۸۴} . وسائل الشیعه: ۴۰ ، ص ۱۰۳۳ ؛ جواهر الکلام: ۱۰ ، ص ۴۰۵ .

^{۸۵} . مانند زیارت حضرت ادم (العوالم، الامام الحسین، ص ۱۰۱، ح ۱) و زیارت اسماعیل (بحار ج ۴۴ ص ۲۴۴) و زیارت حضرت عیسی همراه حواریون (همان)

^{۸۶} . این تثبیت کمی زمان بر است چرا که طبق روایات امام در مکه دومرتبه با شورش اهل مکه مواجه می شود. و در مدینه هم برای تثبیت پیروزی اش و انتقام گیری های تاریخی اش زمان نیاز دارد. پس حرکتش به سوی عراق در زمانی بین عاشورا و اربعین خواهد بود.

^{۸۷} . امام صادق علیه السلام آمده است «ان فاطمه لتحضر لزوار قبر ابنها فتستغفر لهم ذنوبهم» همانا فاطمه سلام الله علیها نزد زائران قبر فرزندش حاضر می شود و از خداوند برای گناهانشان طلب مغفرت می کند(کامل الزیارات ۲۳۲)

بخش دوم:

اربعین در تاریخ تشیع

(از اربعین اهل بیت تا اربعین شیفتگان اهل بیت)

درآمد:

امامان معصوم پس از عاشورا و بر بنیان آن در دورانی ۲۰۰ ساله تلاش کردند تا با محوریت زیارت به فرهنگ سازی جامعه شیعه پردازند. در آخرین مرحله از این فرهنگ سازی و در آستانه دوران غیبت، اربعین با رویکرد نمادین و با عنوان شعار فرهنگی به جامعه شیعه معرفی گردید. ولی از آنجا که اربعین تابعی از عاشورا و وابسته به آن بود، بدیهی بود که تا عاشورا تبدیل به رمز هویت تشیع نگردد، زمینه ای برای تحقق و به عینیت رسیدن فرهنگ اربعین نخواهد بود.

در دوران غیبت صغری جامعه شیعه شاهد اوج فشارها و آزارها بود. با آغاز دوران غیبت کبری، و با قدرت گرفتن تدریجی شیعیان از جهت اجتماعی و سیاسی، آنها تلاش های تاریخی خود را برای تبدیل غدیر و عاشورا به شعائر شیعی آغاز کردند. آنان در آغازین قدم سعی در معرفی این روزها به عنوان زوهای خاص و مقدس پرداخته و سپس به فرهنگ سازی برای آن پرداختند.

آشکار سازی و برنامه ریزی منسجم برای این تلاش ها در دوران حکومت آل بویه در قرن ۴ و ۵ هجری قمری صورت گرفت که این روزها برای اولین مرتبه در جهان اسلام و حتی در شهر بغداد مرکز خلافت تعطیل رسمی گردیدند. و نقطه شکوفایی این فرایند که عاشورا و غدیر را تبدیل به فرهنگی رسمی می نماید و بدان رویکرد تمدن سازی می دهد، حکومت شیعی صفویه (در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری قمری) است. پس فرهنگ سازی برای عاشورا و غدیر فرایندی به طول ۱۰ قرن می یابد که ناشی از قدرت و ضعف سیاسی جوامع شیعی است.

و سرانجام پس از تثبیت غدیر و عاشورا به عنوان شعار و شعائر رسمی شیعی است که بسترها برای فرهنگ سازی زیارت اربعین فراهم می گردد. و فرایند ایجاد و نهادینه شدن و گسترش این فرهنگ خود حکایتی مستقل دارد که در این فصل گزارشی اجمالی از آن ارائه می گردد.

از زیارت پیاده حسینی تا زیارت اربعینیه:

پس از گسترش روایات اهل بیت درباره توصیه شیعیان به زیارت کربلا، در دوران خلافت اموی و عباسی زیارت کربلا عمدتاً به صورت پیاده ولی به صورت پراکنده و گاه به صورت پنهانی صورت می گرفت. چرا که در بیشتر این ۶ قرن خلفا مایل به رواج فرهنگ شیعی زیارت در محدوده حاکمیت خود نبودند به ویژه که در دوران خلافت پانصد ساله عباسیان، کربلا در مجاورت بغداد پایتخت خلافت عباسی قرار داشت و با رشد و فرهنگ شدن پیاده روی زیارت به کربلا، مکتب و جامعه شیعه تقویت می گردید و بنیان های اجتماعی خلافت آنان به لرزه می افتاد.^{۸۸}

پس از سقوط خلافت عباسی توسط مغول و پیدایش اولین حکومت های محلی شیعی در قرن هفتم و هشتم، بتدریج گزارش هایی پراکنده از زیارت های اشکار و بعضاً جمعی از کربلا که می توانسته بعضاً در اربعین هم باشد توسط علما آن دوره به چشم می خورد که بعضاً به صورت پیاده روی (از نجف به کربلا یا بغداد به کربلا یا حله به کربلا در زمان سید بن طاوس) صورت گرفته است. این رویداد بیانگر آغاز تلاش های اجتماعی برای فرهنگ سازی پیاده روی به سوی کربلا (خصوصاً از شهر شیعه نشین نجف که مهمترین مرکز مهمترین حوزه علمیه شیعه در عراق بوده است می باشد. این رویداد در زمان حاکمیت موقت صفویه بر عتبات می رفت روندی روبه رشد بیابد. ولی به علت اقتدار و حاکمیت خلافت عثمانی (از اهل سنت) بر کشور عراق و گهگاه غلبه سیاست های ضد شیعی در میان خلافت پانصد ساله آنان و بعدها تقویت این وضعیت با رخداد حملات و هابیت^{۸۹} (معاصر با پیدایش قاجار)، تلاش های جامعه شیعه در عراق برای به بار نشستن فرهنگ سازی برای پیاده روی (به طور عام و برای اربعین به طور خاص) با کندی پیش می رود.^{۹۰}

و نکته ارزشمند در زمینه این فرهنگ سازی های تدریجی برای پیاده روی به سوی کربلا، استقلال آن از تلاش های سیاسی و وابستگی کامل آن به تلاش های فرهنگی و اجتماعی حوزه علمیه نجف است که به آن معنویت خاصی می بخشد.

^{۸۸} . در حقیقت دشمنان تاریخی کربلا و مزار امام حسین (ع) عبارتند بوده اند از: امویان

منصور و هارون (۱۹۳ ق) و متوکل عباسی (۲۳۶ ق) حملات و هابی ها در ۲۰۰ سال پیش (۱۲۲۶ ق)

صدام و بعثی ها
القاعده و داعش

^{۸۹} . در سال ۱۲۱۶ هجری قمری

^{۹۰} . در این زمان فرهنگ سازی برای زیارت پیاده به سوی مشهد مقدس مورد توجه قرار گرفت (زیارت شاه عباس با شیخ بهائی و علما به مشهد ۱۰۰۹ ق)

حوزه نجف اشرف پس از پیدایش توسط شیخ طوسی دارای دوره های تاریخی متعدد است. به گونه ای در زمان حمله مغول تحت الشعاع حوزه علمیه شهر حله عراق است. و در دوران صفویه تحت الشعاع حوزه اصفهان است. و پس از سقوط صفویه موقتا تحت الشعاع حوزه علمیه کربلا است. و در نهایت در قرن ۱۳ هجری قمری با مهاجرت تدریجی علمای بزرگ از ایران دوباره تقویت و احیا می گردد. سرآمد احیاگران حوزه در دوره جدید و از نظریه پردازان بزرگ شیعه (در نیمه های قرن ۱۸ میلادی) شیخ انصاری است که (پس از زعامت کاشف الغطا و صاحب جواهر)^{۹۱} به زعامت و مرجعیت شیعه می رسد و شهر نجف را پایگاه تشیع قرار می دهد. از این زمان به بعد اولین گزارش ها درباره پیاده روی اربعین ثبت شده است. و از این تاریخ است که تاریخ ۱۵۰ ساله فرهنگ پیاده روی اربعین در جامعه شیعه (با تمرکز بر پیاده روی علما و طلاب حوزه از نجف به کربلا) شکل می گیرد. در این ۱۵۰ سال، هر گاه خلافت عثمانی و یا حکومت های سکولار پس از آن که در عراق، در ضعف باشند، شاهد رشد و شکوفایی فرهنگ پیاده روی و خصوصا پیاده روی اربعین هستیم و در غیر این صورت کم رنگی آن بوده و بلکه گاه شاهد مقابله و مواجهه مستقیم و یا غیر مستقیم دشمنان تشیع با آن هستیم.

گاه شمار فرهنگ سازی پیاده روی اربعین:

گزارشی اجمالی از تاریخ ۱۵۰ ساله فرهنگ سازی اربعین توسط حوزه علمیه نجف و با محوریت مراجع ایرانی این حوزه (و رویدادهای موازی موثر بر آن) چنین است:

سال / وضعیت سیاسی	عالم و مرجع زمانه	رویداد
نیمه دوم قرن ۱۳ هجری در خلافت عثمانی	شیخ انصاری	ترویج پیاده روی به کربلا
اواخر قرن ۱۳ و اوائل قرن ۱۴	محدث نوری	تضعیف پیاده روی به علت انتقال حوزه از نجف به سامرا در زمان میرزای شیرازی، بدین جهت پس از رحلت میرزا، محدث نوری سعی در احیا و تقویت آن نمود.
اوائل قرن ۱۴ قمری	آخوند خراسانی	مرجع بزرگ مشروطیت که گاه همراه شاگردان پیاده به کربلا می رفت
نیمه قرن ۱۴ قمری	میرزای نائینی	تلاش رضا خان برای محو فرهنگ حسینی در ایران

^{۹۱} . آن دو بزرگوار از مراجع عراقی و عرب زبان شیعه بودند. ولی پس از آن تقریبا اکثر مراجع بزرگ جهان تشیع که اغلب هم زعامت عامه یافتند از ایران هستند. به گونه ای که امروزه در جوار حرم علوی و حتی در حائر حسینی بیشتر علمایی که مدفون هستند ایرانی هستند.

<p>و در مقابل تلاش علمای ایرانی در نجف برای رواج پیاده روی به کربلا برای نشان دادن جایگاه نمادین کربلا در فرهنگ شیعه، و گزارش های متعدد از حضور مراجع بزرگ در پیاده روی به کربلا جهت حفظ شعائر تشیع</p>	<p>غروی اصفهانی (کمپانی) و ...</p>	<p>(سقوط امپراطوری عثمانی)</p>
<p>فراگیر شدن و فرهنگ شدن اربعین در میان جامعه شیعه جنوب عراق و نقش آن در ختنی سازی تبلیغات کمونیست ها و ملی گراهای بعثی در میان جامعه شیعه</p>	<p>سید محسن حکیم</p>	<p>اواخر قرن ۱۴ قمری (دهه چهل شمسی معاصر حاکمیت پهلوی دوم در ایران و کمونیست ها در عراق)</p>
<p>اهتمام ویژه آیت الله شاهرودی به پیاده روی کربلا تا بدان حد که گفته شده تا ۴۰ مرتبه پیاده به کربلا رفت + فراگیری پیاده روی اربعین در حوزه نجف تبدیل شدن اربعین به یک جریان اجتماعی و گاه تجمع یک میلیونی از زائران شیعه در کربلا</p>	<p>آیت الله شاهرودی + آیت الله مرعشی نجفی علامه محسن امین عاملی علامه امینی</p>	<p>۱۳۸۷ قمری ۱۹۶۸ میلادی قدرت گیری و کودتای بعثی ها در عراق^{۹۲}</p>
<p>اربعین تبدیل به مهمترین حضور اجتماعی شیعی با محوریت حوزه علمیه نجف شده بود. بدین جهت بعثی ها به سرعت به مصاف آن آمدند تا با جلوگیری از پیاده روی اربعین شروع به محو تدریجی شعائر و شعارهای و هویت شیعی عتبات عالیات و شیعیان جنوب عراق پردازند.</p>	<p>آیت الله خوئی آیت الله سید باقر صدر</p>	<p>تثبیت حکومت بعثی ها</p>

^{۹۲} . حزب عربی سوسیالیستی بعث (به عربی: حزب البعث العربی الاشتراکی) یک حزب سیاسی بود که توسط میشل عفلق، صلاح الدین البیطار و زکی ارسوزی در سوریه تاسیس شد. بعثیسم، آمیزه‌ای از ناسیونالیسم عربی، پان عربیسم و سوسیالیسم بود. بعثیسم خواهان رنسانس و رستاخیز و یکی شدن جهان عرب به یک کشور است. شعار آن «اتحاد، آزادی، سوسیالیسم» (وحد، حریه، اشتراکیه) خواهان اتحاد عربی، و آزادی از قید کنترل و دخالت غیر اعراب است. بعث به جدایی دین از سیاست معتقد است و اهمیتی که به اسلام می‌دهد صرفاً از دیدگاه قومی و فرهنگی است. گفتمان بعثیسم از پس بحرانی عمیق در جهان عرب پدید آمد که «چندپارگی اعراب»، «تسلط امپریالیسم اروپایی» و «فشار استبداد داخلی» سه ضلع این بحران را تشکیل می‌دادند. در چنین شرایطی منطقی به نظر می‌رسید که حزب بعث گفتمان خود را پیرامون سه دال اساسی «وحدت، آزادی، سوسیالیسم» (الوحد، الحریه، الاشتراکیه) مفصل‌بندی کند

تصاویر تاریخی از دوره اول پیاده روی اربعین:





عکس علمای موثر در فرهنگ سازی پیاده روی اربعین درحوزه علمیه نجف:

محدث (میرزا حسین) نوری:



شیخ مرتضی انصاری:



آیت الله سید باقر صدر



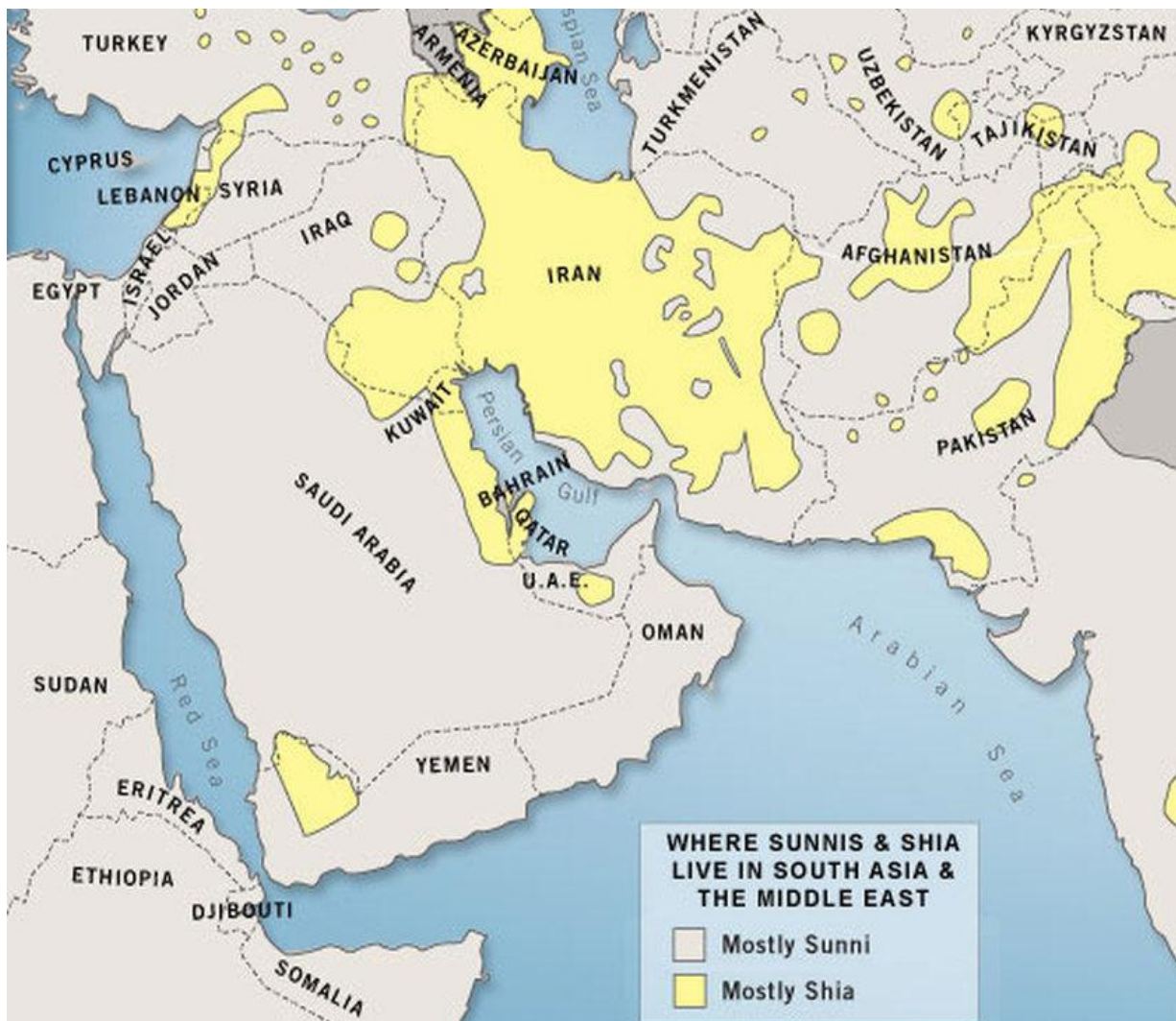
آیه الله سید محمود شاهرودی:



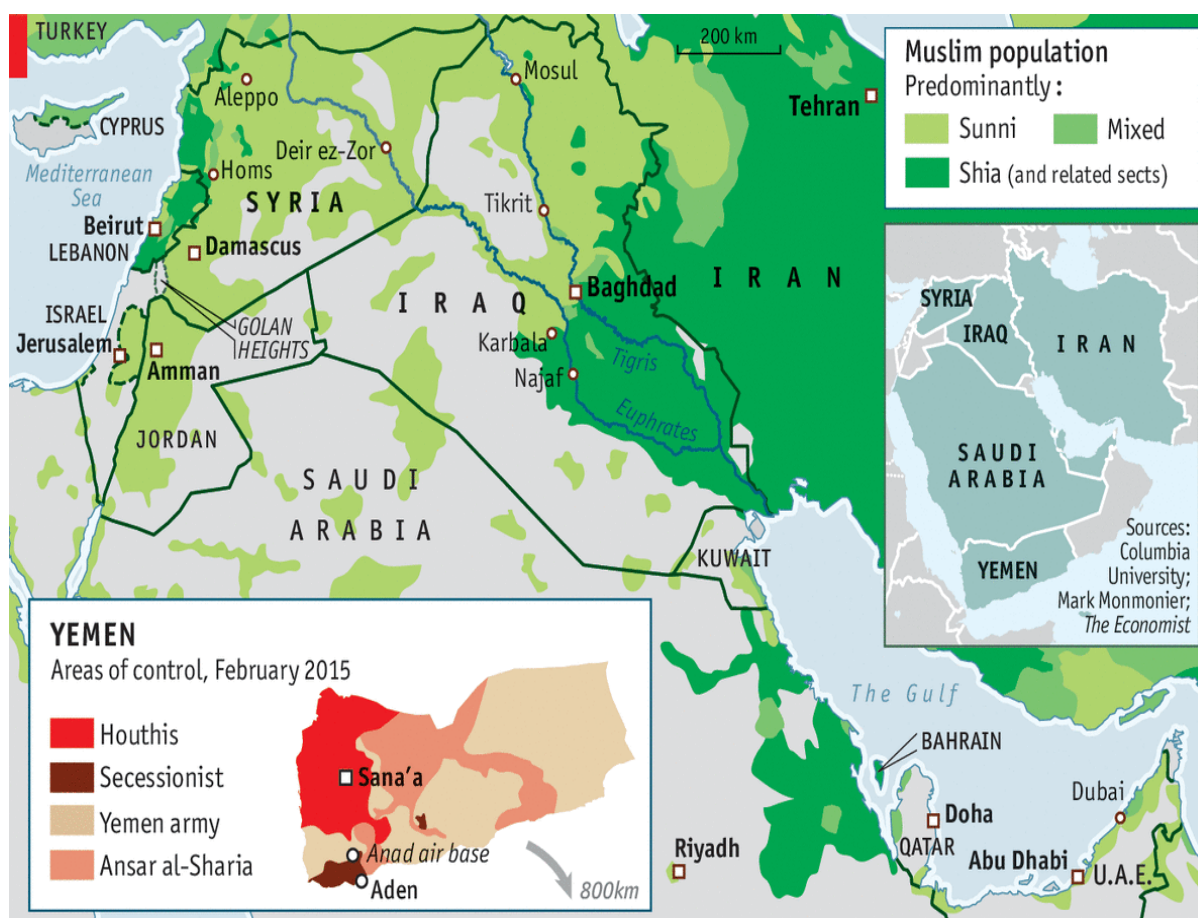
دشمنان اربعین در قرن بیستم میلادی:

پس از به قدرت رسیدن بعثی ها و تثبیت قدرت به کمک ابرقدرت های شرق و غرب در آن دوره، آنان قصد تبدیل عراق به کشوری با ارزش های عربی داشتند. و مهمترین مانع در برابر آنها، جامعه شیعه بود که دارای هویت فرهنگی مستقل و غنی ای بود و نه زیر بار چپ گرایی و نه غرب زدگی و حتی زیر بار عربیت گرایی نمی رفت. در این سال ها، خصوصا پس از اشفته بازار انحراف مشروطیت و ان گاه حاکمیت رضاخان در ایران، جمعیت قابل توجهی از متدینین ایرانی به عراق کوچ کرده و ساکن شهرهای مقدس کربلا و نجف (و حتی کاظمین) شده بودند. و حضور آنان در عتبات باعث پیدایش جامعه ای متنوع اما پویا و با نشاط و بر محور عشق به اهل بیت در این مناطق شده بود.

در نقشه زیر مناطق شیعه نشین جهان اسلام با محوریت ایران و عراق را مشاهده می کنید:



و در نقشه زیر که دقیق تر است شدت در هم تنیدگی و آمیختگی شیعه ایران و عراق را می بینید.



بدین جهت پس از ورود استعمار به منطقه و مشاهده روابط اجتماعی و فرهنگی عمیق این دو ملت، آنان به وحشت افتاده و تلاش کردند با روی کار آوردن نوکران خود در دو کشور (رضاشاه در ایران و کمونیست ها و سپس بعثی ها در عراق) به فاصله افکنی بین این دو ملت پردازند.

ناظر به این سیاست ها بود که پس از قدرت گیری بعثی ها در عراق و تسلیح نظامی ان توسط شرق و غرب و با همکاری سران مرتجع عرب منطقه به سرعت طرح های ضد شیعی و ضد همگرایی شیعیان در عراق به اجرا گذاشته شد.

و آنان که همگرایی عرب و عجم بر محوریت عشق به اهل بیت سدی بزرگ در برابر برنامه های قومیت گرایی اشان بود سعی کردند با اجرای برنامه های متعددی ابتدا به تضعیف روابط جامعه شیعه ایرانی با جامعه شیعه عرب عراق پرداخته و در ادامه پس از اجرای طرح هایی برای تضعیف مرجعیت شیعه در نجف (مانند آزار رسانی و ایجاد حصرهای موقت برای ایت الله حکیم و اخراج امام خمینی)، در نهایت

برای نابودی پیاده روی اربعین با تمام قوا وارد میدان شوند. گزارش اجمالی رویدادهای آن دوران که در نهایت بستر ساز تجاوز ظالمانه بعثی ها به شیعه عراق و ایران شد، چنین است:

بعثی ها و سیاست های شیعه زدائی در عراق تا استانه جنگ تحمیلی		
سال	رویداد	هدف
۱۳۹۰ ق ۱۳۵۰ ش	صدور رسمی اولین دستور ممانعت از پیاده روی و اولین واکنش های رسانه ای به حضور مردم در پیاده روی +	تلاش برای تخریب و تضعیف هویت جمعی شیعه در عتبات که بر محور همگرایی شیعیان عراقی و ایرانی و هندی و افغانی و ... بود.
۱۳۹۵ ق ۱۳۵۴ ش	شروع اولین درگیری ها در مواجهه با زوار اربعین	جلوگیری از شعائری که به هویت جمعی شیعه کمک کرده و سرمایه اجتماعی جامعه شیعه می بود.
۱۳۹۶ ق ۱۳۵۵ ش	توسعه دادن دامنه مقابله با پیاده روی با ایجاد رعب و وحشت	تلاش برای تعطیلی اربعین با جنگ نرم
۱۳۹۷ ق ۱۳۵۶ ش	پس از احساس خطر مردم و حوزه نجف (و مناطق اطراف) از نقشه های ضد شیعی بعثی ها، آنان به راه اندازی بزرگترین پیاده روی اربعین ^{۹۴} در این سال می پردازند ولی این پیاده روی با برخورد نظامی بعثی ها (در میانه راه و در شهر کربلا) منجر به اولین اربعین خونین می گردد.	اشکار سازی سیاست های ضد شیعی
۱۳۹۸ ق ۱۳۵۷ ش	اخراج امام خمینی از عراق دومین موج اخراج ایرانی ها از عراق	تلاش برای تضعیف حوزه نجف و تضعیف عقبه جامعه شیعه عراقی (با

^{۹۳} این اخراج ها در آغاز متوجه ایرانی ها ساکن عراق بود ولی بتدریج متوجه فعالان شیعی عرب هم گردید. بدین جهت به مدت ۲۰ سال موج مهاجرت نخبگان و فعالان مذهبی شیعه عراقی به ایران و سراسر جهان آغاز گردید. این جریان استعماری با هدف تخریب تشیع صورت گرفت. ولی بازتاب معکوسی بر جای گذاشت. و با انتشار شیعیان عرب و یا متأثر از فرهنگ عافی عراقی، باعث ترویج و گسترش شعائر حسینی و مراکز شیعی در ایران و کشورهای دنیا گردید.

^{۹۴} به دنبال بخشنامه رسمی رژیم بعث، مینی بر ممنوعیت زیارت پیاده کربلا در سال ۱۳۹۷ قمری مردم با زمینه سازی برای مقابله با رژیم، حرکت عظیمی را پی ریزی کردند و نیروهای دولتی نیز با به کارگیری تانک ها، زره پوش ها و هواپیماها، راه پیمایی زائران پیاده حسین(ع) را در مسیر (نجف - کربلا) در هم کوبیدند و هزاران نفر را بازداشت کردند

<p>اخراج جامعه شیعه ایرانی) و جدیت خونین در به تعطیلی کشاندن اربعین</p>	<p>+ بزرگترین قتل عام شیعیان در میانه راه پیاده روی و در نزدیکی کربلا با هواپیما و تانک و توپخانه و شهادت ۱۲۰ نفر از زائران اربعین حسینی</p>	
<p>جلوگیری حتی از نشانه های پنهانی شعائر شیعی</p>	<p>مقابله با آخرین تلاش های شیعیان شهر نجف برای پیاده روی اربعین</p>	<p>۱۳۹۹ ق ۱۳۵۸ ش</p>
<p>نابودی همه مظاهر و شعائر شیعی به ظاهر و آماده شدن برای حمله به ایران بر مبنای ارزش های عربی با کمک سران مرتجع و وهابی منطقه</p>	<p>ممنوعیت رسمی پیاده روی اربعین زیر سایه اختناق و خونریزی به مدت ۲۳ ساله تا زمان سقوط صدام در سال ۱۳۸۱ ش + به شهادت رساندن سید محمدباقر صدر و خواهرش از مراجع بزرگ نجف و از حامیان انقلاب ایران و رهبر شیعیان مبارز عراقی</p>	<p>۱۴۰۰ ق ۱۳۵۹ ش</p>
<p>نشان دادن جدیت در شیعه ستیزی (و حمله به عتبات عالیات پس از انتفاضه شیعیان و سرکوبی شدید آنان)</p>	<p>تلاش های شهید صدر دوم (سید محمدصادق صدر) برای احیای تدریجی اربعین در اواخر حکومت صدام و ناکام ماندن آن پس از شهادت به دست بعثی ها در سال ۱۳۷۷ ش (۴ سال پیش از سقوط صدام)</p>	<p>نیمه دوم دهه ۷۰ شمسی</p>

و بدینگونه با تحریک بعثی ها و با راهبری استکبار، به مدت دو دهه ملت شیعه عراق در مظلومیت و کشتار شدید قرار می گیرد. فرایندی شیعه ستیزانه که دامنه اش ۸ سال (در دوران دفاع مقدس) دامن جامعه شیعی ایران را هم می گیرد. تا این که سرانجام در سال ۱۳۸۱ ش صدام سقوط پیدا می کند.

عراق جدید و حماسه عظیم اربعین

پس از سقوط صدام، به علت وجود گرایش های قوی مذهبی در جامعه شیعه عراق که متأثر از تبلیغات و برنامه های غیر مستقیم حوزه علمیه نجف در دوران اختناق بوده، خیلی زود پیاده روی اربعین به عنوان مهمترین شعار و شعائر شیعی از سوی حوزه و مردم نجف احیا می گردد. و به پس از فروکش کردن درگیری های داخلی در عتبات، به سرعت و برای اولین مرتبه در تاریخ تشیع در عراق، به کمک رسانه های محلی و تبلیغ چهره به چهره شیعیان به دیگر مناطق شیعی عراق توسعه می یابد. خصوصاً که شیعه مستضعف عراق با حضور در این پیاده روی ضمن مشاهده برکات و کرامات متعدد، اولین همگرایی داخلی

و تاریخی خود را هم تجربه می کند. بدین جهت در کمتر از ۵ سال، ناگهان پیاده روی اربعین در جامعه شیعه عراق تبدیل به یک شعار نانوشته رسمی می گردد. و چون در این زمان رفت و آمدهای شیعه ایرانی به عتبات به صورت گسترده (اگرچه غیر رسمی) آغاز شده است، خبر این همگرایی دینی و ایمانی به سرعت به آنها رسیده و با پیوستن جامعه شیعه ایرانی به این حماسه داخلی، پیاده روی اربعین به سرعت رویکردی منطقه ای و حتی جهانی می یابد.

فرایند احیای پیاده روی اربعین در دوران ۱۵ ساله عراق جدید (که پس از قرن ها شاهد حاکمیت دولت ائتلافی با اکثریت شیعیان است) تا تبدیل به حماسه بزرگترین تجمع بشری در طول تاریخ چنین است:

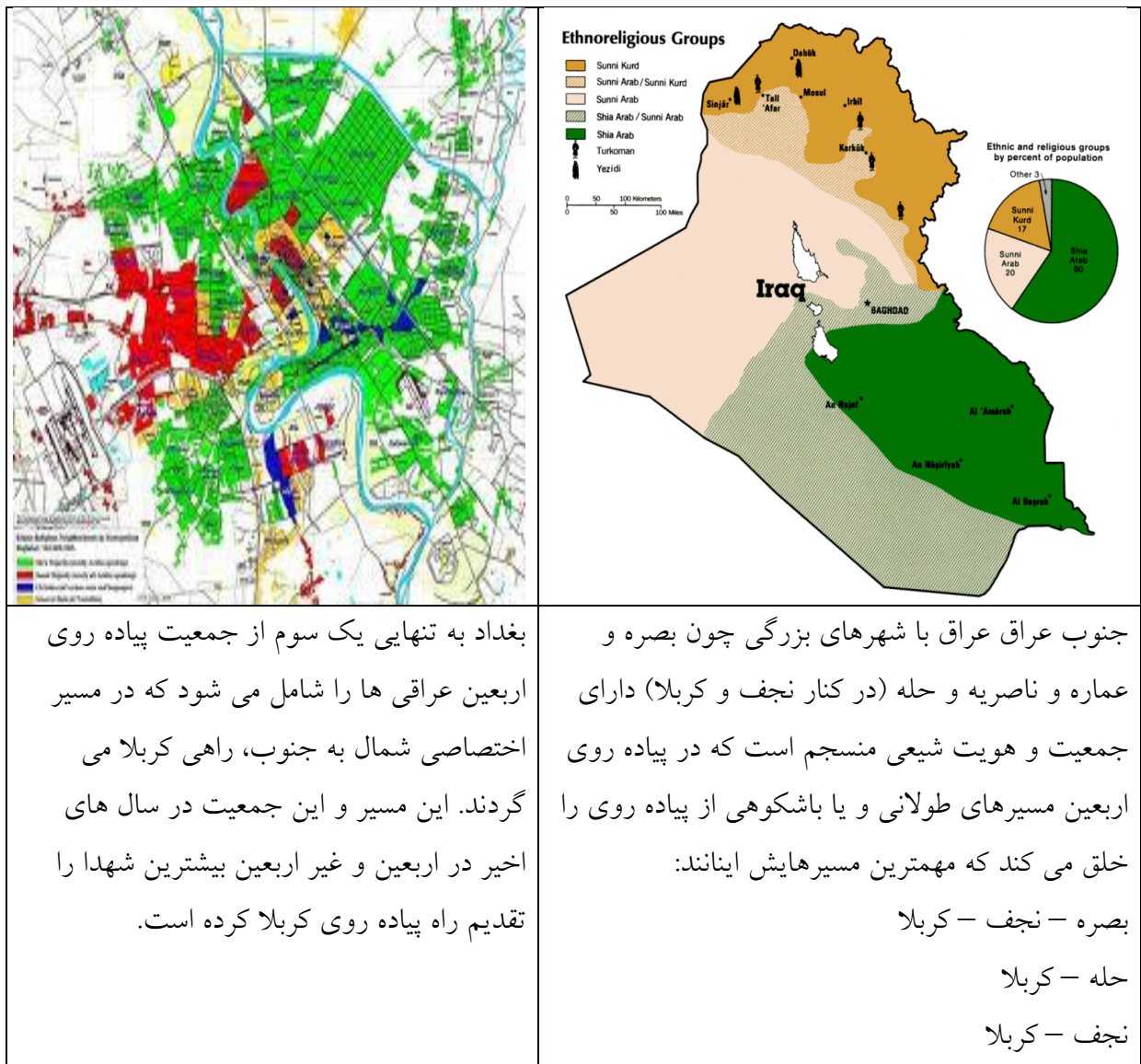
تاریخ	رویداد
۱۳۸۱ ش ۲۰۰۳ م	سقوط صدام و آزادی شیعیان عراق از ظلم و ستم ۲۰ ساله (که مانند ظلم و ستم تاریخی حجاج بن یوسف ثقفی بوده است)
۱۳۸۲ ش ۲۰۰۴ م	رواج سریع فرهنگ و شعائر زیارت در جامعه شیعه عراق به راه افتادن تدریجی امواج زیارت غیر رسمی از سوی شیعه ایرانی
۱۳۸۳ ش ۲۰۰۵ م	درگیری های داخلی عراق و تضعیف موقت شعائر اجتماعی شیعی
۱۳۸۴ ش ۲۰۰۵ م	بازگشت مجدد آرامش در شهرهای زیارتی و آغاز تدریجی پیاده روی به کربلا در اربعین
۱۳۸۵ - ۱۳۹۰ ش ۲۰۰۶ - ۲۰۱۰ م	رشد فزاینده پیاده روی اربعین و خیزش سریع آن به سوی تجمع های میلیونی و نزدیک شدن آمار زوار اربعین به نزدیک ۱۰ میلیون زائر (با اکثریت جامعه شیعه عراقی به وسعت مناطق شیعه نشین جنوب عراق) با وجود تهدیدات گروه های تکفیری وابسته به القاعده با فرماندهی ابومصعب زرقاوی
۱۳۹۱ - ۱۳۹۳ ش ۲۰۱۱ - ۲۰۱۳ م	پس از فراهم شدن تسهیلات برای حضور زوار ایرانی در عراق و صورت گرفتن تبلیغ رسانه ای برای اربعین در میان شیعه عراق، ناگهان آمار پیاده رویها به سرعت از ۱۰ میلیون به ۲۰ میلیون نزدیک گردید این در حالی بود که داعش به صورت ناگهانی در حال پیشروی در عراق بود.

۱۳۹۴ ش	با وجود تهدیدهای داعش ^{۹۵} بزرگترین تجمع بشری، که شامل ۲۵ تا ۳۰ میلیون شیعه از عراق و ایران و دیگر کشورها و بلکه اقلیت های شیعه از سراسر جهان (و برخی غیر شیعیان دوستدار اهل بیت) صورت گرفت که در تاریخ بشریت بی نظیر بوده است.
۲۰۱۴ م	

و این حماسه عظیم عمدتاً بر دوش شیعه جنوب عراق است که در نقشه های زیر مناطق سکونت و گستره جغرافیایی حضورشان که در حقیقت گستره مسیرهای پیاده روی به سوی کربلا است مشاهده می گردد:

شیعه عراق	
<p>بر اساس آمارها عراق بیش از ۲۲ میلیون نفر جمعیت دارد که از این جمعیت، پیشتر از ۶۵ درصد آن شیعه هستند. و امروزه در پایتخت آن بغداد هم تقریباً از جمعیت فراتر از ۹ میلیون نفری اش، دوسوم جمعیت از شیعیان هستند.</p> <p>پیشینه تشیع در عراق به حضور اولین صحابی های شیعی در عراق مانند سلمان فارسی و عمار یاسر و مالک اشتر در زمان فتوحات در عراق باز می گردد. سپس رویدادهای خلافت ۵ ساله امام علی و حادثه کربلا و تبعید امامان شیعه از مدینه به عراق در ۱۰۰ سال پایانی دوران حضور امامان در جامعه، و آنگاه خیل عظیم شاگردان شیعی امامان از کوفه و بصره و بغداد و ... باعث تقویت بنیان های شیعه در سرزمین عراق گردید. و در اوائل غیبت کبری، با تاسیس حوزه علمیه نجف بدست شیخ طوسی، این وضعیت تثبیت گردید. تا این که امروزه شیعه عراق، پس از جمعیت شیعه در ایران و هند، سومین جمعیت بزرگ شیعی در جهان بوده و از جهت فرهنگی، به شهادت حماسه عظیم اربعین، دارای تعلق ارزشی و عاطفی شدید نسبت به مکتب تشیع است:</p>	
جغرافیای تشیع در جنوب و مرکز عراق	جغرافیای شیعه در بغداد پایتخت عراق

^{۹۵} ابوبکر بغدادی چنین پیمانیه داده بود که: «چند سالی است که حضور شیعیان در اربعین رشد کرده. ما امسال با تمام قوا وارد عمل خواهیم شد و در اربعین امسال، همانند عاشورای ۶۱ هجری، تمامی شیعیان را به خاک و خون می کشیم! ...» (زیارت حسین (حضرت سیدالشهداء(ع)) در اربعین، نماد اتحاد شیعیان شده است و ما باید به این اتحاد و همدلی ضربه ای اساسی وارد کنیم».



بغداد به تنهایی یک سوم از جمعیت پیاده روی اربعین عراقی ها را شامل می شود که در مسیر اختصاصی شمال به جنوب، راهی کربلا می گردند. این مسیر و این جمعیت در سال های اخیر در اربعین و غیر اربعین بیشترین شهدا را تقدیم راه پیاده روی کربلا کرده است.

جنوب عراق عراق با شهرهای بزرگی چون بصره و عماره و ناصریه و حله (در کنار نجف و کربلا) دارای جمعیت و هویت شیعی منسجم است که در پیاده روی اربعین مسیرهای طولانی و یا باشکوهی از پیاده روی را خلق می کند که مهمترین مسیرهایش اینانند:

بصره - نجف - کربلا

حله - کربلا

نجف - کربلا

و امروز مراسم پیاده روی اربعین که در حدود ۲۰ روز از اول صفر تا یکی دو روز بعد اربعین رخ می دهد اجتماعی است که به گزارش های بین المللی بسیاری از رکوردهای تاریخی (رکوردهای گینسی) را شکسته است. و در حالی که این رویداد هر ساله به مدت یک ماه ملت و دولت عراق را با وضعیت ویژه و شرایط خاص (از تعطیلی بسیاری از فعالیت های جاری و عمومی و دولتی تا تحمیل برخی هزینه ها و ...) مواجه می کند، ولی در برابر شاهد هستیم که این رویداد هر ساله با حضور پر رنگ شیعه (ملت و دولت) عراق به رکورد شکنی بیشتری می پردازد. نمونه ای از این رکوردها چنین است:

- بزرگترین تجمع بشری^{۹۶} در فضای آکنده از تهدید تروریست ها

^{۹۶} . در رکوردهای گینس تنها جمعیت نزدیک به ۳۰ میلیون نفر در ۱۰ فوریه ۲۰۱۳ برای مراسم مذهبی کومیه میلا در الله آباد، هند است که اجتماعی اربعین حسینی در سال ۲۰۱۴ از آن عبور کرده و پیش بینی می شود در سال ۲۰۱۵ بیسابقه ترین تجمع عظیم بشری در کربلا و مسیرهای منتهی به آن صورت بگیرد. نکته ای دیگر که در این نسبت سنجی باید دقت شود. جمعیت نزدیک به ۳۰ میلیون نفر هندو در الله آباد هند از جمعیت نزدیک به یک میلیارد هندو است در داخل یک کشور واحد و با کمترین هزینه ها است. ولی در تجمع اربعین، جمعیت ۳۰

- بزرگترین در صد تجمع ملیونی یک دین و مذهب (چرا که ۳۰ میلیون شیعه از آمارکلی شیعه جهان که نزدیک به ۳۰۰ میلیون هستند، در اربعین حضور می یابند که تقریباً یک دهم جمعیت شیعیان دنیا در این تجمع حاضر می گردند.
- مسافت های طولانی پیاده روی:
 - پیاده روی ۸۰ کیلومتری نجف
 - پیاده روی ۱۰۰ کیلومتری بغداد
 - پیاده روی ۶۰۰ کیلومتری از بصره تا کربلا (زائران شهرهایی مثل بصره ۱۴ روز پیاده روی تا کربلا) را طی می کنند.
- راهپیمایی شیعی اما با مشارکت فرق و مذاهب دیگر
- راهپیمایی با غلبه جمعیت شیعه عراقی ولی بیش از یک سوم جمعیت از ایران و دیگر کشورها (تا ۸۰ کشور)
- نماز جماعت ۸۰ کیلومتری در مسافت بین نجف تا کربلا
- خدمه مواکب با مقدمات نزدیک یک ماه به صورت افتخاری که نزدیک به ۱۰۰ هزار تا نیم میلیون خدمه افتخاری
- حجم نیروهای مسلح در خدمت امنیت
- طولانی ترین و گسترده ترین سفره اطعام زائران^{۹۷}
- سلامت نسبی زوار چند ده ملیونی در فضای عدم بهداشت، تفاوت سرما/گرمای شبانه روز، تفاوت نژاد و فرهنگ زیستی و معشیتی زائران کشورهای مختلف
- بزرگترین نظم و برنامه ریزی مردمی ای که به علت هدف واحد دارای بالاترین هماهنگی است
- و ...
- و بزرگترین تجمع حضور مردم به صورت خانوادگی

ملیونی از نزدیک به ۳۰۰ میلیون شیعه جهان از مناطق مختلف جمع می گردند و نزدیک به یک سوم ان از خارج عراق به ان کشور می آیند.

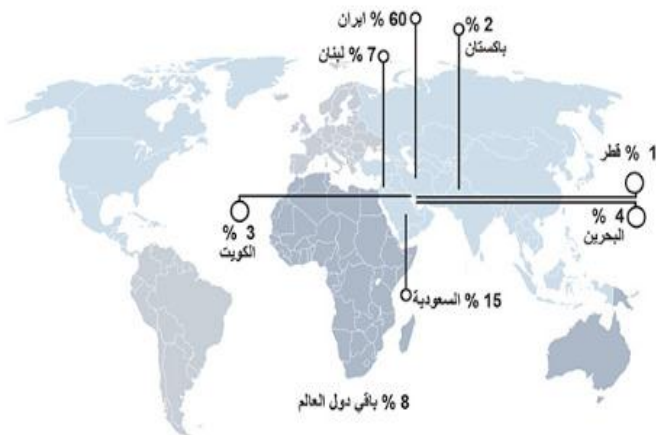
^{۹۷} . برای به دست آوردن بینش بهتر، این را در نظر بگیرید: پس از رخ دادن زلزله هائیتی و با همدردی و حمایت جهانی، اتحادیه جهانی غذا در بهترین حالت توانست به ۵۰۰ هزار نفر غذا رسانی کند. ارتش ایالات متحده عملیات متحدی را به راه انداخت و منابع گوناگونی از آژانس های فدرال را به خدمت گرفت و در نهایت اعلام کرد که در طی گذشت ۵ ماه ازین فاجعه انسانی ۴.۹ میلیون غذا به دست زلزله زدگان رسیده است حالا این را مقایسه کنید با بیش از ۵۰ میلیون وعده غذایی در هر روز در اربعین، که برابر است با ۷۰۰ میلیون وعده غذایی برای زائران در طی این مدت از زمان

عدد زوار الاربعين لعام 2015

احصائيات بالتفصيل عن زيارة أربعية الحسين (ع)



شعوب من 80 دولة شاركت بالزيارة



و بدین گونه است که پیاده روی سالیانه اربعین در کربلا، بزرگترین تجمع بشری با رویکر مسابقه در ارزشهای انسانی و فضائل اخلاقی است که تاکنون بشریت به خود دیده است.

اربعین های جهان شیعی:

پس از نهادینه شدن اربعین به عنوان علامت و نماد و شعار شیعه در عراق در قرن ۱۹ و سپس ۲۰ میلادی و انتشار تدریجی خبر آن به دیگر مناطق شیعه نشین، در قرن بیستم میلادی، برخی از تحولات سیاسی موجب بازسازی این مراسم در برخی مناطق شیعه نشین گردید. و البته این بازسازی ها در اغلب موارد ریشه در یک مظلومیت تاریخی جوامع شیعه داشته و با هدف مبارزه نمادین با جریان استضعاف تشیع صورت گرفته است. گزارشی از اربعین های شیعی تا پیش از احیای اربعین در عراق چنین است:

- اربعین شیعیان زنگبار به صورت ملیونی و با هدف احیای تشیعی که در دهه ۷۰ میلادی مورد هجوم کمونیست ها قرار گرفت^{۹۸}

- یادواره پیاده روی اربعین حسینی در شهر مقدس قم^{۹۹} در دوران تعطیلی آن در عراق در طول حاکمیت نظام بعثی

البته امروزه در اوائل هزاره سوم میلادی و در یک دهه اخیر گونه ای دیگر از بازسازی های اربعینی در جغرافیای تشیع صورت گرفته است. که هدفش توجه به پیام روایتی از امام عسکری، یعنی ابراز وجود و

^{۹۸} . در سال ۱۹۶۴ «عبید کرومه» در زنگبار به قدرت رسید و یک رژیم مارکسیستی - لنینیستی را برقرار کرد و از همان ابتدا و حتی پس از اتحاد با تانزانیا حکومت رعب و وحشت را در زنگبار برقرار کرد. در ابتدای حکومت او، به اخراج ایرانیان و شیعیان و مصادره اموال و حسینیه های آنها به بهانه عمومی کردن دارایی ها پرداختند و اموال اعراب و شیعیان را به تاراج بردند. هزاران عرب و هندی که از قرن ها پیش در این جزیره اقامت داشتند، اموالشان توسط رژیم کرومه مصادره شد و آنها ناگزیر به ترک زنگبار شدند. او در دوران حکومتش اعراب، هندی ها و دیگر اقوام غیرسیاهپوست که هنوز در زنگبار سکونت داشتند را لحظه ای آسوده نگذاشت و با دستورات غیر انسانی و تبعیض آمیز، زندگی را برای آنها به کابوس تبدیل کرده بود و حتی آنها را مجبور کرده بود تا دختران نوجوانشان را به ازدواج سیاهپوستان سالمند درآورند. برخی از مدارس و اماکن شیعی را مصادره و به بهانه آموزش در اختیار مدارس بومیان این کشور قرار دادند. مسجد قدیمی شیعیان و مقبره برخی از مبلغین و علمای ایرانی توسط کمونیست ها ویران شد. فجیع ترین جنایت کمونیست های زنگبار کشتار شیعیان «خوجه» در مراسم اربعین ۱۹۶۴ میلادی بود که باعث شد رفته رفته شیعیان هندی و ایرانیان که جمعیتشان بیش از ده هزار نفر بود، از این جزیره کوچ کرده و به دارالسلام و دیگر کشورها مهاجرت کنند. [۳۲]

سرانجام در روز هفتم آوریل سال ۱۹۷۲ میلادی عبید کرومه در یک سوءقصد کشته شد و اقلیت های قومی زنگبار تا اندازه ای از فشار حکومت سیاهپوستان رها شدند. با این حال شیعیان برای آن که امکان موجود فعلی را از دست ندهند، هر ساله با برپایی مراسم چهلم، اقدام به بازگشایی این حسینیه ها می کنند تا بهانه دولت لائیک برای مصادره احتمالی آنها را بگیرند. از این جهت، شیعیان در این ایام با حضور در تعزیه خانه حسینی و محفل حضرت ابوالفضل العباس(ع) محفل شاه خراسان، محفل بی بی فاطمه و مسجد حجت و ثقۀ الاسلام، به نوحه خوانی و سینه زنی می پردازند و با پذیرایی و دادن نذر به شیعیان و مردم محلی، یاد و خاطره اربعین باشکوه زنگبار را در اذهان زنده می کنند.^{۹۹} از آنجا که نهادینه سازی فرهنگ اربعین در عراق با همت حوزه علمیه نجف و مردم نجف (و میزبانی مردم کربلا) صورت می گرفت. پس از تعطیلی مراسم اربعین در عراق و اخراج جمع بسیاری از شیعیان نجف، جمعی از آنان و خصوصا علما در شهر مقدس قم ساکن شدند. و پس از مدتی به احیای پیاده روی اربعین در مسافت بین جمران تا حرم مطهر حضرت معصومه (س) پرداختند. از کسانی که به این مراسم در سال های گذشته اهتمام داشتند مجلس اعلاى اسلامی عراق و لشکر بدر و عراقی های تبعیدی توسط صدام در انتفاضه ۱۹۹۳ بودند. پس از سقوط صدام و بازگشت مجاهد شهید سید محمدباقر حکیم و لشکر بدر و شیعیان نجفی به عراق، آنان دوباره پایه گذاران اربعین جدید در عراق بودند.

حضور و پویایی شیعیان در مناطق گوناگون از جهان اسلام است. انجام این رویداد توسط شیعیانی که توفیق حضور در پیاده روی اربعین را نیافته اند، تلاش به ابراز همراهی با حماسه اربعین در عراق و تلاشی برای شبیه سازی آن در مناطق مستعد با هدف به نمایش گذاشتن زیبایی های تشیع بر بستر نظام اجتماعی ایثارمحور اربعین است. نمونه هایی از این شبیه سازی ها عبارتند از:

- مراسم اربعین شیعیان در نیجریه
- مراسم اربعین شیعیان پاکستان در برخی شهر ها مانند کراچی و راولپندی
- مراسم شیعیان گرجستان در شهر مارنئولی^{۱۰۰}



^{۱۰۰} . در کشور ۴ میلیونی مسیحی گرجستان نزدیک به ۴۵۰ هزار مسلمان وجود دارند که در حدود ۳۰۰ هزار آنان شیعه اذری هستند. و مارنئولی بزرگترین شهر شیعه نشین در ۳۰ کیلومتری جنوب پایتخت، تفلیس است. در ۵ کیلومتری ان مزاری منسوب به قیس بن سعد بن عباد از سرداران امام علی و دشمنان معاویه وجود دارد. و اینک دوسالی است که شیعیان ان شهر در اربعین به صورت پیاده و سواره خود را به کنار ان مزار رسانده و به سوگواری برای سالار شهیدان کربلا می پردازند.



سخن پایانی:

اربعین همانگونه که توسط امام عسکری، آخرین امام حاضر در جامعه شیعه، به عنوان علامت شیعه معرفی شد، در تجربه فرهنگ سازی شیعه در دوران غیبت کبری هم از آخرین شعائر فرهنگی است که در جامعه شیعه بروز و نمود یافته است. و در مقایسه با تلاش های مستقیم امامان معصوم برای فرهنگ سازی پاسداشت روزهایی مانند عاشورا و غدیر، ماموریت تاریخی فرهنگ سازی برای اربعین به علمای شیعه با محوریت حوزه علمیه نجف واگذار گردید. و این حوزه با محوریت علمای شیعه ایرانی در ۱۵۰ سال اخیر تلاشی مستمر برای فرهنگ سازی اربعین در جهان تشیع داشته اند.^{۱۱} ولی از آنجا که شیعیان همانند امامان شیعه با حماسه افرینی در عین مظلومیت همراه هستند، این تلاش ها در ۱۵۰ سال اخیر با دشمنی های بسیاری روبرو بوده است. و جریان هایی اعم از خلافت (عثمانی) تا استعمارگران غربی، ملی گرایان بعثی و یا کمونیسم عربی و در نهایت افراطی های تکفیری همواره سعی در نابودی شعائر حسینی عاشورا و اربعین داشته اند. در ایران رضا خان و در عراق بعثی ها و در هند و پاکستان انگلیسی ها و در جمهوری آذربایجان

^{۱۱} . اهمیت این فرهنگ سازی مستقیم زیر نظر علما و در یک فضای غیر مستقر بیابانی از این جهت است که بتدریج مراسم اربعین تبدیل به سالمترین فرهنگ عزاداری شیعه گردیده که فعلا از هر گونه آسیب و تحریف و انحراف به دور است.

کمونیست ها و ... تلاش کردند تا با کشتار و تعطیلی مراسم های عزاداری ریشه تشیع را بخشکانند. و مراسم هایی مانند اربعین را با خونریزی به تعطیلی بکشانند. ولی اربعین شیعی به پشتوانه ارزش های فطری که دارد نه تنها در جامعه شیعه حفظ گردیده بلکه امروزه چنان رویکرد جهانی یافته است که با وجود سایه سنگین خودسانسوری رسانه های بین المللی و عربی ، می رود که به سرعت راه خود را به سوی جهانی سازی شعارهای فطری کربلا که بستر ساز ظهور است، بگشاید.

بخش سوم:

چشم انداز اربعین در افق انتظار

درآمد:

اربعین، امتدادی است بر عاشورا تا عاشورا در عاشورا نماند و با جریان خود زمینه ساز پیام عاشورا باشد. با این نگاه، اربعینی که به حرکت درآورنده عاشورا است خود مقصد نیست بلکه بهانه ای است برای این که در عاشورا (چونان فرقه های شیعی غیر ۱۲ امامی) دچار توقف و روزمرگی نشویم. پس اربعین خود نیازمند مقصد و چشم انداز است تا بتواند مسیر پویا سازی عاشورا را درست طی کند.

و از زاویه دیگر می توان گفت اربعین به جهت کارکردهای کمال رسان خود، خاصیت اش پرورش پیام های عاشورایی است این پرورش پیام می تواند دو زاویه داشته باشد. یک زاویه غیر معصومانه که فقط از ضرورت با حسین بودن می گوید. و دیگری زاویه روایت معصومانه که از ترجمان روزآمد حسین می گوید.

این دو روایت را در دو متن زیارت اربعین می توان دید. در متن زیارتی که از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده، تنها از امام حسین سخن گفته شده و با ایشان عهد و پیمان بسته می شود. ولی در روایتی که از امام صادق درباره زیارت اربعین هست^{۱۲} با زیارتی مواجه هستیم که با دیگر زیارات سیدالشهدا لحنی متفاوت داشته و در یک سوم پایانی آن، گزاره هایی دارد که به سند چشم انداز اربعین اشارت دارد. که در این فصل سند چشم انداز اربعین از منظر زیارت اربعین و نقش آن در پویا سازی اربعین و فرهنگ اربعین پرداخته می شود.

بازخوانی پیام های آینده گرایانه زیارت اربعین:

برای کشف پیام های آینده گرایانه زیارت اربعین باید به متن زیارت مراجعه مستقیمی داشت. متن زیارت اربعین به روایت امام صادق (ع) در یک سوم پایانی خود چنین است:

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ تِيَابِهَا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وَوَلَدِكَ كَلِمَةُ النَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ

^{۱۲} . برای مطالعه هر دو زیارت نک به جدول مقایسه ای دو زیارت در بخش پایانی این اثر

الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بَيْنَكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَابِكُمْ سَلَامٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ [أَجْسَامِكُمْ] وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»

در این زیارت موارد انتخاب شده به ترتیب ترجمه و تحلیل محتوای اجمالی می گردد تا هدف از بیان این فرازا دانسته گردد:

هدف و نکات	ترجمه	متن
نظام اجتماعی بر محور ولایت	من دوستم با آنان که او را دوست دارند	أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَآلُهُ
گواهی به نظام امامت	گواهی می دهم که امامان از فرزندان	أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِكَ
گواهی به ظهور و رجعت	من به یقین مؤمن به شما، و به بازگشتتان یقین دارم	أَنِّي بَيْنَكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بَيْنَابِكُمْ
تعهد یآوری در مرز بندی روزآمد حق و باطل بر محور امامت (انتظار پویا)	یاری ام برای شما آماده است، تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شما نه با دشمنانتان	نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ
تعهدی جامع در حوزه باور و عمل (انتظار پویا)	بر اساس قوانین دینم، و عواقب عملم، و قبلم با قلبتان در در صلح، و کارم پیرو کارتان	بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَابِكُمْ سَلَامٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ
باورمندی به امام غائب	غایبتان	غَائِبِكُمْ

در این ساختار و هندسه از دوگانه اعتقاد به امامت، و ضرورت ولایتمداری روزآمد بر مدار ولیّ زمانه ای که امتداد امام حسین است سخن گفته شده و توسط زبانحال زائر مورد تاکید قرار می گیرد. و برای این که در امام شناسی از تبار حسین زائر دچار اشتباه و خطا نگردد، ضمن تاکید بر همانندی کامل امامان بعدی با امام حسین از جهت مقام امامت، بر دو مسئله غیبت و رجعت هم تاکید می گردد تا نشانی برای امام پایانی باشد. و در این نشانه گذاری بر واقعیت غیبت و ضرورت رجعت تاکید می شود.

و البته به صورتی غیر مستقیم (از خطابی که به امام حسین درباره رجعت می شود) هم اشاره می شود که امام حسین رجعت خواهد کرد (و احتمالاً اولین رجعت کننده خواهد بود). و بر بستر این آموزه هاست که زیارت با تعهدگیری از زائر درباره نصرت در بستر زمان شناسی به پایان می رسد.

این هندسه و ساختار کارگفتی^{۱۳} ترکیبی است از کارگفت های گوناگون که در این بخش از زیارت صورت گرفته است:

- کارگفت تصریحی: بیان پاکی نسب و اوصاف امام حسین به صفات نیک اخلاقی
 - کارگفت عاطفی: بیان پیوسته احساسات که اعتراف های زائر به اعتقاداتش است
 - کارگفت اعلامی: اعلام ها در ترکیب با تعهدها آمده، مانند اعلام اینکه دوست دوستان است
 - کارگفت تعهدی: پیمان های زائر بر همگرایی با مومنان و دوری از دشمنان به اهلیت
- پس زیارت اربعین، زیارتی است که به صورت مستقیم سخن گفتن زائر با امام حسین را در دستور کار دارد. ولی در لایه درونی خود، بهانه و زمینه این سخن گفتن را تعهدات فرامتنی زائر قرار می دهد. تعهداتی که فراتر از مسئله عاشورا است و رویکرد آینده گرایانه دارد. و در یک کلام مبتنی بر مهدویت و انتظار شیعی است.

از این منظر زیارت اربعین ساختاری چون زیارت عاشورا می یابد. چرا که در آن زیارت هم جملاتی است که بر بیان تصریحی و یا تعهدی زائر نسبت به مهدویت دلالت دارد. مواردی مانند:

- يَرْزُقْنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ اِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ
- اَنْ يَرْزُقْنِي طَلَبَ تَارِكُمْ مَعَ اِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ لَكُمْ

پس هم در فرهنگ سازی عاشورایی و هم در فرهنگ سازی اربعینی ریشه در سیره و سنت امامان معصوم دارند، سند چشم اندازی مشترک برای هر دو رویداد تعریف گردیده شده است. و در حقیقت اربعین یک طرح کوتاه مدت راهبردی برای راهبری زائران به سوی آینده و انتقالشان از عاشورای حزن به عاشورای حماسه و پیام است. و آنگاه تجمیع عاشورا و اربعین، توجه دهی عاشقان و زائران حسینی به چشم انداز بلند مدتی است که باید در فرهنگ حسینی مورد توجه قرار بگیرد.

^{۱۳} . کارگفت نظریه ای در زبانشناسی است که فراتر از دلالت های لفظی، در جستجوی دلالت های پنهان جملات و کشف مقصود جامع متکلم است. (نک: تحلیل متن شناسی زیارت نامه حضرت امام رضا (علیه السلام) بر پایه نظریه کنش گفتار، محمدرضا پهلوان نژاد، ذهن پاییز ۱۳۸۹ شماره ۴۳)

پس در حقیقت وقتی گفته می شود که تشیع بر دو بال سرخ عاشورا و سبز مهدویت استوار است، عنصر و رویدادی که حلقه ربط و زمینه پیوند بین این دو را برقرار می کند، اربعین است.

چرا که اربعین به عاشورا امتداد می دهد

و چون که اربعین آینده ای را که در (زیارت) عاشورا بدان اجمالا (تنها در حد معرفی یاری گری در آینده با امامی یاری ساز) اشاره بود، را به صورت سندی جامع درآورده (و با وجود کوتاهی زیارت اربعین) و از آن بسته معرفتی کامل تری را ارائه می دهد. و البته بسته معرفتی جامع و کامل مهدوی را به مجموعه ادعیه و زیارات مهدوی واگذار می کند که در پایان همین بخش بدان اشاره ای خواهد شد.

با این نگاه در این فصل، زائر اربعین به صورت عمیق تر با چرایی و چیستی و چگونگی پیوند های اربعین و انتظار آشنا شده تا در آخرین فصل بتواند راه های کارآمد سازی فرهنگ انتظار و سبک زندگی مهدوی را با کمک ارزش های اربعین فراگیرد.

چیستی مهدویت و انتظار و چگونگی پیوندهایش با اربعین

مهدی شناسی لغوی و اصطلاحی:

«مهدی» اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار می رود. کلمه «مهدوی» هم صفت انتسابی است که به معنی منسوب به مهدی به کار می رود. واژه مهدویت هم از نظر لغوی مصدر جعلی است. پس مهدویت، از واژه مهدی گرفته شده است تا کارکرد مصدری بیابد. پس مهدویت در اصل همان کلمه مهدی است که یای مشدد و تا به آن اضافه شده است و به صورت مصدر جعلی به کار می رود. یعنی مهدوی بودن.

و در اصطلاح کلامی-حدیثی مهدویت به معنی تمامی آموزه های اسلامی مرتبط با مهدی موعود در اسلام است. آموزه های مشترک که در همه فرقه های اسلامی با شدت و ضعف نمود معرفتی و ایمانی دارد. و مبنای آن در تعالیم پیامبر اسلام (ص) بوده که از جهت آینده نگری، آینده ای درخشان را در پایان تاریخ برای اسلام بر محور شخص و قیام مهدی پیش بینی نموده است.

انتظار هم کلمه ای عربی از ریشه نظر در باب افتعال است که به معنای «چشم به راه بودن» است. و در اصطلاح شیعی، به این معناست که شیعیان باید منتظر ظهور امام زمان، که غائب هست، باشند و او را از یاد

نبرند و هر لحظه به یاد او باشند. و برای ظهورش دعا کنند. در فرهنگ شیعی برای انتظار احادیث فراوان وجود دارد.^{۱۰۴}

در اندیشه شیعی، دوگانه مهدویت و انتظار، به معنی آینده نگری پیوسته و پویا است. بدین معنی که پایان تاریخ با حکوت عدل جهانی مبتنی بر توحید باوری و معنویت فراگیر خواهد بود که زیر پرچم حاکمیت انسانی کامل و شایسته از تبار پیامبر (ص) جامه عمل به خود خواهد گرفت. و در این آینده نگری آن راهبر معصوم پایانی و برگزیده با لقب مهدی شناخته می گردد. پس مهدویت که مصدر جعلی است، به معنی تمامی آموزه های مرتبط با آن مهدی موعود و آن منجی پایانی دین اسلام است و انتظار یعنی وارد سازی الزامات این اعتقاد در متن زندگی.

بدین جهت مهدویت در نگرش شیعی واقعیتی کلامی-تاریخی و با ابعادی سیاسی اجتماعی و تربیتی و با نگاهی جهانی است که دارای پیوندی عمیق با متن زندگی روزمره دینداران می باشد.

این در حالی است که مهدویت در دیگر فرقه های اسلامی (خصوصاً اهل سنت)، به علت عدم اعتقاد به تولد مهدی و یا تنزل دادن شخصیت مهدی موعود به انسانی غیر معصوم و غیر کامل، آموزه ای فرعی، در حاشیه و دور از واقعیات زندگی دینی مسلمانان است.

مهدویت تطبیقی تشیع و تسنن			
موضوع	تشیع	تسنن	بازتاب ها
اصل مهدویت	آیات قرآنی و روایات اهل بیت	روایات نبوی	مورد پذیرش مشترک هردو
شخصیت امام مهدی	امام معصوم دوازدهم و پایانی	خلیفه مصلح در آخرالزمان	عدم تقدم شخصیت مهدی حتی بر صحابه چه برسد بر خلفای اولیه
ماموریت	بهشت پایانی ظهور و کمال بشر و عوالم هستی و بستر سازی برای تحقق رجعت	جهانی سازی اسلام در زندگانی و عمری طبیعی	عدم تقدم ارزش دنیای پایانی بر دوران زندگانی پیامبر و صحابه از جهت تحقق مدینه فاضله، پس

^{۱۰۴} . در این زمینه نگاه کنید به منابعی چون مکمال المکارم و منتخب الاثر

عدم تحقق انتظار نسبت به آرمانشهر پایانی			
عدم تحقق حالت انتظار بالفعل نسبت به شخص مهدی موعود	عدم ولادت	ولادت و رسیدن به امامت و تحقق غیبت	وضعیت وجودی
سرگردانی در چشم اندازها و برنامه ها	مقام نبوت برتر از خلافت است، پس سرگردانی در افضلیت مهدی یا عیسی و دوگانگی در ماموریت ها و ...	مقام امامت برتر از مقام نبوت است پس عیسی برجسته ترین یاور مهدی و واسطه معرفی و ایمان جهان مسیحیت به مهدی است	مسئله بازگشت اسمانی حضرت عیسی

آینده گرایی یا سلفی گرایی:

مهدویت شیعی از جهت مفهوم شناسی با آینده گرایی و آینده بینی و آینده پژوهی پیوند خورده است. یعنی در برابر عاشورا که از هویت ها و گذشته ها سخن می گوید، مهدویت ضرورتاً از آینده سخن می گوید. البته فرقی با آینده گرایی علمی در این است که آینده گرایی دانشی است حدسی برای پیش بینی آینده. ولی مهدویت پیش بینی ای قطعی است برای پایان تاریخ. بدین جهت مهدویت دانشی پیشرو تر از دانش آینده گرایی است. چرا که امید قطعی و بسیار بزرگ و متعالی در مخاطب خود ایجاد می کند. و نتیجه اش پویایی و نشاط و حرکت پیوسته به سوی آینده است.

اما امروزه در برابر این واقعیت نگرشی دیگر در جهان اسلام وجود دارد با عنوان «سلفیت».

سلفی به کسی گفته می شود که در احکام شرعی به کتاب و سنت رجوع کند و به غیر آنها رجوع نکند.^{۱۰۵}

اما سلفیه در معنای اصطلاحی آن، نام گرایشی فراگیر در جهان اهل سنت است که به اصطلاح خود تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود، سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارند. مستند آنان حدیثی منسوب به پیامبر اسلام است:

^{۱۰۵} . المعجم الوسیط (۱/ ۴۴۴)

«خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یجیء اقوام تسبق شهاده أحدہم یمینہ و یمینہ شہادتہ»^{۱۰۶}

در این دیدگاه که همه اهل سنت با شدت و ضعف بدان اعتقاد دارند، مهدویت نفی نمی گردد ولی از هویت خود ساقط می گردد.

چرا که در انسان شناسی سلفی، مهدی انسانی و بلکه خلیفه ای معمولی و مسلمان است که ماموریت او جهانی سازی اسلام موجود است. پس هم شخصیت او در مقایسه با صحابه و تابعین پایین تر است و هم ماموریتش دستاورد مهمی برای جهان اسلام جز مختصری عدالت (به معنای شرعی و سلفی ان) و نجات احتمالی (در صورت تحت سلطه غیر مسلمان بودن آنان) ندارد.

چرا که وقتی از مهدویت سخن می گویند ظاهرش آینده گرایی است ولی باطنش گذشته گرایی است:



در این نگرش اصولاً گذشته گرایی جایگزین آینده گرایی شده و به جای تلاش و یا دعا برای منجی موعود، دعا برای سلف و تلاش برای بازگشت به آن دوران در جامعه ترویج می گردد. در حقیقت اگر مهدویت هم پذیرفته گردد از آن تفسیری سلفی و به عنوان تلاشگری جهانی برای احیای دوران سلف از آن تعبیر می گردد.

پس یکی از دستاوردهای اربعین شیعی برای عاشورا و حتی برای مهدویت، جلوگیری از تبدیل شدن این دو ارزش بزرگ شیعی، به باورهای تاریخی و ماندن در خاطرات تاریخی است. چرا که اربعین از یک سو به پویا سازی عاشورا کمک کرده و از سوی دیگر جلو نگاه های گذشته گرایانه به مهدویت را می گیرد. بدین جهت کسی که در اربعین است، در برزخی بین عاشورا و ظهور است. یعنی اربعین زائر حسینی از عاشورای تاریخی کنده و جدا ساخته و او را به عاشورای ظهور ادرس دهی می کند. و همین در برزخ بودن، حالت انتظاری پیوسته در او ایجاد می کند تا طالب رسیدن به ظهور باشد. و البته زائر در عین حال می داند که به ظهور نمی رسد جز با بازگشت به عاشورای تاریخی یعنی با بازخوانی ارزش های فطری و

^{۱۰۶} . صحیح بخاری، حدیث ۲۶۵۲ و با اندکی اختلاف در شماره های ۳۶۵۱، ۳۴۲۹ و ۳۶۵۸ نیز آمده است.

انسانی عاشورای تاریخی به راهبردهای جهانی سازی پیام ها بیندیشد. و این اربعین است که ماموریت عاشورا اندیشی و جهانی سازی پیام عاشورایی با هدف انتظار ظهور را به عهده می گیرد.

اینک برای کشف بهتر و بیشتر نقش اربعین در پیوند دهی بین عاشورا و ظهور، پیوندهای حسین و مهدی، مورد بازخوانی قرار می گیرد.

پیوندها بین حسین و مهدی:

در مکتب شیعه که معتقد به ۱۲ امام است، این ۱۲ امام از جهت دوگانه عصمت و علم غیب، همگی نور واحد هستند^{۱۰۷}. ولی ناظر به رنج عظیم تاریخی و یا ماموریت های جهانی می توانند دارای مراتب ویژه ای باشند.^{۱۰۸} بدین جهت است که در برخی روایات پس از امام علی (ع) افضل امامان امام حسین و امام مهدی شمرده شده اند.^{۱۰۹} بدین جهت بین این دو امام بیشترین پیوندها وجود دارد.

روایتی از امام باقر در موضوع زیارت، بیانگر عمق وابستگی و پیوند شعائر حسینی با انتظار مهدوی است.

امام باقر علیه السلام در حدیثی نحوه زیارت افرادی را که در شهرهای دور هستند و نمی توانند قبر امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کنند، بیان فرموده و آنها را به تعزیت یکدیگر سفارش کرده است. راوی می گوید: پرسیدم چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ حضرت فرمود: «بگویند: خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام فراوان گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیّ (خون) امام حسین علیه السلام، امام مهدی (عج) از آل محمد صلی الله علیه و آله طلب خون آن حضرت کرده و به خونخواهی او برخیزیم».^{۱۱۰}

اینک ناظر به اهمیت این پیوند، گستره و دامنه پیوندهای حسین و مهدی معرفی می گردند:

پیوند های مشترک امام حسین ع و امام مهدی ع

مهمترین پیوند امام مهدی با حماسه حسینی مسئله انتقام از جریان تاریخی است که عاشورا را به وجود آورد و هدفش نابودی اسلام بود و گمراهی جمع بسیاری را موجب شدند. بدین جهت یکی از القاب حضرت مهدی علیه السلام منتقم است. در توضیح علت برگزیده شدن این لقب بر آن حضرت مطالب

^{۱۰۷} . برای این منظور نک: بحار الانوار ج ۲۵ ص ۱ : باب ۱ ، باب بدو ارواحهم و انوارهم و طینتهم ع و أنهم من نور واحد

^{۱۰۸} . تاریخ الغیبة، الصدر، ج ۲، ص: ۴۲۹

^{۱۰۹} . الغیبة نعمانی ص ۶۷ و اثبات الهداه ج ۲ ص ۲۰۰ : عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم في حديث قال: إن الله اختارني و عليا من بني هاشم، و اختار مني و من علي الحسن و الحسين، و تكملة اثني عشر إماما من ولد الحسين، تاسعهم باطنهم و هو ظاهرهم و هو أفضلهم و هو قائمهم

^{۱۱۰} . مصباح المتعجب، شيخ طوسي، المحرم و شرح زيارة الحسين عليه السلام، ص ۷۱۳ و ۷۱۴؛ مفاتيح الجنان، زیارت عاشورا.

زیادی در سخنان اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. از جمله در روایتی که از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده، وقتی از آن حضرت سوال می‌کنند که چرا فقط به آخرین حجّت الهی قائم گفته می‌شود؟ آن حضرت در پاسخ می‌فرمایند:

چون در آن ساعتی که دشمنان، جدم امام حسین علیه السلام را به قتل رساندند فرشتگان با ناراحتی در حالی که ناله سرداده بودند عرض کردند پروردگارا! آیا از کسانی که برگزیده و فرزند برگزیده تو را ناجوانمردانه شهید کردند در می‌گذری؟ در جواب آنها خداوند به آنان وحی فرستاد که: ای فرشتگان من! سوگند به عزّت و جلالم از آنان انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از مدّت زمان زیادی. آن گاه خداوند متعال نور و شبح فرزندان امام حسین علیه السلام را به آنان نشان داد و پس از اشاره به یکی از آنان که در حال قیام بود فرمود: با این قائم از دشمنان حسین علیه السلام انتقام خواهم گرفت.^{۱۱۱}

فهرستی از پیوندهای مشترک امام حسین و امام مهدی ارائه می‌گردد:

پیوند مشترک	امام حسین ع	امام مهدی عج
پیش بینی و خبر دهی به هردو در تاریخ پیامبران	معرفی امام حسین به پیامبران طبق روایات اسلامی به عنوان معصومی که خونس ضامن بقای دین حق است	معرفی امام مهدی به عنوان کسی که چشم انداز پایانی تمام ادیان اسمانی است
هر دو وارث هستند	حسین وارث پیامبران	مهدی وارث پیامبران و امامان و وارث عاشورا
دوران جاهلیت در آستانه هردو قیام	شکایت امام حسین از حاکمیت بدعت به جای سنت پیامبر ^{۱۱۲}	حاکمیت جهانی ظلم و ستم
بیعت نکردن با طاغوت	امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «نه، به خدا سوگند! دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم».	مهدی(عج) نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد: «هر کدام از ما (اهل بیت علیهم السلام)، در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر قائم(عج)... تا هنگامی که قیام می‌کند، بر گردنش بیعت حاکمی نباشد. او نهمین فرزند برادرم، حسین

^{۱۱۱} . دلایل الإمامة، ص ۲۳۹

^{۱۱۲} . آن حضرت در نامه ای به بزرگان قبایل بصره تصریح می‌کنند: من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم. در شرایطی که اکنون ما زندگی می‌کنیم سنت رسول خدا(ص) از بین رفته و به جای آن بدعت و احکام و ارزشهای غیر اسلامی نشسته است مرا بپذیرید و به یاری من برخیزید. شما را به راه ارشاد و رستگاری هدایت خواهم کرد (حیة الإمام الحسین(ع)، ج ۲، ص ۲۶۴)

هدف مشترک ^{۱۱۳}	مبارزه با باطل و احیای دین اسلام ^{۱۱۴} البته در قالب جانفدایی برای دین حق	علیه السلام است».
برپا داشتن شعار مشترک در جهان اسلام	حسین علیه السلام می فرماید: «أَنَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى». پندارها، گفتارها و رفتارهای نادرست و اصلاح باطل گرایی، اصلاح تبعیض و بی عدالتی ها، اصلاح جامعه، اصلاح و پاک سازی حکومت از حاکمان ستمگر	در مورد مهدی (عج) نیز آمده است: «لِيُصْلِحَ الْأُمَّةَ بَعْدَ فِسَادِهَا؛ خَدَاوَنَد بِه وَسِيلَه حَضْرَت مَهْدِي (عج)، اِين اَمْت رَا پَس از اَنَكِه تَبَاه شَدِه اَنَد، اَصْلَاح مِي كَنَد».
القاب و اوصاف مشترک ^{۱۱۶}	ثارالله، غریب، رانده شد، الوتر الموتور	ثارالله، غریب، رانده شد، الوتر الموتور،
تبار مشترک	امام حسین و معرفی خود در عاشورا به عنوان ذریه پیامبر	امام مهدی از نسل پیامبر و حضرت زهرا و امام حسین ^{۱۱۷}
جغرافیای مشترک: و شهرهای مشترک قیام	از مکه به مقصد کوفه اما به کربلا	از مکه به مدینه و سپس به کوفه و از آنجا به کربلا
زمان مشترک: نقش نمادین روز عاشورا در هر دو قیام	روز شهادت	روز ظهور
یادکرد مشترک: در ادعیه و زیارات	زیارت عاشورا و نام حضرت مهدی در دو فراز آن	دعای ندبه و یادکرد از امام حسین و مصائب ایشان
یادکرد مشترک در مناسبت ها	لیالی قدر و سوم شعبان و یاد حضرت مهدی	لیالی قدر و نیمه شعبان و زیارت امام حسین
یاوران آسمانی:	فرشتگانی که برای یاری امام حسین	ماموریت یآوری برای امام زمان

^{۱۱۳} . و هدف امام حسین (علیه السلام) نیز در زیارت اربعین آمده است: خون خود را تقدیم تو کرد تا انسان ها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد. (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اربعین)

^{۱۱۴} . من به منظور ایجاد اصلاح در امت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله قیام کرده ام می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به همان سیره و شیوه مرسوم جدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل می کنم. (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶).

^{۱۱۵} . امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت مهدی علیه السلام تمام بدعتها را ایجاد شده در دین را در سرتاسر جهان از بین خواهد برد و در مقابل، تکتک سنتهای نبوی را به اجرا در خواهد آورد. (بنابیع المودة، ج ۳، ص ۶۲)

^{۱۱۶} . در القاب «ثارالله» «وترالموتور» «طرید الشرید» هر دو شریکند. (ابن بابویه، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸)

^{۱۱۷} . پیامبر اکرم (ص) در یکی از روزهای آخر عمر مبارکش در حالی که دست شان را به شانه امام حسین (ع) گذاشته بودند خطاب به دختر بزرگوارشان حضرت زهرا (ع) فرمودند: مهدی این امت از نسل این فرزندم است. دنیا به پایان نخواهد رسید مگر این که مردی از اولاد حسین (ع) قیام کرده جهان را با عدل و داد پر سازد. (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱).

	آمدند ولی ماموریت نیافتند	فرشتگان و تلاش برای یآوری ^{۱۱۸}
و ولیّ او را امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، معرفی کرده‌اند. ^{۱۲۰}	روایاتی از پیامبر، امام علی و امام باقر علیهما السلام وارد شده است که مقتول را امام حسین علیه السلام معرفی کرده اند...	تفسیر مشترک آیاتی از قرآن من جمله: «... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...» ^{۱۱۹}

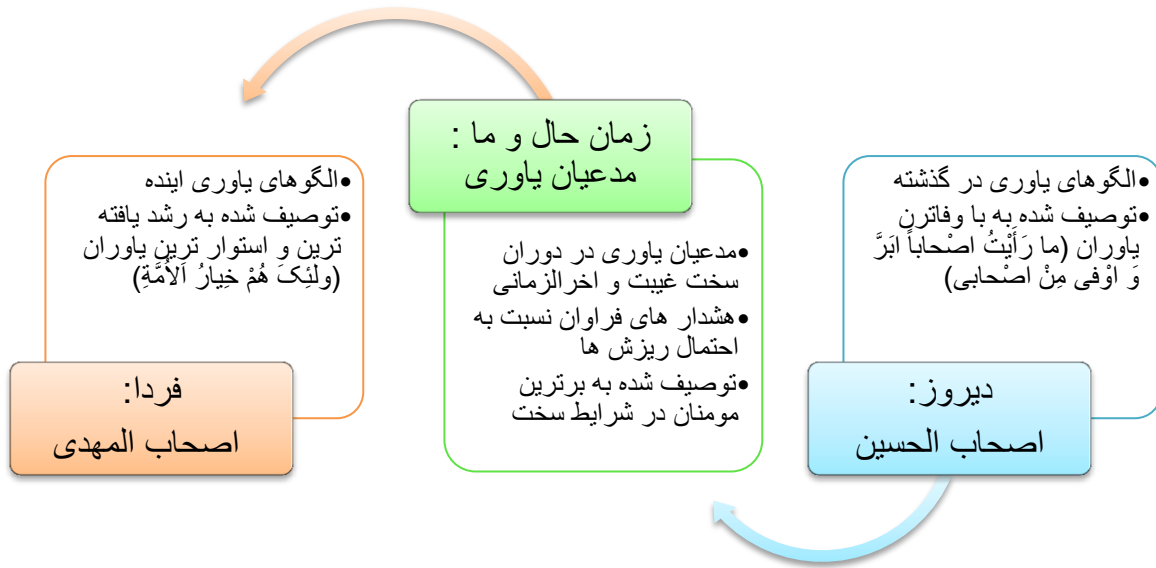
پیوندهای گسترده در شخصیت دو امام مظلوم و امام موعود و مشترکات فراگیر در زمینه‌ها و اهداف و فرایند قیام، برای زائران اربعین درس‌هایی فراوان از جهت شناسایی راهبردهای امام یآوری دارد. چرا که بر طبق روایات زمانه استانه ظهور، شباهتی تام با زمانه قیام سیدالشهدا دارد. و جریان باطل در آستانه هردو قیام چنان فراگیر می‌شود که خطر دور افتادگی از امام غائب را مانند بازماندگان از یآوری سیدالشهدا احتمال می‌رود^{۱۲۱}. پس در شناسایی پیوندهای عاشورا و اربعین با ظهور یکی از محورهای مهم، شناسایی پیوندها در حوزه یآوری و آسیب شناسی ادعاهای یآوری و آسیب زدایی از آن است.

پیوندها در یآوری

زائری که در اربعین وارد جمع عظیم پیاده‌ها می‌گردد فقط در زمان حال در جمع یاوران امامان قرار نمی‌گیرد بلکه او زائری برآمده از اصحاب الحسین تاریخ است و مقصدش اصحاب المهدی در آینده می‌باشد. پس او اگر ادعای یآوری یا علامت یا نشان شیعی بودن را دارد، باید بداند که ادعایش در فضای خلأ نیست

^{۱۱۸} . امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «به تحقیق چهار هزار فرشته برای یاری امام حسین علیه السلام به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، حسین علیه السلام را کشته شده دیدند. از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت اقامت کردند و همچنان هستند تا اینکه قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است.»
^{۱۱۹} - «و هر کس مظلوم کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل قرار داده‌ایم»؛ سورة اسراء، آیه ۳۳.
^{۱۲۰} - تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۶۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۰؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۰.
^{۱۲۱} . مانند خیل عظیم توابعین که به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی خود آغازگر نامه دعوت نویسی به امام حسین بودند ولی چون امام به سوی آنان آمد از ترس و ... امام را تنها گذاشتند. بدین جهت در الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۸ روایتی جالب است که: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ»
مانی که قائم قیام کند، کسانی که گمان می‌شود از خاندان او هستند، از صف آن حضرت خارج می‌شوند و کسانی که به خورشید و ماه پرست می‌مانند، به صف او در می‌آیند

و او قطره ای از جریانی تاریخی و مهم است که دو سویه (مبدء و مقصد) خیلی خاص دارد:



پس ما در میانه دیروز شفاف و آینده روشن در الگوهای یآوری هستیم . یاورانی که در بحرانی ترین شرایط دیروز و در سخت ترین و عظیم ترین ماموریت های آینده^{۱۲۲} امام زمان شان را تنها نگذاشته و نمی گذارند. پس در زمان حال در بستر های حضور در اربعین باید خود را در زمانه حال به مرتبه یاوران دیروز و فردا برسانیم. پیش شرط این رشد و تعالی، شناسایی پیوندهای حسینی/مهدوی در زمینه یآوری و نصرت (ونصرتی لکم معده) است. گزارشی از پیوندهای یآوری حسین و مهدی در زمینه نصرت، چنین است:

پیوندهای اصحاب الحسین و اصحاب المهدي		
اصحاب المهدي	اصحاب الحسین	موضوع
امام زمان هم در آستانه ظهور مردم جهان را به یاری می خواند ^{۱۲۳} و خالصانه ترین یاری را از ۳۱۳ نفر می بیند	امام در طول دعوت، پیوسته همه را به یاری دین خدا فرا خواند ... و لی تنها ۷۲ نفر یاری اش کردند	دعوت و یاری خواهی پیوسته امام و لزوم اجابت مخلصانه مدعیان یآوری
نواب خاص دوران غیبت صغری و نواب عام دوران غیبت کبری و ...	اعزام مسلم بن عقیل به کوفه و دعوت کوفیان به پیروی از او و	ضرورت پیروی از نماینده و نائب امام در

^{۱۲۲} . امام صادق (ع) می فرماید: آنها فرماندهان ، قاضیان ، حاکمان شرع و فقیهان دین اند ((وَهُمُ النَّجْبَاءُ وَ الْقَضَاءُ وَ الْحُكَمَاءُ وَ الْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ ...)). نتخب الاثر، لطف الله صافی ، ص ۴۸۵، چاپ تهران ، ۱۳۷۳ هـ
^{۱۲۳} الزام الناصب ج ۲ ص ۲۳۳

مسیر ادعای یآوری	موفقیت مانند حبیب بن مظاهر در یاری مسلم و ناکامی هزاران نفر دیگر از مدعیان کوفی	موفقیت های تاریخی تشیع به علت پیروی از مرجعیت
آرزوی شهادت در رکاب هر دو امام	یاران امام در شب عاشورا با امام پیمان شهادت بستند. و در زیارات حسینی زائر آرزو می کند که: «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما»	«اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا . . . و اجعلنی من انصاره . . . و المستشهدین بین یدیه . . . فاخرجنی من قبری مؤتزر کفنی شاهرا سیفی . . .» ^{۱۲۴} امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان آرزو می کنند در راه خدا به شهادت برسند» ^{۱۲۵}
ویژگی و شاخصه های یآوری	ابا عبدالله علیه السلام در شب عاشورا فرمود: من اصحابی بهتر و با وفاتر از اصحاب خودم سراغ ندارم ^{۱۲۶} ...	اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق ^{۱۲۷}
ضرورت آمادگی برای قیامی ناگهانی	سرعت اجابت یارانی مانند حبیب بن مظاهر در یاری امام، و عقب افتادن کسانی مانند طرماع بن عدی	حضور ناگهانی تمام یاران در شب عاشورا (در کنار ریزش بسیاری از مدعیان) ^{۱۲۸}
آزمون های سخت یآوری ثبات قدم در مواجهه با ریزش ها	در محاصره قرار گرفتن و پیشنهاد امان نامه .. ^{۱۲۹} ولی ایستادگی یاران در شب عاشورا با وجود رفتن جمع بسیاری	به ناگزیر باید مردمان امتحان شوند و از یکدیگر غربال شده، جدا شوند، این امر هنگامی فرا می رسد که کابوس یأس و نومیدی همه جا را فرا بگیرد. به خدا سوگند، هنگامی می آید که شقی ها شقی، و سعیدها سعادت مند شوند ^{۱۳۰}

^{۱۲۴} - دعای عهد/ مفاتیح الجنان

^{۱۲۵} - (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲)

^{۱۲۶} - «ما رأیث اصحاباً أبرّ و أوفی من اصحابی»...

^{۱۲۷} امام صادق علیه السلام فرمود: «ان لنا دولة یجیء بها الله اذا شاء ثم قال: من سره ان یكون من اصحاب القائم علیه السلام فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛ (۵۷) ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هرگاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود می شود که از یاران مهدی علیه السلام باشد؛ پس منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد».

^{۱۲۸} . اذا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ بَرِيٍّ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ

^{۱۲۹} . به گزارش یکی از عالمان علم رجال شناسی، کوفیان پیاپی به یاران امام پیش نهاد امان و اموال می کردند، ولی آن ها نمی پذیرفتند و می گفتند: «اگر حسین کشته شود، در حالی که چشم های ما آن را ببیند، برای ما در پیشگاه رسول خدا عذری نخواهد بود. همچنین ابن ابی الحدید از یکی از کوفیان روایت کرده است که آن ها نه امان می پذیرفتند و نه گزاشی به مال و دارایی دنیا داشتند (کشی، ج ۱، ص ۲۹۳).
^{۱۳۰} - لا بدللناس ان یحصوا و یمیزوا و یغربلوا. ان هذا الامر لا یتیکم الا بعد الناس؟. لا والله حتی یشقی من یشقی، و یسعد من یسعد!

ضرورت پیشگامی برای یآوری	مسابقه و پیشگامی یاران حضرت در شهادت طلبی ^{۱۳۱}	امام صادق علیه السلام فرمود: یاران مهدی علیه السلام [در میدان رزم، گرد او می‌گردند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند] ^{۱۳۲} .
ضرورت انتظار تا زمان قیام	وقتی پس از شهادت امام حسن مردم کوفه از امام طلب قیام کردند، امام زمان قیام را به مرگ معاویه موکول کرد	در ادعیه مهدوی به ضرورت انتظار پیوسته برای قیامی ناگهانی

این جدول نشان می‌دهد که زائر وقتی در پیاده روی اربعین حاضر می‌شود باید با درک دیروز و فردای یاران اهل بیت، در زمان حال رسالتی سنگین پیش روی خود ببیند. و بداند که به دلیل قرا گرفتنش در دوران آخرالزمانی در شرایط سختی است. هم از سوی خداوند پیوسته امتحان می‌گردد. هم وسوسه های شیطان به نهایت مرتبه خود رسیده و جاذبه های دنیای آخرالزمانی و همچنین خطر مدعیان انحرافی هم پیش روی اوست. در این شرایط تنها راه نجاتش نگاه دوسویه به دیروز و فردا با هدف الگوگیری برای امروز و زمان حالش است.

البته در این میان نباید نگران شود و تصور کند که مقام و مرتبه دینداری اش در دوران غیبت و آخرالزمان (و در میان انواع هجروم ها و وسوسه ها) کم مقامی است. بلکه به علت مجاهدت عظیم و تقوای ویژه اش در آخرالزمان دارای مقامی والا خواهد بود.^{۱۳۳} و یکی از سلوک ها و اعمالی که این مقام عظیم را در آخرالزمان برایش فراهم می‌کند، حضور در پیاده روی اربعین حسینی به صورت پیاده است. چرا که در

^{۱۳۱} . وقتی یکی از کوفیان را برای جنگ با سیدالشهدا [در روز عاشورا سرزنش می‌کنند، پاسخ می‌دهد: «دهانت خُرد باد! اگر آن چه را که ما در کربلا دیدیم، می‌دید، تو نیز همین کار را می‌کردی. آن‌ها دست به قبضه شمشیر می‌پرند، مانند شیران غران به ما حمله می‌کردند و خود را در دهان مرگ می‌انداختند. امان نمی‌پذیرفتند، رغبتی به مال دنیا نداشتند و هیچ چیزی نمی‌توانست میان آن‌ها و مرگ فاصله اندازد. اگر با آن‌ها نمی‌جنگیدیم، همه ما را از دم شمشیر می‌گذرانند. چگونه می‌توانستیم از جنگ با آن‌ها خودداری کنیم؟» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۶۳)

^{۱۳۲} - (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲)

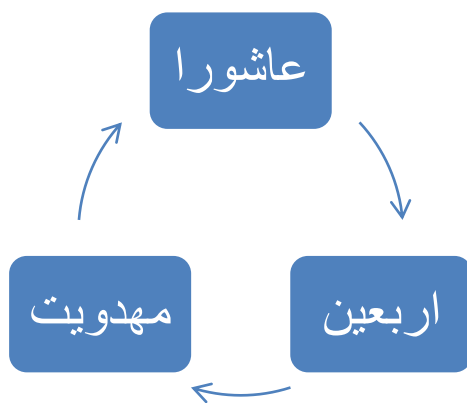
^{۱۳۳} . از امام صادق (ع) نقل شده است که عبادت به همراه خوف و در دولت باطل، مانند عبادت در حالت امن و دولت حق نیست. بدانند که هر يك از شما که نماز فریضه را فرادا و پنهان از دشمن و در وقت بخواند (وقتی که علنی و با جماعت امکان ندارد) خدا، برای او ثواب بیست و پنج نماز واجب بنویسد و کسی که نماز مستحبی را در وقتش به درستی بخواند، خداوند برای او ثواب ده نماز مستحبی بنویسد و فردی که کار نیک و حسنه ای انجام دهد خداوند ثواب بیست عمل حسنه برای او بنویسد و هر کس نیکوتر انجام دهد، خداوند ثواب را مضاعف میکند. سپس حضرت در علت این پاداش می‌گوید: شما، صابر همراه با امام و منتظر دولت حق هستید، بر امام و بر جانهای خود از شر حاکمان ظلم در هراسید، حق شما در دست ظالمان است و شما را از آن منع میکنند، و شما را در تنگی و طلب معاش قرار داده‌اند، در حالی که بر دین و عبادت و اطاعت از امام و ترس از دشمن خود صابر هستید. از این رو خداوند اعمال شما را چند برابر میکند. پس بر شما گوارا باد. سپس حضرت در پایان حدیث میفرماید: به خدا سوگند! هر يك از شما به این حال بمیرد، نزد خداوند افضل است از بسیاری که در بدر و احد حضور داشتند. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۷ ح ۲۰).

و در روایات متعدد انسان منتظر مانند فردی شمرده شده است که در رکاب پیامبر به شهادت رسیده است. (بحار ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۹)

آخرالزمان جاذبه های انحرافی و وسوسه ها (و به عبارتی نهایت درجه دوران جاهلیت) او رو به سوی حسین کرده، انهم با پذیرش سلوکی پیاده که سخت ترین مرتبه زیارت است. زیارتی در فضایی نه چندان مناسب از جهت امنیت و بهداشت، که ارزش و مرتبه این حضور را بالاتر می برد و قریب بیشتر برای زائر فراهم می سازد.

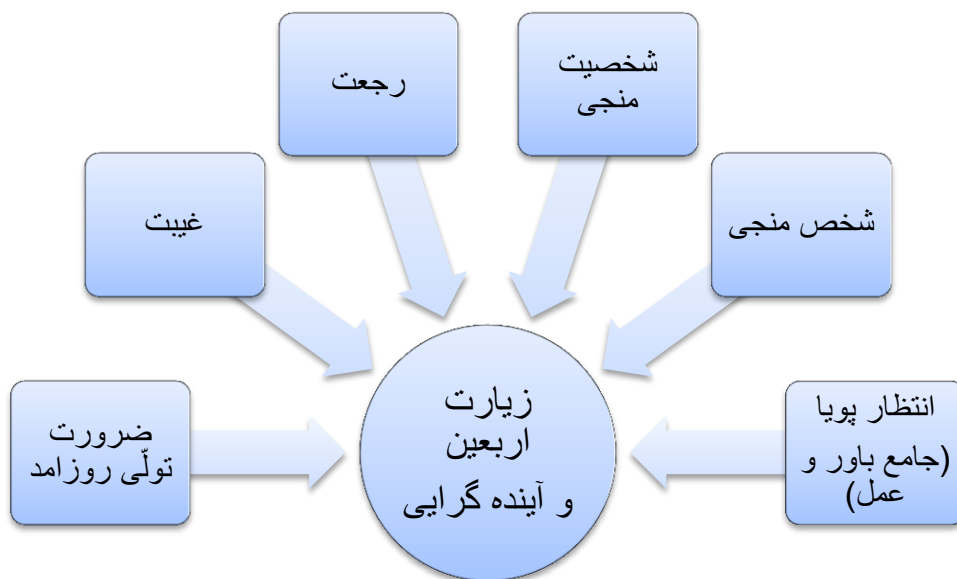
پیوندهای آسیب شناسانه:^{۱۳۴}

امروزه در بستر رخداد اربعین فضایی عمومی برای مشارکت همگانی فراهم شده است. این وضعیت از یکسو باعث شده فرصتی تاریخی برای حضور زائران فراهم گردد و از سوی دیگر آسیبی با عنوان حضور برخی مدعیان انحرافی که با شعارهای فریبنده سعی در الوده کردن فضای معنوی اربعین دارند. از این وضعیت به حسب ضرورت امتحان و آزمایش در مسیر زندگی و سلوک دینی اجتنابی نیست. ولی آنچه تکلیف است ضرورت کسب آگاهی های لازم جهت جلوگیری از پدیده وسوسه و فریب است. در همین زمینه باید دانست که اتفاقا خود اربعین رویدادی تاریخی است برای انحراف و منحرف شناسی. و به همین جهت در این اثر سعی شده به پیشینه اربعین توجه شود. و زائر را متوجه اینکه حضورش در اربعین را یک تافته جدا بافته از ریشه نبیند. چرا که مکتب تشیع بر عاشورا/انتظار استوار است و اربعین رابط و پیوند دهنده این دو است.



پس هر گاه جریانی یکی از این سه را از چرخه معرفتی و رفتاری شیعه حذف کند نشان انحراف دارد. وقتی در زیارت اربعین با وجود کوتاهی، آدرس های مختلفی از مهدویت وجود دارد:

^{۱۳۴} . این قسمت از این پژوهش به برخی از جریان های انحرافی در موضوع مهدویت نظر دارد که خاستگاهش عراق بوده ولی دامنه تاثیرگذاری اش به ایران هم کشیده شده است. جریان هایی که با سوء استفاده از فضای باز کشور عراق و اشتغال دولت به مسائل مهمتری چون داعش و ... در ازدحام زائران اربعین، با برپا کردن موبکب ها و پرچم هایی به تبلیغ خود بپردازند. در این شرایط مهمترین راهبرد برای جلوگیری از انحراف و اکسپنه سازی زائران با کمک مبانی اربعین است. تا پس از معرفت افزائی لازم فرابگیرند که اصولا توجهی به این تبلیغات انحرافی نکرده و اگر هم جایی با آنان مواجه شدند، به جای شنونده بودن، با پرسش گری فعال و پویا مانع سخن پراکنی آنان بگردند.



در رویدادهای تاریخی هم می تواند پیام ها و عبرت های لازم برای آینده باشد. و مهمترین رویداد تاریخی ای که میتواند معیار حق و باطل شناسی و بستر ساز رسوایی جریان های انحرافی باشد، سفر تاریخی جابر به کربلا است. چراکه این سفر دارای پیام های روشن و آشکار برای ماست:

جابر معیاری برای تشخیص حق از حق نما	
پیام ها	رفتار جابر
اقدام و عمل در شرایط بحرانی به جای فرار از مسئولیت	سفر در شرایط بحرانی برای رساندن خود به امام سجاد و کاروان اسارت در اولین فرصت
معرفی امام زمان یا نمایندگان احتمالی او به جای ابزار قرار دادن ولایت امام برای دکانداری خود	تلاش برای معرفی امام سجاد و امام باقر پس از اربعین و در امتداد آن و دعوت مردم به ولایت آنها
توجه به خود مراقبه گری در مسیر زندگی دینی	عدم ادعای مقام های خاص و کرامت و معجزه برای خود حتی پس از زیارت اربعین
دین یآوری در سن بالا مبتنی بر علم و تدبیر و بصیرت و ایمان و بازتاب هایش در تاریخ سازی ^{۱۳۵}	تاریخ سازی جابر به واسطه ایثارگری در راه اهل بیت با وجود کهنسالی و نابینایی

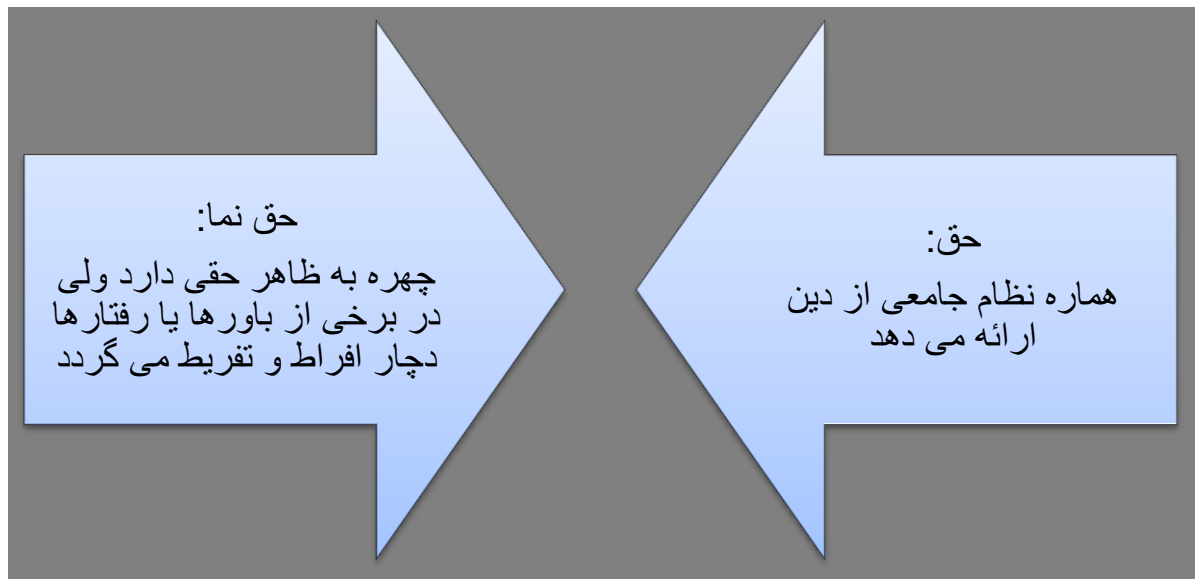
^{۱۳۵} . تمام جریان هایی که به مرجعیت اشکال می گیرند، عامدانه اصلی مهم را سانسور می کنند. و آن سال ها تلاش مراجع بزرگ شیعه را برای دانش آموزی و تعالی اخلاقی و عدالت ورزی. ضمن آن که بسیاری از آنان تمرین راهبری اجتماعی را در کنار مراجع بزرگ پیشین آموخته اند. ولی مدعیان که خود نه نوشته علمی دارند نه نشانی از رشد اخلاقی و تربیت مدیریت جامعه دینی، با سر و صدا قصد تغییر نگاه ها به معیار ها و روش ها و تجربه ها و الگوها دارند تا در نهایت بتوانند جامعه شیعه را شده طعمه گرگ های آخرالزمانی قرار دهند.

--	--

پس اربعین با دوگانه پیام و رفتار، دارای پیام هایی روشن در زمینه معرفی امامت و مهدویت و تعریف درست آنها و آسیب زدایی از آنها است. فقط کافی است که مواجهه زائر و سالک اربعین با تاریخ و زیارت اربعین عالمانه باشد و بداند که همه جریان هایی که بعد از اربعین با ادعای عاشورا شناسی و مهدویت گرای اینجاد شدند ولی از خط امامت معصومانه (و نمایندگانشان) فاصله گرفتند، بر باطل بودند:

جریان های انحرافی پس از عاشورا و بر بستر عاشورا	
نام	ادعا
توابعین	ادعای سستی کردن جامعه شیعه در یاری رساندن سیدالشهدا و ارائه نظریه و طرح های خود نوشت برای انتقام گیری و یا فتوا دادن برای قیام بدون مراجعه و اجازه امام زمان خود
کیسانیه	مصادره و بزرگنمایی شعار مهدویت برای خود و دادن شعارهایی جذاب اما مبهم و کلی با هدف جدا سازی جامعه شیعه از اطراف امام سجاد و جمع کردن شیعیان به گرد خود
برخی علویان	مطرح کردن نظریه قیام و جنگ بدون نیاز به امام معصوم و بر حق دانستن خود به صرف ادعای آقازاده و علوی بودن. جریانی که بعدها در تاریخ منجر به پیدایش علویان دروغینی چون ابوالسرایا گردید
غالیان	طرح ادعای مقامات عجیب و کرامات برای خود و ادعای نمایندگی دروغین برای امامان و انکار کردن نمایندگی دیگر یاران راستین امامان و تلاش برای جمع کردن جامعه شیعه به گرد خود با ادعاهای جدید و عجیب درباره امامان و کربلا و ظهور (خطابیه)
صحابه و تابعین زاهد و مقدس	صحابه ای مانند سهل بن سعد ساعدی و ابو سعید خدری که دارای گرایش های شیعی بودند ولی حتی بعد از عاشورا هم در سیر و سلوک های عرفانی خاص و جدا از جامعه و امام شیعه بودند و ...

پس مسئله انحراف حتی در میان برخی مدعیان تشیع امری جدید نیست. و به نام عاشورا و مهدویت هم می توان شعار انحرافی داد. ولی آنچه مهم است این است که تفاوت جریان باطل از حق در یک نکته مهم است:



و وقتی در زمان حضور امام ، معیار حق و حقانیت، قرار گرفتن خالصانه در کنار امام است و تقدم و تاخر بر او باطل است، در زمان غیبت (که در زیارت اربعین بدان شهادت می دهیم) باورمندی و پیروی از امام غائب شرط است. همانگونه که در دوران غیبت صغری، اگر کسی مدعی تشیع بود ولی نیابت نواب خاص را نمی پذیرفت، شیعه شمرده نمی شد اگرچه زائر کربلا می بود.

پس امروزه هر جریانی که مدعی ادعایی جدید باشد که قصدش تفرقه افکنی در حماسه عظیم اربعین با محوریت مرجعیت (که نواب عام امام غائب هستند) باشد، او انحراف دارد اگرچه به ظاهر قصد موعظه یا اصلاح گری و یا ... داشته باشد:

گونه شناسی انحراف های مهدوی با عبرت گیری از رویداد عاشورا		
موضوع	عاشورایی	عبرت مهدوی
عناوین تبلیغی جذاب	صحابه نصیحت گر: کسانی که به ظاهر مقدس و دارای وجاهت دینی و اجتماعی بودند و در نقش نصیحت گری، قصد موعظه و ارائه راه جدید را داشتند ولی در حقیقت امام را به عقیده خود دعوت می کردند	مدعیان تربیت نشده و درس ناخوانده مرجعیت و یا کسانی که شعار گذار از مرجعیت و پایان دوره آن را اعلان می کنند و یا ادعای مهدی باوری مستقیم و بدون راهبری مرجعیت را دارند
دعوت به خود به جای دعوت	سلیمان بن صرد خزاعی افراد بسیاری زیر پرچمش داشت. ولی آنان را فقط وابسته	جریان هایی که از اسم مهدویت سوء استفاده می کنند و مردم را به امام مهدی

<p>دعوت می کنند ولی به جای ارجاع مردم به مرجعیت، با مغالطه گری در زمینه غیبت امام، مدعی ارتباط خاص بوده و مردم را به خود دعوت می کنند.</p>	<p>به خود و تحت امر خود داشت. و نمی گذاشت که افرادش آزادانه اندیشه کنند و تصمیم بگیرند و نگذاشت آنان به یاری امام و مسلم بروند.</p>	<p>به امام و یا نماینده او</p>
<p>در دوران غیبت صغری، هرگاه فردی حتی از خواص، اگر بر نواب خاص تقدم و یا تاخر پیدا می کرد، از سوی امام غائب، توقیع و نامه نفی و طرد او از جامعه شیعه صادر می شد.</p>	<p>توابع از پیشگامان نامه نگاری و مدعیان یآوری امام حسین بودند. ولی نه تنها به هنگام رخداد کربلا به یاری امام نیامدند، بلکه پس از مرگ یزید و برطرف شدن شرایط اختناق، به جای مراجعه به امام سجاد دوباره خود به اندیشه و تصمیم گیری و اقدام پرداختند</p>	<p>تقدم و تاخر بر نماینده ولیّ زمان</p>
<p>برای دوران غیبت هم فقهای محدث، معیار و مرجع فهم دین و راهبر آن معرفی گشته اند، پس جریان ... که مدعی دینداری بدون مرجعیت باشد، در حقیقت تمرین گر تمرد بر امام زمان در صورت ظهور احتمالی اش است. چرا که پس از ظهور انتخاب کارگزاران با خود امام است و بر معیارهایی دشوار که خیلی را طاقت بر آن نیست. و اینجاست که ادعای نیابت و وزارت پیش از ظهور، ضمن ابراز تمرد بر نواب عام، تمرینی برای تمرد در دوران ظهور است</p>	<p>مردم مدینه و حاجیان مکه در مقابل دعوت امام به مبارزه با باطل، به جای عمل به دستورات امام، خود به تفسیر و تحلیل دین می پرداختند و بر آن اساس از امام جدا افتادند</p>	<p>خود کارشناسی و خود تفسیر گری در دین</p>
<p>جریان های انحرافی با تطبیق ها و مصادیق سعی در نزدیک سازی انتظار (و تعطیلی مرجعیت) و موج سواری بر امیدها و آرزوهای احساسی و عاطفی منتظرانی هستند که به جای خودسازی فردی و اجتماعی بلندمدت، دنبال ظهوری سریع و</p>	<p>توابع در ظرف زمانی ۴ روز ۱۲ هزار نامه به مکه (در ماه رمضان) فرستادند و فقط به حسین می گفتند بشتاب و بشتاب ... ، ولی امام بنا به مصالح گوناگون تا دو ماه پس از نامه های کوفیان در مکه توقف کرد و همین امر باعث سرد شدن انتظار و</p>	<p>تعریف انتظار به انتظارهای سریع و شتابزده به جای انتظار بلندمدت با برنامه</p>

کم هزینه هستند	سستی آنان موقع نیاز شد	

سخن پایانی:

در روایات معصومین به شیعیان دو دستور اجتماعی مورد توجه بوده است یکی همگرایی بر محور نمایندگان معصومین (حتی در زمان خودشان بر محور وکلای امامان) و دیگری دستور جامعه شیعه بر هم همگرایی های رفتاری که برای تشیع جاذبه افزین باشد.

اینک ما هستیم و حماسه اربعین. حماسه ای که برآمده از تلاش تاریخی مرجعیت و علما و حوزه نجف اشرف است. و عظمتش هم ناشی از وحدت و یکدستی این جامعه در امور اخلاقی و انسانی است. و اتفاقاً این یکدستی و وحدت هم برآمده از راهبری مرجعیت شیعه است. پس هر جریانی که در اربعین به نام اربعین یا عاشورا و مهدویت قصد تیشه زدن به ریشه را داشته باشد نشان انحراف دارد.

پیوندها در زیارتنامه ها : و پیشنهاد یک پژوهش علمی در طول سفر زیارتی اربعین:

سفر پیاده روی اربعین از معدود سفرهایی است که نفس پیاده راه رفتن در آن عبادت است. بنابراین طولانی شدن این سفر از جهت سلوکی و تربیتی هم گاه مطلوب است. چراکه در سیر و سلوک، خود فرایند سیر هم جزئی از مرحله تربیت ورزی است. و همانگونه که در دستوراتی که درباره عدد ۴۰ در قالب ۴۰ روز است را نمی توان با تند خوانی ادعیه یا قرآن به جلو انداخت. پس در سفر پیاده روی اربعین هم کوتاه کردن سیر چندان لطفی ندارد. خصوصاً اگر این سیر دارای بازتاب ها یا برنامه هایی باشد.

امروزه به علت حضور زائران اربعین از کشورهای مختلف با سطح دانش (در کنار وجود برخی از جریان های انحرافی و یا سطحی نگر شیعی) یکی از طرح و برنامه های معرفتی که می تواند هم برای زائر مفید باشد و هم او را در ارتقای بینش دیگر زوار یاری رساند و یا در مواجهه با شبهات تقویت نماید و یا در مواقع استراحت در کنار دیگر زوار زمینه گفتمان عالمانه بدهد، مسئله مواجهه عالمانه با فرهنگ عرفانی امامان شیعه در قالب ادعیه و زیارات است. خصوصاً نظر به پیوندهای فرهنگ حسینی/مهدوی، می توان در بستر این سفر و در محافل گوناگون دستمایه های علمی فراوان برای سخن گفتن از هویت های شیعی، چشم اندازهای آینده نگر و تعریف درست رسالت ها و مسئولیت ها در قالب انتظار داشت.

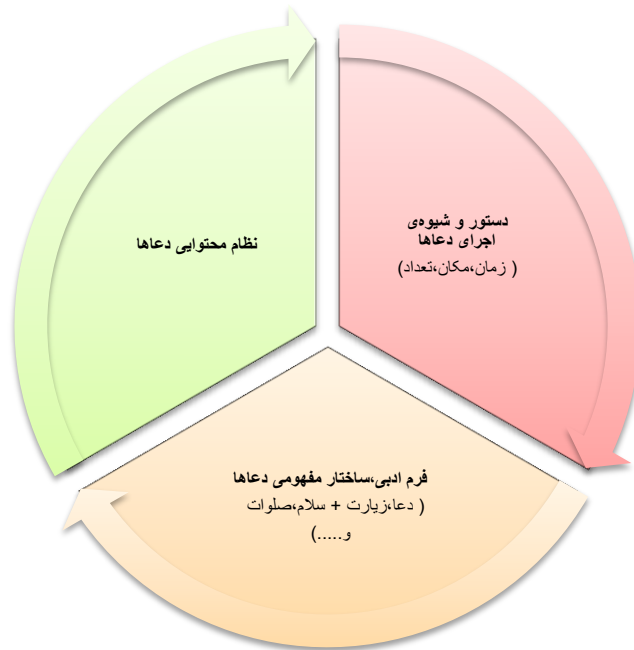
البته به جهت سهولت در منبع پژوهش و مطالعه برای خود و دیگر زوار، می توان به کتاب ارزشمند مفاتیح الجنان اکتفا کرد . چرا که هم در طول مسیر و هم در تمامی عتبات عالیات این کتاب در دسترس زائران است و هم در نرم افزارهای مجازی گوشی های همراه امکان استفاده از آن است. بدین جهت اگر یک گروه پیاده روی منسجم باشند می توانند این طرح را به صورت گروهی اجرا کنند.

متن های مورد استفاده در این طرح، ادعیه و زیارات حسینی و ادعیه و زیارات مهدوی. و برخی از ادعیه و زیارات مشترک در کتاب مفاتیح الجنان است. که عبارتند از:

فصل های چهارگانه مفاتیح الجنان و :		
ادعیه و زیارات مشترک	ادعیه و زیارات مهدوی	ادعیه و زیارات حسینی
زیارت جامعه	صلوات روز جمعه	زیارت امام در روز دوشنبه
زیارت جامعه کبیره	صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی	دعای عرفه
دعای عالیہ المضامین	صلوات بر امام	دعا در حرم امام حسین
	دعای فرج	صلوات بر امام
	دعای حضرت مهدی	دعای وداع با امام
	دعای استغاثه	زیارت شب جمعه حضرت
	دعای افتتاح	زیارات شش گانه حضرت
	دعای شب قدر	زیارت هفتم وارث
	زیارت حضرت در روز جمعه	زیارت مخصوصه امام حسین
	زیارت آل یس	زیارت امام در اول ماه رجب
	زیارت های امام در سامرا	زیارت امام در نیمه رجب
	زیارت حضرت بعد از نماز صبح	زیارت امام در نیمه شعبان
	دعای عهد	زیارت امام در شبهای قدر
	دعای ندبه	زیارت امام در عید فطر
	دعا در زمان غیبت امام زمان	زیارت امام در عید قربان
		زیارت امام در روز عرفه
		زیارت عاشورا

		زیارت عاشورای غیر معروفه
		زیارت اربعین

برای فهم روش آنالیز و تحلیل محتوا و مفاهیم این ادعیه و زیارات توجه به عناصر و ابزارهای سه گانه‌ی زیر می‌تواند ما را یاری برساند :



بر اساس این محورهای سه گانه، می‌توان جدولی را طراحی کرد که بر اساس آن به رمز گشایی از تک تک جملات دعاها پرداخت. به ویژه از جهت مفهومی و محتوایی به بازخوانی بند به بند زیارات پرداخت و طرح زیر را به کار برد:

- در ادعیه و زیارات حسینی: گزاره های مهدوی را یافت
- در ادعیه و زیارت مهدوی: گزاره های حسینی را یافت

و در این جستجوها هم بدنبال محورهای علمی زیر بود:

«مقام و مرتبه هر دو امام، مرتبه و شخصیت یاوران هر دو، وضعیت شناسی جامعه باطل، اهداف و آرمان های قیام و ... رسالت ها و مسئولیت های زائر منتظر»

در این زمینه می‌توان این مطالعه تطبیقی را از منظر دانش بینا رشته ای توسعه داد. و از زاویه دانش روانشناسی و جامعه شناسی و مدیریت و سیاست و حقوق و فرهنگ شناسی و ... به بسط و گسترش

مفهومی پیام‌ها پرداخت. و با کمک روش کارگفتی در دانش زبان‌شناسی به تحلیل ساختار زبانی هر دعا یا زیارت پرداخت. یعنی به این مسئله پرداخت که در زیارات مهدوی چه معارف حسینی و با چه ساختار ادبی ارائه شده است. یعنی در جایی که متن اصلی (زیارات مهدوی) رویکرد آینده‌نگر دارد، به گذشته و ریشه و هویت‌ها چگونه نگریسته است و در جایی که رویکرد مطالعه ریشه‌ها و هویت‌هاست (زیارات حسینی) چگونه از آینده و رسالت‌ها سخن گفته شده است.

سخن پایانی:

در مقایسه بین حسین و مهدی باید گفت که در روایات معصومین آمده است که، حسین مصباح است یعنی چراغی در ظلمت‌های جاهلیت پس از سقیفه تا جاهلیت فراگیر آخرالزمانی که راه را نشان می‌دهد.

و مهدی صبح است. یعنی روشنایی فراگیر تمام هست و سراسر کره زمین پس از زدودن ظلمت‌ها و تاریکی‌ها. با این حساب اربعین در بین مصباح و صبح، یعنی وقتی چراغ بدستت رسید، دیگر درنگ و درجا زدن و خوف از تاریکی جایز نیست. چرا که چراغ در دست داری پس خوفی از گمراهی نداری، و در این صورت درجا زدن و ماندن و به انتظار نشستن جایز نیست بلکه با الگوگیری از اصحاب‌الحسین و اصحاب‌المهدی باید حرکت را آغاز کرد، حرکتی در مسیر (نه نورانی‌سازی، چرا که این ماموریت امام مهدی است بلکه در مسیر) نشان دادن نور حسین به جهانیان و دعوتشان به نور وارث حسین. و این مهمترین ماموریت اربعین است.

بخش چهارم:

فرصت های اربعین برای فراگیرسازی پیام عاشورا

تحلیل و انالیز حماسه اربعین

ظرفیت های و راهبردهای فراگیرسازی بر بنیان انتظار ورزی:

در جامعه شیعه

در جامعه اسلامی

در جامعه جهانی

درآمد:

حضور در پیاده روی عظیم اربعین، توفیقی است که تنها قسمت انسان اخرا زمانی گردیده است. چرا که تاریخ سراسر خوف و تقیه و آکنده از رنج تشیع، و پایتخت معنوی آن کربلا هیچ گاه این جمع عظیم از شیعیان از سرزمین های گوناگون را به خود ندیده است. بدین جهت حضور در این تجمع عظیم تجربه ای بی نظیر است که نمی توان با آن مواجهه ای ساده و سطحی و سریع داشت. و بنا بر آنچه که در فصل های پیشین بیان شد، این حماسه عظیم هم از جهت ارزشی، هم از جهت فرهنگی و هم از جهت تاریخی دارای پشتوانه مهمی است، تا حضور زائر در این تجمع، سلوکی در امتداد سلوک کاروان اسارت و سلوک جابر باشد.

بنابراین در این فصل پایانی ابتدا این تجمع عظیم از جهت رفتاری مورد تحلیل و آنالیز قرار می گیرد. و پس از رصد و کشف ارزش های این حماسه عظیم، رسالت ها و ماموریت های زائر اربعین (با محوریت زائر شیعه ایرانی^{۱۳۶}) در سه مرحله شیعی و اسلامی و جهانی معرفی گردد.

تحلیل و آنالیز اجتماعی/رفتاری حماسه اربعین:

پیاده روی اربعین از زاویه زائر اربعین (و حتی از زاویه تمامی خادمان و میزبانان) شامل دو مرحله است. مرحله اول فرایند فردی ای که زائر طی می کند تا به جمع زائران اربعین بپیوندد. و دیگری رابطه و تعامل اجتماعی ای است که زائر در تجمع عظیم اربعین با دیگر حضار هم با میزبانان و خادمان (عمدتا عراقی و بعضا ایرانی) و هم با دیگر زائران (عراقی و ایرانی و دیگر کشورها) دارد. پس مراحل سفر او چنین است:

بازگشت	در کربلا		راه	مقدمات سفر	آغاز قصد
	در حرم	در شهر			
انتقال نور و پاکی	اوج توسل و دعا	فرایند قرب	فرایند سلوکی تدریجی همراهی جمعی عظیم	فراهم سازی شرایط ^{۱۳۷} و دل کندن از تعلقات	اراده برای تمرین و تجربه یک سلوک خاص

^{۱۳۶} . به دلیل برآمدنش از جامعه ای با سی و چند سال تجربه زیست انقلابی و بر بستر قرن ها تمدن سازی شیعی و
^{۱۳۷} . توصیه به سفر به کربلا حتی با قرض کردن و حتی در صورت وجود خوف و نگرانی و

در این فرایند آنچه که حماسه اربعین را از دیگر زیارت های فردی و جمعی متفاوت می سازد. مرحله راه است. زائر در مسیر پیاده روی با دو واقعیت روبرو می شود:

- اول: انبوه جمعیت زائران است (که خود قطره ای از آن دریا است)
- دوم: انبوه میزبانانی که خالصانه در خدمت او هستند (که گاه خود می تواند این خدمتگزاری را هم تجربه و تمرین نماید)

از این دو واقعیت، آنچه که مهمتر است و در حقیقت در یک روند زمانی چند ساله (کمتر از یک دهه) منجر به این حماسه عظیم شده است، مسئله میزبانی جامعه شیعه عراق از این انبوه زائران است. این در حالی است که حماسه عظیم اربعین حسینی دقیقاً به مدت ۲۰ روز تا یک ماه باعث تغییر و تحول در تمامی برنامه های اجتماعی و اداری و اقتصادی و ... کشور عراق و شهرهای عتبات عالیات و مناطق پیرامونی می شود. ولی عجیب است که جامعه شیعه عراق نه تنها از این وضعیت احساس ناراحتی و نگرانی ندارد، بلکه هر سال علاقه و همراهی بیشتری نشان داده و برای توسعه و گسترش آن تلاش بیشتری می کند.^{۱۳۸} اینجاست که این پرسش در ذهن زائر شکل می گیرد که:

این رویداد از سوی میزبان چرا و چگونه شکل گرفته است؟

و خود به عنوان زائر در این میان چه نقشی دارد؟ یا می تواند داشته باشد؟

در اینجا باید یادآور شد که برای فهم چیستی و چرایی رخداد حماسه اربعین در فضای شیعه عراق و عدم تکرار پذیری آن در فضای شیعه ایرانی با وجود قرار داشتن بارگاه امام هشتم در ایران و پیشینه تمدنی بیشتر و قدرت سیاسی/اجتماعی وسیعتر؛ مباحث فرهنگی و جغرافیای نژادی و ... گوناگونی مطرح است که اینجا مجالش نیست.^{۱۳۹} ولی توجه به پایگاه تاریخی تشیع در عراق و وجود عتبات عالیات در آنجا و نقش شهری مانند کوفه به عنوان مرز حکومت جهانی موعود، می تواند پاسخگوی بخشی از این پرسش باشد.

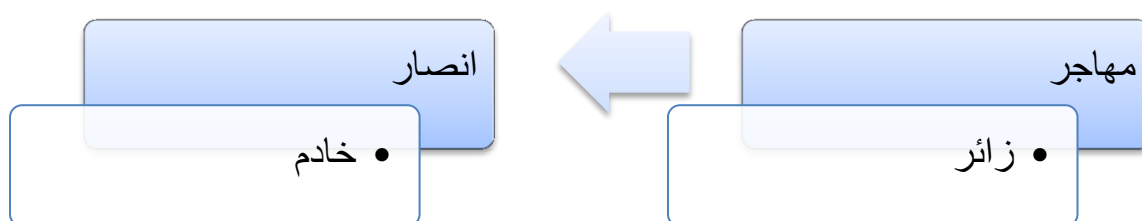
^{۱۳۸} نکات عجیب اربعین:

اینکه هرکسی ملک شخصی اش را در معرض استفاده عموم زوار قرار می دهد،
اینکه فقرا در انفاق اموال اندک خود از متمولان و ثروتمندان پیشی می گیرند،
اینکه بسیاری از مردم کسب و کار خود را در این دهه تعطیل می کنند
و ادارات و مدارس نیز به کارمندان و دانش آموزان برای مشارکت در مراسم اربعین مرخصی می دهند،
اینکه در این ایام اختلافات خانوادگی با شکل گیری موکب های خانوادگی و یا پیاده روی های خانوادگی به سمت کربلا حل و فصل می شود،
.. در این زمینه به غلبه گرایش احساسی بر شیعه عرب عراق در مقایسه با غلبه گرایش عقلانی و حسابگر به جامعه شیعه ایرانی می
توان اشاره کرد. همچنین تعدد و تکثر حرم معصومین در عراق و وجود حوزه های علمیه متعدد و نقش مرکزی آن در جهان اسلام و تشیع و

ولی آنچه در این میان دانستنش برای زائر ضرورت دارد فهم حقیقت رابطه اجتماعی اربعین است که باید مورد مطالعه و تحلیل و آنالیز قرار گیرد.

رابطه میزبان و زائر در حماسه اربعین، اگر چه تا حدودی شبیه رابطه اجتماعی اصحاب الحسین و یا اصحاب المهدی است، ولی ناظر به کوتاهی آن تجربه ها و یا عدم تحقق اشان، بهترین زمینه برای فهم و تحلیل و تفسیرش به اصحاب النبی و مدینه النبی بازمی گردد.

پس از آن که پیامبر به مسلمانان مکه دستور هجرت به مدینه را داد، آنان به علت آزار و اذیت قریش به ناچار دست خالی و غالباً همراه خانواده راهی مدینه شدند. این در حالی بود که مردم مدینه هم تحت تاثیر اسلام و عهدنامه خود با پیامبر متعهد به یاری مسلمانان شده بودند. پس بتدریج مدینه النبی ای شکل گرفت، متشکل از دو گروه مهاجر و انصار.^{۱۴۰} و بر اساس تعالیم دینی/قرآنی خیلی زود فضایی در شهر مدینه ایجاد شد بیشتر مسلمانان در این شهر درب منازل خود را به روی علاقمندان محروم اما علاقمند به دین اسلام باز کردند. و بدینگونه بود که مدینه شهری شد متشکل از دو گروه مهاجر و انصار. مهاجری که چون پا در سفر گذاشته بود هیچ نداشت. و انصاری که تعهد یاری داده بود پس هر چه داشت در طبق اخلاص گذاشت. این رویداد، حکایت رابطه زائر و خادم در حماسه اربعین است:



بر این اساس برای فهم چگونگی پیدایش حس خدمت و ایثار، باید به بازخوانی اصل اخلاقی و مسئله اجتماعی نصرت و اخوت در مدینه النبی پرداخت.

در منابع تاریخی در این زمینه و در وصف انصار چنین نوشته شده که:

^{۱۴۰} . مهاجران: گروهی از مسلمانان شهر مکه بودند که به منظور حفظ جان و عقیده خود مکه را ترک کرده و به شهر مدینه مهاجرت کردند. انصار، یا انصار النبی(ص): لقب مسلمانان مدینه از تیره‌های اوس و خزرج که پیش از هجرت، با پیامبر اکرم(ص) هم پیمان شدند و پس از هجرت در حمایت و یاری آن حضرت و مهاجران، پایداري کردند. انصار جمع نصیر و ناصر از ماده «نَصَرَ» به معنای یاری و یاری مظلوم در برابر دشمن است. این نام نخست به معنای لغوی آن، در وصف مسلمانان مدینه از اوس و خزرج استعمال شد، اما سپس همچون اصطلاحی بر ایشان اطلاق گردید.

«آنان دارایی خانه خود را در اختیار مهاجران قرار می‌دادند و آنان را در محصولات کشاورزی خود شریک کردند و برخی از آنان زمینهای پیرامون منازل مسکونی خود را به پیامبر بخشیدند.»^{۱۴۱}

و برای تحکیم این روابط انسانی متعالی که ریشه در قران و اسلام داشت^{۱۴۲} پیامبر در همان سال اول هجرت در مدینه برنامه عقد اخوت (پیمان برادری) را به اجرا می‌گذارد^{۱۴۳} و بین مهاجر و انصار پیمان برادری می‌بندد. هدف از این طرح رفع یک دغدغه مهم در آغاز پیدایش جامعه اسلامی بود.

چرا که از مهمترین دغدغه‌های پیامبر (ص) در آغاز پیدایش مدینه النبوی، چگونگی برقراری عدالت اجتماعی در میان مسلمانان بود. و لازمه پدیدار گشتن چنین عدالتی، از یک سو برافتادن تضادهای طبقاتی و از دیگر سو، ایجاد پیوندهای قرابت میان آحاد بر اساسی جدید و نوین مردمان می‌بود. به همین سبب پیامبر(ص) مبتنی بر نظام اعتقادی مسلمانان و باورمندی بر جهان آخرت و ...، طرح اجتماعی پیوند برادری دینی بین مهاجر و انصار را به عنوان راهکاری عملی برای شکل‌گیری برادری و برابری میان همه مسلمانان برقرار ساخت.^{۱۴۴} و بدینگونه بود که به جای نظام قبیله ای و یا نژادی و یا زبانی و یا ...، نظام برادری دینی و ایمانی بین مسلمانان حاکم گردید.

در این طرح دامنه تعهدات مومنانه، به حوزه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشیده شده تا در نهایت به تواند بسترهای تحقق عدالت اسلامی فراگیر را در جامعه محقق سازد.

نکته مهم در این طرح، نبودن هیچگونه فشار و یا تهدیدی در مقام اجرای این طرح است و فقط تعهد ایمانی طرفین ضامن اجرایی آن است. پس در راستای اصول اخلاقی صداقت و اعتماد و امانت و ... که همگی ریشه در ایمان توحیدی فرد مسلمان داشت این طرح اجرایی می‌گردد.

البته این تجربه نبوی از جامعه اسلامی، تجربه اولیه بود که قرار بود در بستر امامت نهادینه و گسترش یابد. ولی خط خلافت و جریان سقیفه با باز گرداندن ارزش ها و معیارهای جاهلی آن را ناکام گذاشت.

^{۱۴۱} . الطبقات، ص ۵۲۳ ، و : انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۸.

^{۱۴۲} . قرآن در دو جا به این تاثیر گذاری اسلامی//قرآنی تصریح دارد. یکی در آیه ۱۰۳ آل عمران « وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا» و دیگری در ۶۳ انفال «وَ اَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ اَنفَقْتَ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا مَا اَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ اَلَّفَ بَيْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

^{۱۴۳} . پیدا شدن مفهوم برادری دینی در فرهنگ صدر اسلام، زمینه‌های کهن‌تر از ترویج برادری از سوی پیامبر اکرم (ص) در میان مهاجران و انصار پس از هجرت به مدینه داشته است. از کهن‌ترین نمونه‌های کاربرد تعبیر برادری میان مسلمانان، تعبیر برادری ناظر به برادری مسلمانان مکه با هم‌کشانی در یثرب، در روزهای پیش از هجرت پیامبر و مسلمانان به آنجا است. از دیگر سو به نظر می‌رسد مفهوم برادری دینی در فرهنگ اسلامی یک امر عارضی و بازتاب صرف فرهنگ عرب جاهلی نبوده و در شمار اصلی‌ترین راهکارهای پیامبر (ص) محسوب می‌شده است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۶۱۷).

^{۱۴۴} . دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۶۱۸.

و از همین جا بود که بازگرداندن این نظام اخلاقی/اجتماعی همیشه آرزو و بلکه جزو برنامه های تبلیغی امامان شیعه قرار گرفت. تا بدان جا که آنان حتی مبنای جامعه المهدی را همین الگوی برادری مدینه النبی معرفی کردند. و البته این نظام را منحصر به دوران ظهور نکردند. و از تمامی مدعیان انتظار زیستی این وضعیت را مطالبه کردند. نمونه ای از روایات اهلبیت در این زمینه چنین است:

جایگاه اخوت و ایثار گری اقتصادی در نظام سازی شیعی	
معرفی اخوت دینی در زمینه اقتصادی به عنوان نشان فراگیر تشیع	«امام باقر (ع) به یکی از شیعیان خود به نام اسماعیل فرمود: ای اسماعیل! آیا در میان مردمی که می زیستی، این برنامه وجود داشت که اگر فردی عبا و روپوش نداشت و نزد یکی از برادرانش عبا می اضافی وجود داشت، آن را به برادر نیازمندش رد کند تا او هم از نداری بیرون آید؟ اسماعیل می گوید: خیر. امام فرمود: اگر فردی از آنان پیراهن اضافی داشت، آیا آن را برای برادر نیازمندش می فرستد؟ اسماعیل می گوید: خیر. امام با دست بر زانو می زند (و با ناراحتی) می فرماید: آنان برادر نیستند.» ^{۱۴۵} « در روایت دیگری امام (ع) می فرماید: آیا شما به گونه ای با هم یک دل هستید که یکی از شما دست در جیب دوست خود فرو برد و آنچه لازم دارد بردارد؟ (و از سوی دوستش مورد اعتراض قرار نگیرد؟) حاضران گفتند: خیر، ما این چنین نیستیم. امام فرمود: پس شما آن گونه که فکر می کنید برادر نیستید.» ^{۱۴۶}
معرفی اخوت اقتصادی به عنوان شاخصه دوران ظهور	و درباره نشان ظهور چنین می فرمایند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکار شان را پرورش داده تکمیل می کند.» ^{۱۴۷} و می فرماید: «در دوران ظهور امام زمان (ع) دل های امت پیامبر (ص) پر از بی نیازی می شود ، یعنی همه قلبا احساس بی نیازی می کنند و عدل امام زمان (ع) همه جا گسترش می یابد تا این که دستور می دهد تا منادی در میان جمعیت ندا کند که هر کسی هر چه احتیاج دارد بیاید و بگیرد ، هیچکس بلند نمی شود بگوید من احتیاج دارم

^{۱۴۵} . تنبيه الخواطر ۳۳۰ .
^{۱۴۶} . «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ أَجِبْءُ أَحَدَكُمْ إِلَى أَخِيهِ فَيَدْخُلُ بَدَهُ فِي كَيْبِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَدْفَعُهُ فَقُلْتُ مَا أَعْرِفُ ذَلِكَ فَبِينَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ فَلَا شَيْءَ إِذَا قُلْتُ فَأَلْهَأَكَ إِذَا فَقَالَ إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُعْطُوا أَحْلَامَهُمْ بَعْدَ» .
 کافی، ج ۲، ص ۱۷۴
^{۱۴۷} . بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸

<p>غیر از یک نفر ، او بلند شده می گوید ، من احتیاج دارم ، این یک نفر که بلند شده مال را می گیرد بعد پشیمان شده می گوید می خواهم چه کنم ، همان را برمی گرداند»^{۱۴۸}</p> <p>حضرت علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده است: «زمانی که امام زمان (ع) بیاید اموال (بیت المال) روی هم انباشته شده است ، بعد کسی به امام زمان (ع) خطاب می کند من احتیاج دارم . حضرت می فرماید : برو بگیر ، او هم به قدر احتیاج خود می گیرد.»^{۱۴۹}</p>	
--	--

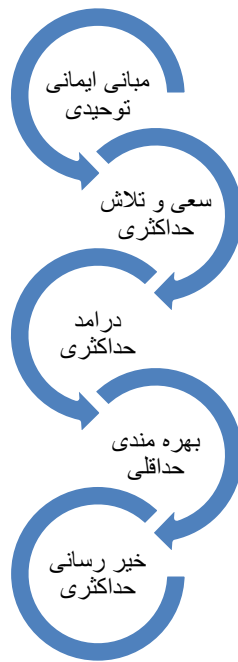
پس در حقیقت واقعیت ماجرای اربعین در احیای سیرتی فراموش شده است که گستره ای زمانی از مدینه النبی تا مدینه المهدی دارد. و آن سیرت همان حاکمیت اخلاق توحیدی به جای اخلاق سودجویانه و فردگرایانه و دنیاخواهانه... است. در این نظام هر فرد یک سال تلاش می کند تا بیشترین درآمد و منفعت را داشته باشد ولی نه با هدف سود و لذت و رفاه فردی و یا خانوادگی بیشتر، بلکه با هدف خیر رسانی جمعی بیشتر به جامعه ایمانی و یا علاقمندان به مومنان است آن هم در یک فضای جمعی از ایثار و اخلاص، که گویا همگان مسابقه و سرعت در خیرات گذاشته اند.

البته گمان نشود که در مدینه النبی الگویی جامع از این همگرایی ایمانی/اخلاقی در رفتار اقتصادی با هدف نشر اسلام به صورت فراگیر ایجاد شد. بلکه پیامبر تنها بسترهایش را فراهم نمود. ولی نقطه اوج و خالصانه این مدل در زندگی حضرت علی و حضرت زهرا شکل گرفت.^{۱۵۰} پس فرایند اقتصاد ایثار محور بدین گونه است:

^{۱۴۸} . « ویملاً الله قلوب أمه محمد (ص) غني ويسعهم عدله حتي يأمر مناديا بنادي ؛ يقول : من له في المال حاجة ؟ فما يقوم من الناس الا رجل واحد ثم يأمر له بالمال فيأخذ ثم يندم (كشف الغمة، الإريلي، ج ۲، ص: ۹۸۲) »

^{۱۴۹} . « يأتيه الرجل والمال كدس فيقول يا مهدي اعطني فيقول خذ» غيبه نعمانی ص ۹۴

^{۱۵۰} . شاهد این مدعا نزول آیات متعدد در فضیلت انفاق های علوی و فاطمی است. و جالب این که اولین انفاقگر و ایثارگر اقتصادی مومن و مخلص در تاریخ اسلام حضرت خدیجه است که بانویی ثروتمند بود ولی تمام اموالش را تقدیم پیامبر نمود تا در راه تبلیغ اسلام و تامین معیشت محرومان هزینه نماید. حضرت زهرا تنها دختر ایشان هم پس از دریافت فدک، با وجود کسب درآمد سالیانه ۳۵ هزار دیناری، همه ان را در راه اسلام و رفع نیاز مسلمانان محروم و مستضعف هزینه می کرد و خود از اموال فدک بهره ای نمی برد.



پس از سقیفه و نابودی این طرح با احیای جاهلیت، امام حسین در طول قیام خود سعی کرد که این سنت و سیرت را در کاروان همراه خود در محدوده اهلیت و اصحاب بازسازی کند، ولی عمر این خیمه حسینی تنها تا عصر عاشورا بود.

ولی طبق یک گزاره مهم از زیارت اربعین، بازتاب حماسه حسینی، بستر سازی برای جاهلیت زدایی (و احیای سنت های اسلامی) است:

« وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِیْكَ لَیْسُنْتَقَدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ »

و اتفاقا امامان پس از عاشورا هم تنها بر اساس ارزش های عاشورایی توانستند به احیای تشیع بر همان اساس بپردازند. پس سنت های اربعینی، مبانی معرفتی و پیشینه و پشتوانه تاریخی شیعی است که در جوامع شیعی کمرنگ شده بود و در بستر حماسه اربعین هم در قالب نظام سازی اجتماعی جدید (فراتر از نظام های اجتماعی شیعیان در کشورها و مناطق و نژادها) هم احیا شده و هم به جهانیان معرفی می گردد.

پس واقعیت رفتارهای شگفت اربعینی، برآمده است از مبانی تاریخی شیعی که در عاشقان حسینی در سه ساحت وجودی او^{۱۵۱} نمود و بروز یافته است:

^{۱۵۱} . از جهت بازشناسی حالات سه گانه انسانی در فرایند دین ورزی که عبارتند از «معرفت، ایمان، عمل»

تحلیل رفتار میزبانان اربعین		
هدف	رفتار	انگیزه
به ارزیابی رسیدن به مدینه المهدی ^{۱۵۳}	سعی در مدل سازی برای سبک زندگی اربعینی: ارائه خدمات خالصانه به میزان ان درک و فهم و به میزان دارائی و توانی که در یکسال گذشته بدست آورده	تلاش برای بازسازی مدینه النبی ^{۱۵۲}

بنابراین نگاه، همانگونه که اربعین حدفاصل عاشورا و ظهور است، تجربه کوتاه و متعالی (و گذرای اخلاق و جامعه اربعینی هم چون ابر بهاری) حد فاصلی بین دو مدینه فاضله است. مدینه فاضله مبنا (شهر پیامبر) و مدینه فاضله مقصد (شهر مهدی).

بدین جهت است که وقتی زائر در فضای اربعین گام می گذارد، فضایی سراسر بهشتی و معنوی می بیند. و ارزش هایی متعالی مانند:

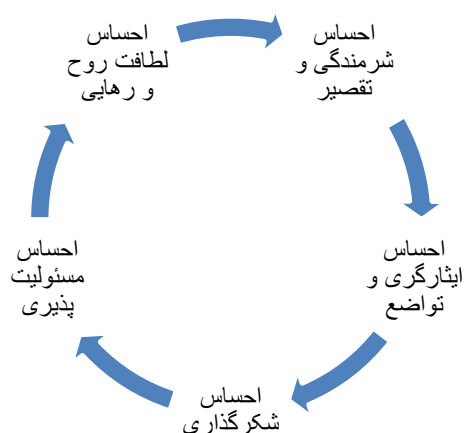
رفتار	کارکرد های اخلاقی/سلوکی
ملیون ها زائر آواره بیابان و دور از زندگی و شغل و ... و در فضایی جدید اما همراه با رضایت و آرامش	تمرینی برای بازسازی جامعه ایمانی و دینی تجربه فرهنگ شیعی بیرون از تعلقات منطقه ای و نژادی و محلی تمرین تمرکز سازی اراده ایمانی فارغ از تعلقات نژادی و محلی
روابط اجتماعی تنها بر دو گانه خادم- زائر	از بین بردن تمامی تعینات اعتباری و توهمی دست پا گیر در زندگی جمعی و تعریف انسانی ترین و ساده ترین رابطه آسمانی
تقدیم هرچه که هست حتی از سوی فقرا	تمرین انفاق با هدف رشد توکل و توسل مبتنی بر اعتقاد به سنت های جاری در اقتصاد دینی
هم فعال و نقش افرین (موقع پیاده روی) هم تماشاگر (موقع استراحت یا موقع تماشای دیگر زائران در حین حرکت)	دوران خاطره سازی (جاذبه های اربعینی) بر محور همگرایی دینی
همه متمرکز بر کنش پیاده روی و تحقق آن به بهترین صورت	نمادی برای حرکت از گذشته به آینده تمرین همگرایی بر هدفی واحد و متعالی

^{۱۵۲} . (البته انگیزه آشکارش، شور و عشق حسینی است ولی انگیزه نهفته اش ارزش های عاشورایی ای است که حسین بدانها دعوت می

کرد)
^{۱۵۳} . البته در زبان حال و یا کلام برخی ممکن است سخن از حاجت گرفتن از اهلبیت و یا عشق خدمت به اهلبیت باشد. ولی بازگشت این اهداف خرد و یا میانی به هدفی کلان است که همان مدینه المهدی است.

<p>افرار از تعلقات روزمره و تمرین آمادگی برای دین یآوری در هر شرایط و وضعیتی</p> <p>افرار از شلوغی های احرالزمانی مدرن و ... و بازسازی و تجربه سبک زندگی دینی/شیعی</p>	<p>افرار همه به سبک باری و فراغ بال برای پیاده روی</p>
<p>تلاش برای ایجاد یک آرمان مشترک حداکثری تربیت تعاون اجتماعی</p>	<p>فضای جمعی و خدمات جمعی</p>
<p>تمرین ثبات و استقامت جمعی و مسابقه در عشق ورزی</p>	<p>پارادوکس: خستگی اواخر مسیر اما عشق ادامه راه</p>
<p>سعی در گذر از فردانیت به جمع ایمانی بر محور ولایت احساس دعوت شدن در جمع خوبان ایجاد فرهنگ امید جمعی</p>	<p>مشاهده خود در جمعیت:</p>
<p>پالایش شدن از معبر تقرب و بندگی و البته تقریبی که در جمع و در کنار خوبان و در فضاهایی کاملاً نورانی و معنوی و متعالی است</p>	<p>اهتمام به مناسک عبادی</p>
<p>درک هویت شیعی و حسینی بودن در کانون حماسه و ایجاد فضای رقت قلب و تقویت عاطفه (و تسهیل سلوک تطهیری و توسلی)</p>	<p>شعارها و نمادهای صوتی و بصری</p>
<p>تمرین عفاف و حیا و ادب ورزی در عظیم ترین تجمع بشری تمرین ورزی حقوق اجتماعی مبتنی بر ایثار</p>	<p>حضور انبوه زن و مرد و کوچک و بزرگ در فضایی امن و سالم</p>

پس اربعین فضایی است که از بنیان های سالم اقتصادی بر می خیزد. همه سعی می کنند پاک ترین سرمایه ها و تمامی سرمایه را به میان بیاورند. و وقتی که بنیان دنیوی یک تجمع درست شد، در این شرایط است که فضایی سراسر معنوی و قدسی ایجاد می گردد تا زائر به سیر و سلوک برسد. ان هم سلوکی همراه با احساس هایی متناقض تا اورا کاملاً به هم ریخته و از او انسانی جدید خلق کند:



و در جمع بین این احساس های متناقض و درگیری های درونی ای که نه در خلوت و زهد صوفیانه، بلکه در ضمن سلوک جمعی سوگواران حسینی رخ می دهد، است که بتدریج زائر فرایند گذر از من به ما و نزدیک شدن به فضای اصحاب و یاوران دیروز و آینده اهل بیت (و حتی خادم) را تجربه می کند. و بدینگونه سبک زندگی اربعینی شکل می گیرد.

سبک زندگی اربعینی		
با خدا	از مشاهده آثار و آیات او در حماسه اربعین تا درک فاصله هایش با حق تعالی و تمرین استغفار و تطهیر و تلاش برای تمرین بندگی و تقرب جوئی دوگانه (تقرب با گریه حسین به خدا و تقرب به حسین با عبودیت و عبادت ورزی) تلاش برای بازسازی معرفتی و گرایشی، با هدف کسب آمادگی برای زندگی ایثارگرایانه و اهتمام به بازگشت به دین ورزی جامع	
با خود	خلوت و بازنگری در خود خصوصا پس از مشاهده انواع عاشقان حضرت با رفتارهای مبتنی بر اخوت و ایثارگری شگفت تلاش برای تطهیر و پاکسازی از توهمات و اعتبارات آخرالزمانی و ارزش های جاهلیت مدرن و در نهایت گذر و گذار از خود برای رسیدن به هویت جمعی تلاش برای فاصله گیری از تنبلی ها و کسالت ها و سستی ها و رسیدن به تلاشگری فراگیر	
با ولیّ خدا	امام شهید	گریه و حزن بستری برای توسل و تحول
	امام غائب	از یادکرد پیوسته تا تلاش برای عهد و پیمانی که در طول سفر آن را نهادینه می سازد
با مردم	خدامان	احساس شرمندگی و ابراز تشکر و تلاش برای تعاون اهتمام به کارگروهی، همکاری در انضباط اجتماعی
	دیگر زائران	تلاش برای شناخت و اهتمام به رعایت حقوق و توجه به ارتباط گیری و طراحی برنامه اخوت و نظرت فراگیر جهانی شیعی
	بازماندگان	یادکرد و دعا و نیابت و تلاش برای بستر سازی برای زیارت مجازی آنان و بردن سوغات های ارزشی اربعینی
بازتاب ها		
بازسازی سبک زندگی جدید بر بنیان یادکرد همیشگی امام شهید، پیمان بستن با امام غائب، بازشناسی سالیانه جغرافیای تشیع و محبان، و رسیدن به تلاش حداکثری برای بازنشر ارزش های عاشورایی در		

محدود استعدادها و توانمندی ها (و برنامه ریزی برای توان افزایی روزآمد)

و بر بستر این سلوک فردی/جمعی (وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت) است که زمینه ها برای پیدایش جامعه و جغرافیای حقیقی شیعه و همچنین عاشقان و دوستان امام حسین از غیر شیعیان فراهم می گیرد در آرزوی تحقق جهانی ارزشهای «عاشورایی، اربعین، مهدوی» منتظر ظهور فرزند اویند. و زمینه ها برای جهانی سازی ارزش های عاشورایی فراهم می گردد. ارزش هایی که در سه سطح شیعی، اسلامی، جهانی؛ ظرفیت بروز و نمود خواهند داشت:

در جامعه شیعه:

مطالعه چیستی و چرایی و چگونگی اربعین، بدون شناخت جغرافیا و جامعه شیعه تلاشی ابرتر است. چرا که اصولاً اربعین نشانی برای شیعه بودن و تلاشی برای همگرایی شیعیان است. پس یکی از زمینه های اربعین شناسی و همچنین محورهای بازتاب شناسی، فرصت های شیعه پژوهی آن است.

جامعه شیعه امروزه بخشی از جامعه جهانی است که جمعیتی در حدود ۳۰۰ میلیون نفر پیرو دارد. و بیشتر این جمعیت هم در خاورمیانه ساکن است. و دلیل آن وجود بارگاه های نورانی اهلیت و امامزادگان است که باعث پیدایش مراکز شیعی در بستر تاریخ اسلام در این منطقه گردیده است.



در طول ۱۴ قرن که از تاریخ اسلام می‌گذرد، جوامع شیعی ابتدا توسط خلافت های ظالمانه و سپس توسط جریان های استعماری فرصت همگرایی اجتماعی و فرهنگی کلان نیافتند. اگرچه در مقاطعی از تاریخ، جوامع شیعی شاهد حکومت های بزرگ (ال بویه- صفویه) و یا مرجعیت و زعامت نسبتا فراگیر برخی مراجع شیعه (آیت الله بروجردی) بوده است ولی هیچگاه فرصت همگرایی منطقه ای بر محور ارزش های دینی برایش فراهم نبوده است. و از آنجا که به فرموده امام صادق ع دولت حقه و جهانی امامان معصوم در آخر الزمان خواهد بود،^{۱۵۴} بدین جهت بستر سازی ها برای پیدایش آن دولت حقه باید ابتدا در جامعه شیعه فراهم گردد.^{۱۵۵} و اربعین بزرگترین سرمایه اجتماعی است که در جمع بین عاشورا و مهدویت و معبری بین آن دو، می تواند بستر ساز این رسالت باشد.

مستند این ادعا روایاتی است که تصریح دارد علت تاخیر ظهور نه قوت جبهه باطل و یا گسترش ظلم جهانی، بلکه پراکندگی جامعه شیعه و نبود همگرایی بین آنان با هدف منجی خواهی است.^{۱۵۶} این در حالی است که امروزه ترکیب مهاجم فرهنگی و دور افتادگی جغرافیایی و فاصله های نژادی در کنار مرز بندی های سیاسی، بشدت باعث دور افتادگی جوامع شیعه در منطقه خاورمیانه و شبه قاره هند و ... از همدیگر شده است. و وضع اقلیت های شیعه در جهان شرق و غرب هم چندان مطلوب نیست.

در این شرایط تنها عنصر و سرمایه اجتماعی/ فرهنگی که می تواند فارغ از تمام تعین ها و اختلاف ها، به همگرایی جوامع شیعه یاری رساند، تجمع و پیاده روی اربعین است.

شیعیان حدود ۲۵٪ تا ۳۰٪ از کل جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند. و در حدود ۳۰۰ میلیون تا ۳۵۰ میلیون نفر هستند. بیشتر شیعیان دوازده امامی در هند (۴۰ تا ۶۰ میلیون نفر)، ایران (بیش از ۸۹ درصد)، عراق (۶۵ درصد)، جمهوری آذربایجان (۸۵ درصد)، لبنان (۴۰ درصد)، افغانستان (بیش از ۳۰ درصد)، پاکستان

^{۱۵۴} . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ دَوْلَتْنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَنْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لِهْمُ دَوْلَةٌ إِلَّا مُلْكُوا قَبْلَنَا لِنَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مُلْكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِيرَةِ هُوَلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (الغیبة للطوسی، ص: ۴۷۳)

^{۱۵۵} . البته این فرایند می تواند ابتدا با شکل گیری حکومت های منطقه ای شیعی مانند جمهوری اسلامی ایران و یا پیدایش حوزه های علمیه وعده داده شده با رسالت جهانی سازی تشیع مانند حوزه علمیه قم صورت بگیرد.

^{۱۵۶} . الإحتجاج، الطبرسی ج ۲ ص ۴۹۹ : لَوْ أَنَّ أَشْبَاعَنَا وَ قَهْمُ اللَّهِ لِبَاعْتِهِ عَلَى إِجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ : اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت از خود موفق گرداند - دل هایشان بر وفای به پیمانی که بدان موظف هستند، اتفاق می کردند، قطعاً توفیق ملاقات با ما برای آنان به عقب نمی افتاد، و قطعاً سعادت مشاهده ی ما، بر اساس معرفت دقیقی و صداقت دل، به زودی برای آنان حاصل می شد.

(۲۰ درصد) و کشورهای حاشیه خلیج فارس (۲۰ تا ۳۰ درصد) در بحرین (۷۵ درصد) در ترکیه (۵ درصد) و با احتساب علویان تا ۴۰ درصد) و همچنین در سوریه و یمن هم زندگی می کنند.^{۱۵۷}

و اقلیت های قابل توجهی از شیعیان در دیگر مناطق شامل کشورهای آسیای جنوب شرقی (مالزی و تایلند و ...) و اروپایی (انگلستان و فرانسه و آلمان و سوئد و روسیه و بوسنی و ...) و قاره آمریکا (آمریکا و کانادا و برزیل و آرژانتین و ...) و آفریقا (مصر و نیجریه و تانزانیا و آفریقای جنوبی و ماداگاسکار و ...) حضور دارند.

گزارشی نسبتاً جامع از جغرافیای تشیع در دنیا چنین است:



درباره جغرافیا و جمعیت شیعه جالب است بدانیم که:

- جمعیت شیعه از جهت نژادی/فرهنگی شامل سه دسته عمده شیعه عرب، شیعه فارس و شیعه ترک زبان می گردد. که این جمعیت عمدتاً در دو منطقه خاورمیانه و شبه قاره هند زندگی می کنند.
- جامعه شیعه ایرانی در کانون جغرافیای تشیع است. و از نسبت به کشورهای همسایه شمالی و شرقی، نقش گذرگاه برای شیعیان زائر اربعین را دارد.

^{۱۵۷} . بر اساس آمار سیا و رلد

- جوامع شیعی در کشورهای دیگر به غیر از ایران و عراق ضمن این که از جهت سیاسی در ضعف هستند، از جهت اجتماعی و اقتصادی هم در محرومیت ها و مشکلات بسیاری به سر می برند.

- جوامع شیعه پیرامونی ایران، در مقایسه با فشارها و محرومیت، (به جز جغرافیای مظلوم کشور اذربایجان) از جهت فرهنگی و شعائر دینی دارای قوت ها و ارزش ها فراوان هستند.

- جوامع شیعه ای که به صورت اقلیت در قاره های آمریکا و اروپا زندگی می کنند، دارای سطح بالایی دانش و بعضا رفاه نسبی اقتصادی بوده ولی از جهت سیاسی در حاشیه هستند.

اینک ناظر به این واقعیت ها است که حماسه عظیم اربعین رخ می دهد و ناظر به رسالت های زائر شیعه در بستر تجمع عظیم اربعین است که باید به نکاتی چند اشاره کرد:

۱. فرایند رشد سریع کمی و کیفی اربعین و نشانه های غیبی آن: حماسه اربعین پس از سقوط صدام تنها عمری ۱۴ ساله دارد. ولی رشد سریع آن بازتاب های جهانی داشته است. دوست و دشمن را به شگفتی واداشته است. و این امر به علت ظرفیت های بالای مکتب تشیع در ایجاد همگرایی بین پیروان خود است. و این امری بوده که دولت و ملت ما سه دهه از آن غفلت ورزیده است. تا بدان جا که بسیاری از جوانان ما با جغرافیا و جهان تشیع بیگانه اند. ولی حضور در حماسه اربعین و مشاهده پرچم ها و نژادها و زبان ها، مسئولیت شیعه پژوهی و شیعه شناسی را به ما گوشزد می کند.

۲. انتظار در دوران غیبت به معنی ضرورت تلاش برای رسیدن به امام زمان نیست. بلکه انتظار دوگانه ای دارد. از ارتباط پیوسته با نائبان عام و مراجع دینی جهان شیعه و دیگری بازشناسی «قوت ها/فرصتها و ضعف ها/تهدیدها»^{۱۵۸} در مورد مناطق گوناگون شیعی و تلاش برای همگرایی برای تقویت قوت/فرصت و رفع ضعف/تهدید است.

۳. جامعه شیعه ایرانی از جهت تمدنی و از جهت سیاسی/اجتماعی و امکانات فرهنگی و رسانه ای و شرایط اقتصادی و علمی و ... دارای فرصت بی سابقه و ارزشمند تاریخی است. ولی در مسابقه اربعین هم از شیعه عراق عقب مانده و هم شرمنده جامعه شیعه پیرامونی خود از جهت عدم یابوری شایسته آنان برای دعوت گسترده اشان به حماسه اربعین است و این ...

^{۱۵۸} . روش تحلیل و مدیریت SWOT : روشی که یک پدیده را از جهت داخلی از منظر قوت ها و ضعفهایش و از بیرون از منظر تهدیدها و فرصت هایش مورد مطالعه قرار می دهد.

۴. اربعین امروزه تبدیل به یک سوژه خبری جهانی شده است. و در اربعین هم اقلیت های شیعه از سراسر جهان حضور دارند. همگرایی و همفکری با آنان می تواند باعث پویا سازی جوامع شیعی در گستره جهانی با هدف نشر جاذبه های فرهنگی تشیع و جهانی سازی پیام های عاشورایی شود.

نکته پایانی این که:

اربعین در جامعه شیعه چونان یک ابر بهاری است که در یک فرصت یک ماهه در آسمان معنوی کربلا می درخشد. این تجمع امروزه به مدت یک ماه تا ۳۰ میلیون نفر، یعنی یک سوم جهان شیعه را درگیر ارزش های معنوی و متعالی خود می کند.

با این روند فزاینده که اربعین در حال گسترش است، اگر به تعمیق سه گانه «نگرشها، ارزش ها و رفتارها» در آن توجه شود و از آسیب های احتمالی محفوظ نگهداشته شود، می توان امیدوار بود بسترهای احیای تمدن اسلامی و تمدن سازی (شیعی) به سرعت فراهم گردد.

چرا که مهمترین پیش نیازهای تمدن سازی دینی بر اساس تجربه تمدن سازی نبوی در مدینه النبی، فراهم سازی سرمایه انسانی رشد یافته و ایثار گر و مجاهد و دیندار است. این در حالی است که بنیان فرهنگ و سبک زندگی اربعینی، بر دو گانه عبودیت و ایثار اخلاقی استوار است. پس چشم انداز حماسه اربعین در کوتاه مدت می تواند به سوی جامعه و تمدن زمینه ساز و سپس به سوی تمدن جهانی ظهور باشد.

اربعین در جهان اسلام

جهان اسلام امروزه با نزدیک به ۲ میلیارد جمعیت و جغرافیایی به گستره ای از اقیانوس اطلس تا هیمالیا و ... و قرار گرفتن در مناطق سوق الجیشی دنیا و بر روی ثروت های طبیعی فراوان و سرمایه اجتماعی بی نظیر، می توانست مدعی اول تمدن سازی باشد. ولی متأسفانه امروزه انحطاط کشورهای اسلامی موجب سخریه جهانیان شده است. و به واسطه ی تهاجم فرهنگی غرب و تبلیغات آن ها به جای اندیشه اسلامی، اندیشه ناسیونالیستی و ملی گرایی (عربی، ترکی، ایرانی و ...) و یا غرب زدگی و یا در نهایت اسلام التقاطی بر جهان اسلام حاکم شده است. در این شرایط تنها راه پیش روی جوان مسلمان برای دینداری اسلامی،

گرایش به وهابیت و جریان های تکفیری است. ولی این گرایش هم، نه با اسلام راستین و نه با فطرت و نه با دنیای متجدد قابل جمع نیست.

بدین جهت امروزه در جهان اسلام جمعیتی عظیم از جوانان وجود دارند که دچار حیرت و سرگردانی در کنار علاقمندی به اسلام هستند.

این واقعیت البته جهان سلطه را واداشت که در در این سال ها در قالب اجرای طرح بهار عربی به تغییر و تحول ظاهری در برخی کشورهای اسلامی پردازد تا مبادا با خیزش جوانان مسلمان روبرو شود. ولی این خیزش ها بر خلاف تصور آنان به جای سکولاریسم و یا غربگرایی، شناسنامه و رویکردی اسلامی از خود نشان داد:

شناسنامه بیداری اسلامی در جهان عرب	
ابعاد و شاخص‌ها	نمودها و رویکردها
جغرافیا	جغرافیای عرب مسلمان، مرکب از کشورهای گوناگون عقب مانده و یا نفتی ای که اگرچه سرانه درآمد آن‌ها هم بالا باشد اما از جهت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای جوامعی ایستا و بی تحرک و خفقان زده بوده، و نظام سیاسی آنها هم سلطنتی و یا دموکراسی سلطنت‌زا بود و از جهت شکل‌دهی جامعه‌ای پویا و با نشاط و نظام تمدنی سازی که در دنیا عرض اندام کند دور بودند.
اندیشه	دین حاکم در این کشورها اسلام سنتی و با قرائت سنتی افراطی بود که براساس آن اصل امنیت در برابر اصل عدالت قرار می‌گیرد و با تنزل اصل اطاعت مطلق از خلیفه عادل؛ به لزوم اطاعت از هر حاکمی اگرچه فاسق و ظالم باعث رکود و رخوت مذهبی در جامعه شده بود. اما جوانان جامعه در ترکیب کسب تحصیلات جدید و مشاهده اسلام انقلابی؛ به ساختارشکنی این اندیشه پرداختند.
نیروی اجتماعی و منابع انسانی	جوانان مسلمان این جوامع که در اوج هیجان و نشاط بودند. و با مشاهده عقب‌ماندگی و رکود داخلی خود در برابر نشاط دیگر بخش‌های جغرافیایی جهان اسلام دیگر نمی‌توانست سکوت و سکون را تحمل کند.
واکنش	نهادهای و حوزه‌های سنتی دینی و به ویژه سلفی تا آخرین لحاظت یا منزوی

<p>نهادهای دینی سنتی و احزاب اسلامی</p>	<p>بوده و یا با صدور فتواها طالب آرامش بودند و بعضاً در دقایق آخر اعلان همراهی نسبی و یا اعلان تبریک داشتند و حتی پس از پیروزی هم نشانی برای خروج از فضای بسته و سنتی خود نشان ندادند. ولی احزاب اسلامی که ابتدا مرده بودند با آشکار شدن نشانه‌های پیروزی به سرعت به میدان آمده و سعی در خوشه‌چینی کردند</p>
<p>ریشه‌ها</p>	<p>ظلم و ستم و تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی، عقب‌ماندگی‌های تکنولوژیک، رکود سیاسی و اجتماعی، همراهی ارباب سلطه در این کشورها با نظام سلطه جهانی به جای اسلام انقلابی.</p>
<p>بازتاب‌ها</p>	<p>- گسترش سریع این جریان به سراسر جهان عرب مسلمان و تبدیل شدن آن به یک اپیدمی ثابت اجتماعی، ولی جریانی که ریشه نداشت و از نعمت رهبری دینی هم محروم بود و در نهایت جز حیرت و سرگردانی بیشتر نیفزود</p>

در این شرایط وقتی جهان سلطه، گرایش‌های قوی اسلام‌گرایی عجیب با صهیونیست ستیزی را در این تحولات مشاهده کرد، به سرعت تلاش کرد تا با بازی دادن برخی احزاب اسلامی و بازخرید مهره‌های سنتی و ایجاد بحران‌های اقتصادی و ... دوباره نظام‌های سکولار و یا افراطی را (با بازتولید داعش به جای القاعده) به جهان اسلام بازگرداند.

در این شرایط که از یک سو جهان غرب و سران مرتجع به اختناق دامن می‌زنند و از سوی دیگر تکفیری‌های افراطی ابروی اسلام می‌برند، ناگهان حماسه عظیم اربعین در جهان تشیع رخ می‌دهد. حماسه‌ای که بر خلاف تصور اولیه، تنها شیعی نیست. بلکه در کنار اهل کتاب، جمع قابل توجهی از اهل سنت عراق و ایران و ... در آن شرکت می‌کند. چرا که احساس می‌کنند این حماسه احیاگر همان ارزش‌های اسلامی فراموش شده آنان در مدینه النبی است. چرا که در این حماسه فقط شعائر و شعارهای اسلامی/انسانی‌ای می‌بیند که فقط در صدر اسلام شاهدش بوده است. و در عین حال به جای جمعیت راکد و ساکت و افسرده غیر شیعی (که در جهان غیر شیعی در جای جای جهان اسلام چون ابی راکد ...)، انبوه عاشقان اهل بیت را با نشاط و سرزنده و پویا و فعال و در اوج ایثار و اخلاص می‌بیند. در این شرایط است که آنان هم ناخود آگاه به اقیانوس فضایل اربعین کشیده می‌شوند. و این وضعیت باعث شده که عدو شود سبب خیر اگر خدا بخواهد. بدین معنا که در فضای سانسور شبکه‌های غربی و عربی نسبت به اربعین و در

فضای سیمای خشن و وارونه داعش و القاعده و وهابیت از اسلام، او با به مقایسه بین حماسه اربعین و مدعیان سلفیت و وهابیت می پردازد:

موضوع و شاخص	حماسه اربعین	سلفیت (وهابیت و داعش و ...)
نگرش و ارزش	دیدن گذشته ولی حرکت به سوی آینده	گذشته گرایی افراطی
سیاست	ذلت گریزی و عزت طلبی	نظام سیاسی ظلم پذیر و ذلیل ساز
شهادت	با هدف دفاع در برابر دشمن	با هدف کشتار و نابودی همه انسان های غیر سلفی
رویکرد اخلاقی	بازسازی مدینه النبی بر اساس نهایت ایثار گری و همگرایی و نشاط اجتماعی	تعصب و تحجر در و کشتن ارزش ها و گرایش های فطری و تبدیل سازی دینداران به مقلدان تو خالی مناسک دینی
نظام اجتماعی	پذیرش هر کس که جذب ارزش های مکتب اهل بیت شود حتی اگر شیعه یا مسلمان نباشد	طرد و نفی مسلمانان غیر سلفی به اتهام شرک و ارتداد و تعامل با جهان غرب با ادعای اهل کتاب بودن
سیمایی که از اسلام نشنا می دهد	نهایت ارزش های اخلاقی و فطری انسانی در بزرگترین تجمع انسانی و خلق عظیم ترین نظام ایثار و انفاق و اطعام جهانی	نهایت وحشی گری و اوج خشونت و سیاهی و کشتار و تحقیر انسانیت

در این شرایط است، دو گانه هراسی غرب و وحشی گری مدعیان اسلام گرایی است که زائران اربعین حسینی می توانند مهمترین ماموریت و رسالت تاریخی خود را در جهان اسلام ایفا کرده و با تبلیغ جاذبه های اسلامی اربعین/مهدویت که مبتنی بر مدینه النبی است به جذب جوانان و مسلمانان سرخورده در جهان اسلام پردازند. و با نمایش ارزش های اجتماعی تجمع اربعین به بیداری اسلامی یاری رسانده و با معرفی معیارهای دشمن شناسی، به بصیرت افزائی جوانان مسلمان پرداخته و مبتنی بر ارزش های حماسه و شهادت جریان و جبهه مقاومت در منطقه را تقویت نمایند.

برخی ارزش های مشترک عاشورا/مهدویت که در بستر اربعین می تواند برای جوانان بیداری اسلامی مورد تاکید و تبلیغ بیشتر قرار گرفته و به جاذبه آفرینی بیشتر برای جوانان مسلمان منجر شود چنین است:

شاخص‌ها	بازخوانی
حضور جوانان	<p>- بیشتر یاران امام حسین در کربلا (خصوصاً بنی هاشم) و بیشتر یاران امام مهدی به هنگام ظهور جوانان هستند، در حماسه اربعین هم جوانان نقشی بارز دارند. همانگونه که در مدینه النبی هم بیشتر مسلمانان جوانان بودند. پس نمایش جوانان اربعینی با دובال سرخ و سبز می‌تواند برای جوانان مسلمان الگوساز و جاذبه آفرین باشد</p>
ارزش‌های اخلاقی	<p>اربعین بزرگترین تجمع اخلاقی و انسانی بشری است. که بزرگترین تجربه ایثار و انفاق بشری را به نمایش گذاشته است. و این اتفاق نه بر بنیان ارزش‌های سکولار و حقوق بشر بلکه بر بنیان تعالیم اسلامی است. بدین جهت اربعین می‌تواند زمینه‌ساز برای باورمندی به اسلام به عنوان برنامه‌ای برای هدایت و نجات و تمدن‌سازی باشد.</p>
روح آینده‌گرایی در جامعه	<p>آینده‌گرایی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی (و فلسفه تاریخ اسلامی) مهم‌ترین بن‌مایه مهدویت اسلامی است که می‌تواند جایگزین تفکر وهابی - سلفی شود، این آینده‌گرایی بر بنیان تجربه اربعین (که خود حرکت پیشرو نسبت به عاشورا است) حلقه مفقوده برای اندیشه ورزی جوان تحصیلکرده و اندیشمند در جهان اسلام است.</p>
تلاش برای زمینه‌سازی	<p>در اسلام غیر شیعی اصولاً زمینه‌سازی معنا ندارد. و سلفی‌گرایی هم الزاماً به جامعه عدالت‌محور و اخلاق‌گرا منجر نمی‌شود. ولی در حماسه اربعین با تعریف درست مهدویت اسلامی، تک‌تک زائران به پیاده‌سازی شعائر حسینی/مهدوی در تجمع اربعینی دعوت می‌شوند. و همین می‌تواند به پرسش‌گری و بازخوانی دوباره متون اسلامی منجر شده و اسلام سنتی را از تحریف‌ها رهانیده و ...</p>
ارزش‌های دشمن‌شناسی و ظلم‌ستیزی	<p>جوان مسلمان از وحشی‌گری‌های غرب و صهیونیسم خسته شده است ولی صلح‌طلبی سران عرب باعث سردرگمی او شده است، این در حالی است که تبلیغ ارزش‌های عاشورایی/مهدوی بر بستر اربعین فضای بصیرت‌زائی را فراهم ساخته و در این شرایط جوان مسلمان می‌تواند احیاگر روحیه مبارزه او بر علیه نفاق اسلامی و صهیونیست بین‌المللی باشد</p>

اربعین در جهان بشریت:

در قرن بیستم پس از ناکامی و فروپاشی کمونیسم، جهان غرب خلاء ها و بن بست های درونی خود شد و از موج فزاینده اسلام گرایی در غرب دانست که تنها جبهه فرهنگی و تمدنی رقیبش اسلام است. در این شرایط آنان با طراحی جریان های تکفیری تلاش کردند جریان اسلام هراسی را در دنیا ایجاد کرده تا شاید اسلام از چشم جهانیان بیفتد. و در این راستا هم جریان های تکفیری کمک های بسیار به آنها کردند.

ولی در این میان از میان خرابه های ظلم صدامیان و تجاوزگری استعمار و استکبار، ناگهان حماسه اربعین درخشیدن گرفت و هر سال بر فروغش افزوده شد.

و شگفت آن که هر غیر مسلمانی که اربعین را از نزدیک تجربه کرده در کنار ارزش های اخلاقی آن، بیشتر از بازگشت به انسانیت خود در بستر سلوک اربعینی متأثر شده بود.

رویدادی که اتفاق قرآن بدان اشاره دارد. قرآن، انسان را فطرتاً دیندار می داند.^{۱۵۹} و مهمترین مانع برای پذیرش دین حق را در آدمی، زنگار گرفتن فطرت و قساوت قلب به واسطه بسته شدن گوش و چشم (ابزار معرفت) می داند.^{۱۶۰} بدین جهت اگر ابزاری باشد که حجاب را از ابزار معرفت زدوده و قلب آدمی را بلرزاند، زمینه های احتمالی برای هدایت فراهم می گردد.^{۱۶۱}

و حضور در حماسه اربعین در دنیای مدرن و فریبنده م مسخ کننده معاصر، بزرگترین فضا برای بازگشت به خویشتن است. اربعین مانند تمرین های ریاضتی یوگا و ذن و عرفانی های عجیب و غریب شرقی و غربی و ... نیست که در تنهایی و فردگرایی، آدمی را به از خودبیگانگی بکشاند یا او را به فرم ها و قالب ها سرگرم کند.

بلکه اربعین با عجزین سازی مظلومیت های عاشورایی با ارمان های فطری (مهدویت فطری) زمینه برای فعال سازی موازی عاطفه و عقل آدمی را برای سالک/زائر خود فراهم می سازد. یعنی سالک و زائر اربعین ابتدا با گریه ها و حزن های مقدس فردی/جمعی در طول پیاده روی، بتدریج تطهیر یافته و سپس در فضای همگرایی اجتماعی و انسانی خود زمینه های تفکر برایش فراهم می شود. و این فرایند تطهیر و تفکر برانگیزی همزمان خصوصیت طبیعی سلوک اربعینی است.

^{۱۵۹} . روم ۳۰ : فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا
^{۱۶۰} . اعراف ۱۷۹ : لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا
^{۱۶۱} . حدید ۱۶ : أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

بدین جهت با نشر فرهنگ اربعین می توان بسیاری از قلوب آماده را در گستره جهانی جذب کرد. شاهد این مدعا گزارش ها از حضور انبوه غیر مسلمانان در مراسم اربعین و جاذبه های اربعین اخلاقی و انسانی اربعین برای آنها است. و اتفاقاً این امر یکی از سفارش های امامان معصوم به شیعیان است که آنان را به لزوم جاذبه آفرینی برای تشیع با عمل به جای گفتار تشویق می کردند.^{۱۶۲}

البته تصور نشود که این مدعا با شعار «اربعین نشان تشیع» در تضاد است. چرا که شکی نیست که اربعین نشان رفتاری شیعه است. و اتفاقاً بزرگترین نشان تشیع است. ولی چون نشانی مبتنی بر حماسه اخلاق و فضیلت هم، همین امر نقطه ورود به تشیع هم است. درست همانند بعثت پیامبر که با شعار مکارم اخلاقی بود. و مکارم اخلاق را معبری برای رساندن دل های آماده به اسلام قرار می داد. پس اربعین امروزه بزرگترین ظرفیت تبلیغی شیعی است که می تواند در برابر تمامی تبلیغات منفی جهان رسانه ای استکبار بدرخشد.

سخن پایانی:

زمانه آخرالزمان با زمانه عاشورا یک ویژگی مشترک دارد و آن گسترش جاهلیت است. جاهلیتی که مردم را مسخ کرده و ظلم پذیر و فسادگرا کرده و در نهایت از انسانیت خارج می سازد. و شاخصه انسان جاهل، اخلاق گریزی اوست.

و در برابر پادزهری آخرالزمانی جاهلیت مدرن، فضا سازی اجتماعی و آشکار برای نظام اخلاق اسلامی بر بستر تجربه های واقعی و عینی است. و این اربعین است که این نظام سازی مبتنی بر اخلاق اسلامی را به بهترین شکل به نمایش می گذارد. بدین جهت در هنگامه اربعین تلاش برای دعوت مسلمانان و جهانیان به اربعین و یا با به اطلاع رسانی ارزش های اخلاقی آن از طریق نمایش زنده رویدادهای انسانی اربعین، می توان جریانی جهانی از پرسش گری و حزن مقدس و تلاش برای خود باوری و فضیلت خواهی و ... ایجاد کرد. و با این راهبرد زمینه های تحقق جهانی از مهمترین پیام های زیارت اربعین را فراهم ساخت که:

« بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةَ الضَّلَالَةِ »

و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند

^{۱۶۲} . کافی ج ۲ ص ۷۷: أبا عبد الله ع يقول عليك بتقوى الله و الورع و الإجتهد و صدق الحديث و أداء الأمانة و حسن الخلق و حسن الجوار و كونوا دعاة إلى أنفسكم بغير ألسنتكم و كونوا زبناً و لا تكونوا شبناً

بخش پایانی:

زیارتنامه اربعین

نکته پایانی:

در روایت امام عسکری، اربعین در کنار عبادتی چون نماز علامت مومن معرفی شده است تا دانسته گردد که علامت گشتن اربعین بر بستر تلاش با سلوک عبادی فراگیر در متن رویداد پیاده روی محقق می شود. بدین جهت نقطه پایان زیارت اربعین هم متن زیارت اربعین است که در حقیقت عهدنامه پایانی زائر با امام شهیدش است. عهدنامه ای که اتفاقاً زیارتنامه ای نسبتاً کوتاه است، تا احتمالاً رعایت حال زائر شده باشد و زبان حال او در امتداد کاروان اسارت و جابر بن عبدالله باشد که، به عنوان یک شیعه ادامه دهنده اربعین در متن عقیده و زندگی خود خواهد بود.

درباره متن زیارتنامه اربعین باید دانست که، در متون ادعیه و زیارت، دو زیارت درباره اربعین وجود دارد:

- یکی زیارتنامه جابر

- و دیگری زیارتنامه امام صادق به صفوان جمال.

زیارت جابر از جهت ساختار و متن با دیگر زیارت های امام حسین (ع) شباهت فراوان دارد اگرچه در مقایسه با آنان کوتاه تر است.. ولی زیارت امام صادق دارای نکات بدیع و اختصاصی است. و شاید یکی از مهمترین بندهای آن که متناسب با حماسه عظیم اربعین حسینی است این جمله باشد که:

« بَدَلَ مُهَجَّنَتُهُ فِيكَ لَيْسَتُنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ »

در پایان این اثر ضمن دعوت خوانندگان، در راستای طرح مطالعه تطبیقی بین زیارات حسینی/مهدوی، بررسی تطبیقی این دو متن از زیارت هم (از جهت ساختار/متن) توصیه می گردد. خصوصاً با توجه دادن به این نکته که زیارت امام صادق دارای نکات کارگفتی فراوان تر و متنوع تر است. بدین جهت هم در متون عرفانی شیعی مورد توجه بیشتر قرا گرفته است. متن این دو زیارت چنین است:

زیارتهای اربعینیه	
زیارت اربعین امام صادق	زیارت نیمه رجب یا زیارت جابر در روز اربعین
السَّلَامُ عَلَيَّ وَ لِيَّ اللهُ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللهِ وَ نَجِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّكَ وَ ابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ ابْنُ صَفِيِّكَ الْقَائِمُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَنَّهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتُهُ	السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا أَلَّ اللهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا صَفْوَةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا خَيْرَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا سَادَةَ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا لُبُوثَ [عَلَى لُبُوثَ] الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا سَفْنَ النِّجَاةِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ رَحْمَةَ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ [السَّلَامُ عَلَيْنَا يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ

بِالسَّعَادَةِ وَاجْتِنِبْتَهُ بِطِيبِ الْوَلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا
 مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ
 أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى
 خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ
 النَّصِيحَ وَ بَدَّلَ مَهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ
 الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ
 غَرَّتُهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى
 آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي
 هَوَاهُ وَ أَسْحَطَكَ وَ أَسْحَطَ نَبِيَّكَ ، وَ أَطَاعَ مِنْ
 عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ
 الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ [النَّارِ] فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا
 مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَ اسْتُنْبِيحَ
 حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذَّبُهُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ
 أَمِينِهِ عَشْتِ سَعِيدًا وَ مَضَيْتِ حَمِيدًا وَ مَتَّ فَقِيدًا
 مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَ
 مُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ
 الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ
 يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَةِ [الطَاهِرَةِ] لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ
 بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ تِيَابِهَا وَ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ
 مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ النَّقِيُّ
 الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي وَ أَشْهَدُ أَنَّ
 الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ النَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ
 الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ
 أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ
 خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي
 لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ
 لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ [أَجْسَامِكُمْ]
 وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ أَمِينُ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ [السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
 إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ
 الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ ابْنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا قَتِيلَ ابْنِ الْقَتِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ رَزَنْتَ [وَ بَرَزْتَ]
 بَوَالِدِيكَ وَ جَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ
 تَرُدُّ الْجَوَابَ وَ أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيُّهُ [نَجِيُّهُ]
 ، وَ صَفِيُّهُ وَ ابْنُ صَفِيَّتِهِ يَا مَوْلَايَ [يَا ابْنَ مَوْلَايَ]
 زُرْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَ اسْتَشْفِعُ
 إِلَيْكَ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ
 بِأُمَّكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيكَ وَ مُبْغِضِيكَ مِنْ
 الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

سپس قبر مطهر را ببوس و رو به جانب علی بن
 الحسین علیه السلام کن و در زیارت آن جناب بگو:
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ
 لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ وَ
 بِمَحَبَّتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مَوْلَايَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .
 بعد برو تا به قبور شهدا (رضوان الله عليهم) برسی
 آنجا بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُتِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ أَجْمَعِينَ جَمَعْنَا
 اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَ تَحْتَ عَرْشِهِ إِنَّهُ أَرْحَمُ
 الرَّاحِمِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

بعد از آن به حرم عباس بن امیر المؤمنین رفته و
 چون به آنجا رسیدی بر در بارگاه آن جناب بایست و
 بگو: سلام الله و سلام ملائکته المقربین تا آخر زیارت
 آن حضرت که پیش از این گذشت

ایده های و موضوع های مطالعاتی:

نظر به حضور چند ده ملیونی زائران حسینی در اربعین و تنوع مسائل و رویدادها، بدیهی است که در این حماسه جمع عظیمی از مبلغین حوزوی و یا اساتید و دانشجویان حوزه و دانشگاه و یا ارباب رسانه و اصحاب فرهنگ و یا علاقمندان برون شیعی فرهیخته و یا ... شرکت می کنند و مایل هستند از جهت سخنوری و یا زمینه های بحث و گفتگو و یا زمینه های مطالعاتی، ایده ها و سوژه های متنوعی را در فضای اربعین دستمایه برنامه و کار خود قرار دهند. بنابراین در این پام پایانی برخی از ایده ها و سوژه ها و موضوع ها پیشنهاد می گردد. باشد که با توجه به آنها بتوان به غنای مطالعات اربعین پژوهی یاری رساند:

عمومی:

اربعین تجلی ارزش های مهدوی عدالت خواهی و آرمان خواهی

رابطه مفهومی صبح و مصباح

از جاهلیت یزیدی، تا جاهلیت معاصر و رسالت های اربعین

ساحت های ماورائی اربعین اربعین

زیارت اربعین، بزرگترین خیر و فیض جمعی

اربعین؛ آخرین فراخوان الهی برای هدایت جمعی و جهانی

اربعین و جایگزینی سبقت های معنوی به جای سبقت ها و سرعت های تهی آخر الزمانی

اربعین و تقدس بخشی به ملک و ملکوت و زائر حسین

اربعین فرصتی برای تغییر نگاه به شیعه عراق و زحمات تاریخی شیعه عراق

آخرالزمان شناسی از زاویه اربعین

نسبت شناسی اربعین با مدینه فاضله (نقش اربعین در باز تعریف مدینه فاضله اسلامی/شیعی)

رفع استبعاد از مهدویت پایانی شیعی بر بنیان واقعیت های اربعین

فضاهای رازگونه اربعین و بستر سازی برای عظیم ترین سلوک بشری

اربعین آینه تمام نمای عرفان شیعه (در مقایسه با عرفان های اسلامی و ...)

اربعین پارادوکس دنیا رهاسازی های فردی زائران در کنار ایثارهای دنیوی عظیم

اسرار و لطائف عرفانی اربعین

نقش اربعین در تامین نیازهای متعالی انسانی (در شرایط آخرالزمانی)

نسبت سنجی اربعین با روایات تبلیغ جهانی دین در اخرالزمان

انسان شناسی اربعین

زبان شناسی و نماد شناسی اربعین

نقش اربعین در تغییر نگرش های زیباشناختی سالکان و زائران خود

هنر شیعی در بستر حماسه اربعین

نقش اربعین در شکوفاسازی فطرت و وجدان های خفته

هویت و نقش های جنسیتی در حماسه اربعین

اربعین به مثابه متعالی ترین نظام و جامعه حقوقی

نظام خود مراقبتی و خود نظارتی فراگیر در حماسه اربعین

نسبت حقوق بشر با روابط حقوقی حاکم در حاسه اربعین

نقش اربعین در توان انگیزی جمعی (آمادگی آینده نگر)

جریان شناسی پیدایش و رشد فرهنگی/اجتماعی اربعین در تاریخ معاصر تشیع

گونه شناسی زائران غیر شیعی اربعین

اربعین از منظر بینارشته ای

جسمی:

پیاده روی: راز عبور از رنج‌های زندگی و رسیدن به لذات بندگی

پیاده روی اربعین ساده ترین و سالم ترین سلوک عرفانی

تربیتی

پیاده روی اربعین، وحدت (زائر) در عین کثرت (زوار) و کثرت در (زوار) در عین وحدت (پیاده روی)

نقش حضور در پیاده روی و ارزش های آن، در تغییر نگاه انسان به خود و زندگی

پیاده روی، سلوک سالک مانند اصحاب الحسین

پیاده روی اربعین و تمرین تعظیم شعائر و دین ورزی در مرتبه حداکثری

پیاده روی رنج مقدس اربعین برای تعالی گام به گام

روانی:

آرامش حضور در جمع مومنان^{۱۶۳}

فرایند مستقیم و غیر مستقیم نجات از جهل به علم مقدس در زیارت اربعین

انسان سالم در فرایند سلوک اربعینی

زمینه های خودشکوفایی بر بستر تجربه سلوک اربعینی

مطالعه جاذبه های میان فردی در زائران اربعین (خصوصا بین زائر/خادم)

اخلاقی:

^{۱۶۳}. بحار الأنوار، المجلسي ج ۶۴ : ۱۶۵ : أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ

اربعین و کمک به آزمون غربالگری اخراالزمانی مومنان و جوامع ایمانی

جاذبه های فطری/اخلاقی اربعین برای جهان غیر شیعی

اصل اخلاقی سپاسگذاری و طراحی نظام اجتماعی/اخلاقی دعوت متقابل زائر//خادم^{۱۶۴}

اربعین سبک زندگی دینی متفاوت

اربعین و تمرین سبک باری و اعلان آمادگی هر لحظه ای

معنای زندگی در بستر تجربه های اربعینی

رسانه ای

اربعین رسانه چهره به چهره متفاوت شیعی

بازخوانی پیام های مجازای زائران به بازماندگان در سیر زیارت اربعین

اقتصادی

نظام اقتصادی اربعین و جایگزینی اقتصاد خیر محور به جای اقتصاد سود محور

اقتصاد مردمی اربعین

اقتصاد شیعی اربعین

بنیان اقتصاد انفاق محور اربعین

اقتصاد برکت محور اربعین در زندگی

اربعین در آخرالزمان به مثابه بازسازی اقتصادی انسان دیندار و تغییر مسیر او از دنیا گرایی به ایثار گرایی

جلوه های عدالت اقتصادی در حماسه اربعین

دشواری های فهم اربعین برای انسان حسابگر مدرن آخرالزمانی

^{۱۶۴} . آسیب مواجهه بد با زوار عراقی در ایران ...

نقش وقف و نذر های سالیانه در تقویت اقتصاد اربعین

فرهنگی:

تفاوت فرهنگی اربعین از جهت سادگی شعائر و بی تعین بودن شعائر در قیاس با فرهنگ های متنوع عزاداری در عاشورا

تفاوت ها و تشابه های فرهنگی زوار و میزبان و راهبردهای همگرایی دینی

شناخت نقاط ضعف فرهنگ های شیعی محلی با حضور در تجربه ناب شیعه ورزی خالصانه اربعین

تمرین و تقویت فرهنگ دینی/شیعیبر بستر تجربه شیعه زیستی جمعی

آشنایی با فرهنگ و هنر اصیل شیعی (و مرز بندی هنر شیعی از غیر شیعی) در مواردی مانند تلاوت قرآن (که تلاوت قرآن در فرهنگ شیعی تلاوت حزین کوفی است نه غنائی مصری و نه ترتیل یک نواخت سعودی)

زبان اموزی عربی به عنوان زبان مشترک اربعین (زبان عربی زبان قرآن و زبان مدینه النبی و زبان مدینه جهانی مهدی، و زبان جامعه موقت اربعین، پس بر زبان عربی ...)^{۱۶۵}

آداب و رسوم اربعین

مدیریت:

اربعین بزرگترین و اجرایی ترین طرح برای فقر زدائی و ایثار جمعی

مدیریت پنهانی و بسیار کلان اربعین، نشانی از تلاشگر پنهان

نگاه انتقادی به برنامه ریزی های ... اربعین در داخل

بررسی مقایسه ای مدیریت ایثارمحور متن اربعین با مدیریت مصلحت محور ستاد ...

اجتماعی

^{۱۶۵} . بحار الأنوار، المجلسي ج ۶۷ ۲۸۳ : دَعَوَاتُ الرَّأُوْنِدِيِّ، قَالَ النَّبِيُّ ص مَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَاشَ قَوِيًّا وَ سَارَ فِي بِلَادِ عَدُوِّهِ آمِنًا

همدلی و همگرایی شیعی (همگرایی عاطفی که بستر همگرایی با برنامه شود ...)

طرح تعهد اجتماعی: عقد اخوت شیعی کاربردی^{۱۶۶}

اصل اخلاقی سپاسگذاری و طراحی نظام اجتماعی/اخلاقی دعوت متقابل زائر//خادم^{۱۶۷}

انضباط اجتماعی و همگرایی اربعین نشان از ظرفیت های عظیم تشیع برای جامعه سازی

اربعین تجلی نشانه های اولیه جامعه زمینه ساز

اربعین و ایجاد سریع سرمایه اجتماعی برای جهانی سازی پیام های فطری دینی

اربعین بزرگترین تجمع مردم نهاد دنیا

دگرگونی های اجتماعی شیعه بر بستر حضور در اربعین

فرایند تحقق بلوغ اجتماعی آرمانی (آرمانشهر پایانی) بر بستر سلوک اربعین

شیعه شناسی

اربعین و فرصت شیعه پژوهی میدانی

اربعین و فرصت پویا سازی خود در متن جغرافیای تشیع

نقش اربعین در ژئوپلیتیک معاصر شیعه

ژئوپلیتیک شیعه در عراق نوین

اقلیت های شیعه جهان و فرصت خودباوری و در بستر حضور در اربعین

تحلیل نقش تاریخی شهر/حوزه نجف در حماسه اربعین

^{۱۶۶} . حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ جَلَسَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَنْتَسِبُونَ وَ يَفْتَخِرُونَ وَ فِيهِمْ سَلْمَانُ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ عُمَرُ مَا نَسَبُكَ أَنْتَ يَا سَلْمَانَ وَ مَا أَصْلُكَ فَقَالَ أَنَا سَلْمَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ كُنْتُ ضَالًّا فَهَدَانِي اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ ع وَ كُنْتُ عَائِلًا فَأَعَانَنِي اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ ص وَ كُنْتُ مَمْلُوكًا فَأَعْتَقَنِي اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ ص فَهَذَا حَسَبِي وَ نَسَبِي يَا عُمَرُ ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَذَكَرَ لَهُ سَلْمَانُ مَا قَالَ عُمَرُ وَ مَا أَجَابَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا مَعْشَرَ قُرَيْشِ إِنْ حَسَبَ الْمَرْءُ دِينَهُ وَ مَرْوَتَهُ خُلْفَهُ وَ أَصْلَهُ عَقْلَهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمُ « ۱ » ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ لَهُ يَا سَلْمَانُ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ عَلَيْكَ فَضْلٌ إِلَّا يَتَفَوَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ كُنْتُ أَنْتَى مِنْهُ فَأَنْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ « ۲ »

^{۱۶۷} . آسیب مواجهه بد با زوار عراقی در ایران ...

آسیب شناسانه

راهبردهای خنثی سازی فعالیت جریان های انحرافی در حماسه اربعین

مطالعه شیطنت های استکبار جهانی در مواجهه با حماسه اربعین

سیاسی:

در فضای اصالت فردگرایانه معاصر، اربعین بزرگترین فرصت همگرایی مکتبی بر محور مرجعیت شیعی

بازتعریف مبانی سیاسی شیعی کانند عدالت و عزت، در برابر مبانی اسلامی قدرت و ...

تمرین همگرایی بر محور ولایت فراتر از مرزها و فرهنگ ها

سطوح و لایه های پیام سیاسی در حماسه اربعین

نقش اربعین در اعتبار بخشی به جایگاه سیاسی مرجعیت شیعی

ماهیت شناسی حضور سیاسی زائران اربعین

نقش اربعین در احیای هویت شیعی عراق

ایده پایانی : ظرفیت بین المللی اربعین

آیت الله بهجت:

روایت داریم که امام زمان (عج) که ظهور فرمود، پنج ندا می کند به اهل عالم، آلا یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً، آلا یا اهل العالم ان جدی الحسین سحقوه عدواناً... امام زمان (عج) خودش را به واسطه امام حسین (ع) به همه عالم معرفی می کنند ... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، امام حسین (ع) را شناخته باشند... اما الان هنوز همه مردم عالم، حسین (ع) را نمی شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سیدالشهدا (ع) طوری فریاد زدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی امام حسین (ع) به عالم است.

کتابنامه: